

## قانون مدنی

مصوب ۶ بهمن و ۲۷ و ۲۱ اسفند ۱۳۱۳ و ۱۷ و ۱۹ و ۲۰ فروردین ماه ۱۳۱۴ شمسی

### جلد دوم - در اشخاص

### کتاب اول - در کلیات

**ماده ۹۵۶ -** اهلیت برای دارا بودن حقوق بازنده متولد شدن انسان شروع

و با مرگ او تمام میشود .

**تذکر -** چون قانون مدنی در سه دوره قانونگذاری تصویب شده ( ادوار ۶ - ۹ - ۱۰ ) و در مجلدات قوانین مجلس يك جا در دست رس مطالعه کنندگان نیست اینک که دوره نهم تجدید چاپ میشود آنچه در دوره نهم چاپ شده ( از ماده ۹۵۶ تا ماده ۱۲۰۶ ) در متن و ۹۵۵ ماده که در دوره ششم بموجب ماده واحده اجازه اجرا داده شده و از ماده ۱۲۰۷ تا ماده ۱۳۳۵ که در دوره دهم بتصویب مجلس شورای ملی رسیده در حاشیه چاپ شده تا مطالعه کنندگان از مراجعه به کتابهای متعدد بی نیاز شوند .

« **ماده واحده -** دولت مجاز است از روز ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۷ که کابینتولاسیون ملغی است لایحه قانون مدنی را که بمجلس شورای ملی تقدیم داشته تا وقتی که رأی قطعی کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی اتخاذ و اعلام شود بموقع اجراء گذارد . »

#### مقدمه

### در انتشار و آثار و اجراء قوانین بطور عموم

**ماده ۱ -** قوانین باید در ظرف سه روز از تاریخ توشیح بصفحه ملوکانه منتشر شود .

**ماده ۲ -** قوانین در طهران ده روز پس از انتشار و در ولایات بعد از انقضاء مدت مزبور باضافه یکروز برای هرشش فرسخ مسافت تا طهران لازم الاجراء است مگر اینکه خود قانون ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر کرده باشد .

**ماده ۳ -** انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی بعمل آید .

**ماده ۴ -** اثر قانون نسبت بآتی است و قانون نسبت بماقبل خود اثر ندارد مگر اینکه در خود قانون مقررات خاصی نسبت باین موضوع اتخاذ شده باشد .

**ماده ۵ -** کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردیکه قانون استثناء کرده باشد .

**ماده ۶ -** قوانین مربوطه باحوال شخصیه از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص وارث در مورد کلبه

**ماده ۹۵۷** - حمل از حقوق مدنی متمتع میگردد مشروط بر اینکه زنده متولد شود .

**ماده ۹۵۸** - هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود لیکن هیچکس نمیتواند حقوق خود را اجرا کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد.

اتباع ایران ولو اینکه مقیم در خارجه باشند مجری خواهد بود .

**ماده ۷** - اتباع خارجه مقیم در خاک ایران از حیث مسائل مربوطه باحوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارنیه در حدود معاهدات مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود .  
**ماده ۸** - اموال غیرمنقول که اتباع خارجه در ایران برطبق عهود تملک کرده یا میکنند از هر جهت تابع قوانین ایران خواهد بود .

**ماده ۹** - مقررات عهدی که برطبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است .

**ماده ۱۰** - قراردادهای خصوصی نسبت بکسانی که آنرا منعقد نموده اند در صورتیکه مخالف صریح قانون نباشد نافذ است .

### جلد اول - در اموال

### کتاب اول - در بیان اموال و مالکیت بطور کلی

#### باب اول - در بیان انواع اموال

**ماده ۱۱** - اموال بر دو قسم است منقول و غیر منقول.

#### فصل اول - در اموال غیر منقول

**ماده ۱۲** - مال غیر منقول آنست که از محلی به محل دیگر نتوان نقل نمود اعم از اینکه استقرار آن ذاتی باشد یا بواسطه عمل انسان بنحویکه نقل آن مستلزم خرابی یا نقص خود مال یا محل آن شود .

**ماده ۱۳** - اراضی و ابنیه و آسیا و هر چه که در بنا منصوب و عرفاً جزء بنا محسوب میشود غیر منقول است و همچنین است لوله ها که برای جریان آب یا مقاصد دیگر در زمین یا بنا کشیده شده باشد .

**ماده ۱۴** - آینه و پرده نقاشی و مجسمه و امثال آنها در صورتیکه در بنا یا زمین بکار رفته باشد بطوریکه نقل آن موجب نقص یا خرابی خود آن یا محل آن بشود غیر منقول است .

**ماده ۱۵** - ثمره و حاصل مادام که چیده یا درو نشده است غیر منقول است اگر قسمتی از آن چیده یا درو شده باشد تنها آن قسمت منقول است .

**ماده ۱۶** - مطلق اشجار و شاخه های آن و نهال و قلمه مادام که بریده یا کنده نشده است غیر منقول است .

**ماده ۱۷** - حیوانات و اشیائیکه مالک آنرا برای عمل زراعت اختصاص داده باشد از قبیل گاو و گاومیش و ماشین و اسباب و ادوات زراعت و تخم و غیره و بطور کلی هر مال منقول که برای استفاده

**ماده ۹۵۹** - هیچکس نمیتواند بطور کلی حق تمتع و یا حق اجراء تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند .

**ماده ۹۶۰** - هیچکس نمیتواند از خود سلب حریت کند و یا در حدودی که مخالف قوانین و با اخلاق حسنه باشد از استفاده از حریت خود صرفنظر نماید .

از عمل زراعت لازم و مالک آنرا باین امر تخصیص داده باشد از جهت صلاحیت محاکم و توقیف اموال جزو ملك محسوب و در حکم مال غیرمنقول است و همچنین است تلمبه و گاو و یا حیوان دیگری که برای آبیاری زراعت یا خانه و باغ اختصاص داده شده است .

**ماده ۱۸** - حق انتفاع از اشیاء غیرمنقوله مثل حق عمری و سکنی و همچنین حق ارتفاق نسبت به ملك غیر از قبیل حق العبور و حق العجری و دعاوی راجعه باموال غیرمنقوله از قبیل تقاضای خلع ید و امثال آن تابع اموال غیرمنقول است .

### فصل دوم - در اموال منقوله

**ماده ۱۹** - اشیائی که نقل آن از محلی بمحل دیگر ممکن باشد بدون اینکه بخود یا محل آن خرابی وارد آید منقول است .

**ماده ۲۰** - کلیه دیون از قبیل قرض و ثمن مبیع و مال الاجاره عین مستأجره از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول است ولو اینکه مبیع یا عین مستأجره از اموال غیرمنقوله باشد .

**ماده ۲۱** - انواع کشتیهای کوچک و بزرگ و قایقها و آسیاها و خامهائیکه در روی رودخانه و دریاها ساخته میشود و میتوان آنها را حرکت داد و کلیه کارخانه هائیکه نظر بطرز ساختمان جزو بنای عمارتی نباشد داخل در منقولات است ولسی توقیف بعضی از اشیاء مزبوره ممکن است نظر به اهمیت آنها موافق ترتیبات خاصه بعمل آید .

**ماده ۲۲** - مصالح بنائی از قبیل سنگ و آجر و غیره که برای بنائی تهیه شده یا بواسطه خرابی از بنا جدا شده باشد مادامی که در بنا بکار نرفته داخل منقول است .

### فصل سوم - در اموالیکه مالک خاص ندارد

**ماده ۲۳** - استفاده از اموالیکه مالک خاص ندارد مطابق قوانین مربوطه بآنها خواهد بود .

**ماده ۲۴** - هیچکس نمیتواند طرق و شوارع عامه و کوچه هائی را که آخر آنها مسدود نیست تملك نماید .

**ماده ۲۵** - هیچکس نمیتواند اموالی را که مورد استفاده عموم است و مالک خاص ندارد از قبیل پلها و کاروانسراها و آب انبارهای عمومی و مدارس قدیمه و میدان گاههای عمومی تملك کند . و همچنین است قنوات و چاههائیکه مورد استفاده عموم است .

**ماده ۲۶** - اموال دولتی که معد است برای مصالح یا انتفاعات عمومی مثل استحکامات و قلاع و خندق ها و خاکریزهای نظامی و قورخانه و اسلحه ذخیره و سفاین جنگی و همچنین اثاثیه و ابنیه

**ماده ۹۶۱ -** جز در موارد ذیل اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی متمتع

خواهند بود :

- ۱ - در مورد حقوقی که قانون آن را صراحتاً منحصر باتباع ایران نموده و یا آنرا صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است .
- ۲ - در مورد حقوق مربوط باحوال شخصی که قانون دولت متبوع تبعه خارجه آنرا قبول نکرده .
- ۳ - در مورد حقوق مخصوصه که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد .

سلطنتی و عمارات دولتی و سبهای تلگرافی دولتی و موزهها و کتابخانههای عمومی و آثار تاریخی و امثال آنها و بالجمله آنچه که از اموال منقوله و غیر منقوله دولت بعنوان مصالح عمومی و منافع ملی در تحت تصرف دارد قابل تملك خصوصی نیست و همچنین است اموالیکه موافق مصالح عمومی بایالت یا ولایت یا ناحیه یا شهری اختصاص یافته باشد .

**ماده ۴۷ -** اموالیکه ملك اشخاص نمیباشد و افراد مردم میتوانند آنها را مطابق مقررات مندرجه در این قانون وقوانین مخصوصه مربوطه بهریك از اقسام مختلفه آنها تملك کرده و یا از آنها استفاده کنند مباحث نامیده میشود مثل اراضی موات یعنی زمینهاییکه معطل افتاده و آبادی و کشت و زرع در آنها نباشد .

**ماده ۴۸ -** اموال مجهولالمالك با اذن حاکم یا مأذون از قبل او بمصارف فقرا میرسد .

### **باب دوم - در حقوق مختلفه که برای اشخاص نسبت باموال حاصل میشود**

**ماده ۴۹ -** ممکن است اشخاص نسبت باموال علاقههای ذیلرا دارا باشند :

۱ - مالکیت ( اعم ازعین یا منفعت ) .

۲ - حق انتفاع .

۳ - حق ارتفاق بملك غیر .

### **فصل اول - در مالکیت**

**ماده ۴۰۰ -** هر مالکی نسبت بمالک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد .

**ماده ۹۶۳ -** تشخیص اهلیت هر کس برای معامله کردن برحسب قانون دولت متبوع او خواهد بود معذک اگر يك نفر تبعه خارجه در ایران عمل حقوقی انجام دهد در صورتیکه مطابق قانون دولت متبوع خود برای انجام آن عمل واجد اهلیت نبوده و یا اهلیت ناقصی داشته است آن شخص برای انجام آن عمل واجد اهلیت محسوب خواهد شد در صورتیکه قطع نظر از تابعیت خارجی او مطابق قانون ایران نیز بتوان او را برای انجام آن عمل دارای اهلیت تشخیص داد .

**ماده ۳۱ -** هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمیتوان بیرون کرد مگر بحکم قانون .  
**ماده ۳۲ -** تمام ثمرات و متعلقات اموال منقوله و غیرمنقوله که طبعاً یا در نتیجه عملی حاصل شده باشد بالتبع مال مالک اموال مزبوره است .

**ماده ۳۳ -** نما و محصولی که از زمین حاصل میشود مال مالک زمین است چه بخودی خود روئیده باشد یا بواسطه عملیات مالک مگر اینکه نما یا حاصل از اصله یا حبه غیر حاصل شده باشد که در اینصورت درخت و محصول مال صاحب اصله یا حبه خواهد بود اگرچه بدون رضای صاحب زمین کاشته شده باشد .

**ماده ۳۴ -** نتایج حیوانات در ملکیت تابع مادر است و هر کس مالک مادر شد مالک نتایج آنها هم خواهد شد .

**ماده ۳۵ -** تصرف بعنوان ملکیت دلیل مالکیت است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود .

**ماده ۳۶ -** تصرفی که ثابت شود ناشی از سبب مملک یا ناقل قانونی نبوده معتبر نخواهد بود .  
**ماده ۳۷ -** اگر متصرف فعلی اقرار کند که ملک سابقاً مال مدعی او بوده است در اینصورت مشارالیه نمیتواند برای رد ادعای مالکیت شخص مزبور بتصرف خود استناد کند مگر اینکه ثابت نماید که ملک بناقل صحیح باو منتقل شده است .

**ماده ۳۸ -** ملکیت زمین مستلزم ملکیت فضای محاذی آن است تا هر کجا بالا رود و همچنین است نسبت بزیر زمین بالجمله مالک حق همه گونه تصرف در هوا و فراز گرفتن دارد مگر آنچه را که قانون استثناء کرده باشد .

**ماده ۳۹ -** هر بنا و درخت که در روی زمین است و همچنین هر بنا و حفریکه در زیر زمین است ملک مالک آن زمین محسوب میشود مگر اینکه خلاف آن ثابت شود .

### فصل دوم - در حق انتفاع

**ماده ۴۰ -** حق انتفاع عبارت از حقی است که بموجب آن شخص میتواند از مالی که عین آن ملک دیگری است یا مالک خاصی ندارد استفاده کند .

حکم اخیر نسبت باعمال حقوقی که مربوط بحقوق خانوادگی و یا حقوق ارثی بوده و یا مربوط به نقل و انتقال اموال غیر منقول واقع در خارج ایران میباشد شامل نخواهد بود.

**ماده ۹۶۳** - اگر زوجین تبعه يك دولت نباشند روابط شخصی و مالی بین آنها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود.

### مبحث اول - در عمری و رقبی و سکنی

**ماده ۴۱** - عمری حق انتفاعی است که بموجب عقدی از طرف مالک برای شخص بمدت عمر خود یا عمر منتفع و یا عمر شخص ثالثی برقرار شده باشد.

**ماده ۴۲** - رقبی حق انتفاعی است که از طرف مالک برای مدت معینی برقرار میگردد.

**ماده ۴۳** - اگر حق انتفاع عبارت از سکونت در مسکنی باشد سکنی یا حق سکنی نامیده میشود و این حق ممکن است بطریق عمری یا بطریق رقبی برقرار شود.

**ماده ۴۴** - در صورتیکه مالک برای حق انتفاع مدتی معین نکرده باشد حبس مطلق بوده و حق مزبور تا فوت مالک خواهد بود مگر اینکه مالک قبل از فوت خود رجوع کند.

**ماده ۴۵** - در موارد فوق حق انتفاع را فقط درباره شخص یا اشخاصی میتوان برقرار کرد که در حین عقد وجود نیامده اند برقرار شود و مادامیکه صاحبان حق انتفاع تبعاً برای کسانی هم که در حین عقد وجود نیامده اند برقرار شود و مادامیکه صاحبان حق انتفاع موجود هستند حق مزبور باقی و بعد از انقراض آنها حق زائل میگردد.

**ماده ۴۶** - حق انتفاع ممکن است فقط نسبت بمالی برقرار شود که استفاده از آن با بقاء عین ممکن باشد اعم از اینکه مال مزبور منقول باشد یا غیر منقول و مشاع باشد یا مفروز.

**ماده ۴۷** - در حبس اعم از عمری و غیره قبض شرط صحت است.

**ماده ۴۸** - منتفع باید از مالیکه موضوع حق انتفاع است سوء استفاده نکرده و در حفاظت آن تعدی یا تفریط ننماید.

**ماده ۴۹** - مخارج لازمه برای نگاهداری مالی که موضوع انتفاع است برعهده منتفع نیست مگر اینکه خلاف آن شرط شده باشد.

**ماده ۵۰** - اگر مالی که موضوع حق انتفاع است بدون تعدی یا تفریط منتفع تلف شود مشارالیه مسئول آن نخواهد بود.

**ماده ۹۶۴** - روابط بین ابویین و اولاد تابع قانون دولت متبوع پدر است مگر اینکه نسبت طفل فقط بمادر مسلم باشد که در این صورت روابط بین طفل و مادر او تابع قانون دولت متبوع مادر خواهد بود .

**ماده ۹۶۵** - ولایت قانونی و نصب قیم بر طبق قوانین دولت متبوع مولی علیه خواهد بود .

**ماده ۵۱** - حق انتفاع در موارد ذیل زایل میشود :

(۱) در صورت اقتضاء مدت .

(۲) در صورت تلف شدن مالی که موضوع انتفاع است .

**ماده ۵۲** - در موارد ذیل منتفع ضامن تضررات مالک است :

(۱) در صورتیکه منتفع از مال موضوع انتفاع سوء استفاده کند .

(۲) در صورتیکه شرایط مقرر از طرف مالک را رعایت ننماید و این عدم رعایت موجب خسارتی بر موضوع حق انتفاع باشد .

**ماده ۵۳** - انتقال عین از طرف مالک بغیر موجب بطلان حق انتفاع نمیشود ولی اگر منتقل الیه جاهل باشد که حق انتفاع متعلق بدیگری است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت .

**ماده ۵۴** - سایر کیفیات انتفاع از مال دیگری بنحوی خواهد بود که مالک قرار داده یا عرف و عادت اقتضاء بنماید .

### مبحث دوم - در وقف

**ماده ۵۵** - وقف عبارتست از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود .

**ماده ۵۶** - وقف واقع میشود بایجاب از طرف واقف بهر لفظی که صراحتاً دلالت بر معنی آن کند و قبول طبقاً اول از موقوف علیهم یا قائم مقام قانونی آنها در صورتی که محصور باشند مثل وقف بر اولاد و اگر موقوف علیهم غیر محصور یا وقف بر مصالح عامه باشد در این صورت قبول حاکم شرط است .

**ماده ۵۷** - واقف باید مالک مالی باشد که وقف میکند و علاوه دارای اهلیتی باشد که در معاملات معتبر است .

**ماده ۵۸** - فقط وقف مالی جائز است که بابقا عین بتوان از آن منتفع شد اعم از اینکه منقول باشد یا غیر منقول مشاع باشد یا مفروز .

**ماده ۹۶۶-** تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیاء منقول یا غیر منقول تابع قانون مملکتی خواهد بود که آن اشیاء در آنجا واقع می باشند معذک حمل و نقل شدن شیئی منقول از مملکتی بمملکت دیگر نمیتواند بحقوقی که ممکن است اشخاص مطابق قانون محل وقوع اولی شیئی نسبت بآن تحصیل کرده باشند خللی وارد آورد.

**ماده ۵۹-** اگر واقف عین موقوفه را بتصرف وقف ندهد وقف محقق نمیشود و هر وقت قبض داد وقف تحقق پیدا می کند.

**ماده ۶۰-** در قبض فوریت شرط نیست بلکه مادامیکه واقف رجوع از وقف نکرده است هر وقت قبض بدهد وقف تمام میشود.

**ماده ۶۱-** وقف بعد از وقوع آن بنحو صحت و حصول قبض لازم است و واقف نمیتواند از آن رجوع کند یا در آن تغییری بدهد یا از موقوف علیهم کسی را خارج کند یا کسی را داخل در موقوف علیهم نماید یا با آنها شریک کند یا اگر در ضمن عقد متولی معین نکرده بعد از آن متولی قرار دهد یا خود بعنوان تولیت دخالت کند.

**ماده ۶۲-** در صورتیکه موقوف علیهم محصور باشند خود آنها قبض میکنند و قبض طبقه اولی کافی است و اگر موقوف علیهم غیر محصور یا وقف بر مصالح عامه باشد متولی وقف والا حکم قبض میکند.

**ماده ۶۳-** ولی و وصی محجورین از جانب آنها موقوفه را قبض میکنند و اگر خود واقف تولیت را برای خود قرار داده باشد قبض خود او کفایت میکند.

**ماده ۶۴-** مالی را که منافع آن موقتاً متعلق بدیگری است میتوان وقف نمود و همچنین وقف ملکی که در آن حق ارتفاق موجود است جائز است بدون اینکه بحق مزبور خللی وارد آید.

**ماده ۶۵-** صحت وقفی که بعلت اضرار دیان واقف واقع شده باشد منوط با اجازه دیان است.

**ماده ۶۶-** وقف بر مقاصد غیر مشروع باطل است.

**ماده ۶۷-** مالی که قبض و اقباض آن ممکن نیست وقف آن باطل است لیکن اگر واقف تنها قادر بر اخذ و اقباض آن نباشد و موقوف علیه قادر باخذ آن باشد صحیح است.

**ماده ۶۸-** هر چیزیکه طبعاً یا بر حسب عرف و عادت جزء یا از توابع و متعلقات عین موقوفه محسوب میشود داخل در وقف است مگر اینکه واقف آنرا استثناء کند بنحوی که در فصل بیع مذکور است.

**ماده ۶۹-** وقف بر مهدوم صحیح نیست مگر به تبع موجود.



**ماده ۹۶۷-** ترکه منقول یا غیر منقول اتباع خارجه که در ایران واقع است فقط از حیث قوانین اصلیه از قبیل قوانین مربوطه به تعیین وراثت و مقدار سهم الارث آنها و تشخیص قسمتی که متوفی میتوانسته است بموجب وصیت تملیک نماید تابع قانون دولت متبوع متوفی خواهد بود.

**ماده ۷۰-** اگر وقف بر موجود و معدوم معاً واقع شود نسبت بسهم موجود صحیح و نسبت بسهم معدوم باطل است.

**ماده ۷۱-** وقف بر مجهول صحیح نیست.

**ماده ۷۴-** وقف بر نفس باینمندی که واقف خود را موقوف علیه یا جزء موقوف علیهم نماید یا پرداخت دیون یا سایر مخارج خود را از منافع موقوفه قرار دهد باطل است اعم از اینکه راجع بحال حیات باشد یا بعد از فوت.

**ماده ۷۳-** وقف بر اولاد واقوام و خدومه و واردین و امثال آنها صحیح است.

**ماده ۷۴-** در وقف بر مصالح عامه اگر خود واقف نیز مصداق موقوف علیهم واقع شود میتواند منتفع گردد.

**ماده ۷۵-** واقف میتواند تولیت یعنی اداره کردن امور موقوفه را مادام الحیوة یا در مدت معینی برای خود قرار دهد و نیز میتواند متولی دیگری معین کند که مستقلاً یا مجتمعاً با خود واقف اداره کند. تولیت اموال موقوفه ممکنست بیک یا چند نفر دیگر غیر از خود واقف واگذار شود که هر یک مستقلاً یا منضماً اداره کنند و همچنین واقف میتواند شرط کند که خود او یا متولی که معین شده است نصب متولی کند و یا در این موضوع هر ترتیبی را که مقتضی بداند قرار دهد.

**ماده ۷۶-** کسیکه واقف او را متولی قرار داده میتواند بدو تولیت را قبول یا رد کند و اگر قبول کرد دیگر نمیتواند رد نماید و اگر رد کرد مثل صورتیست که از اصل متولی قرار داده نشده باشد.

**ماده ۷۷-** هر گاه واقف برای دو نفر یا بیشتر بطور استقلال تولیت قرار داده باشد هر یک از آنها فوت کنند دیگری یا دیگران مستقلاً تصرف میکنند و اگر بنحو اجتماع قرار داده باشد تصرف هر یک بدون تصویب دیگری یا دیگران نافذ نیست و بعد از فوت یکی از آنها حاکم شخصی را ضمیمه آنکه باقیمانده است مینماید که مجتمعاً تصرف کنند.

**ماده ۷۸-** واقف میتواند بر متولی ناظر قرار دهد که اعمال متولی بتصویب یا اطلاع او باشد.

**ماده ۹۶۸** - تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاقدين آنرا صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرارداداده باشند .

**ماده ۹۶۹** - اسناد از حیث طرز تنظیم تابع قانون محل تنظیم خود میباشند .

**ماده ۹۷۰** - مأمورین سیاسی یا قونسولی دول خارجه در ایران وقتی میتوانند

باجرای عقد نکاح مبادرت نمایند که طرفین عقد هر دو تبعه دولت متبوع آنها بوده

**ماده ۷۹** - واقف یا حاکم نمیتواند کسیرا که در ضمن عقد وقف متولی قرار داده شده است عزل کنند مگر در صورتیکه حق عزل شرط شده باشد و اگر خیانت متولی ظاهر شود حاکم ضم امین میکند .

**ماده ۸۰** - اگر واقف وضع مخصوصی را در شخص متولی شرط کرده باشد و متولی فاقد آن وصف گردد منزل میشود .

**ماده ۸۱** - در اوقاف عامه اگر واقف متولی معین نکرده باشد اداره کردن امور موقوفه برطبق ماده ۶ قانون ۲۸ شعبان ۱۳۲۸ خواهد بود ولی در اوقاف خاصه اگر متولی مخصوص نباشد تصدی با خود موقوف علیهم است .

**ماده ۸۲** - هر گاه واقف برای اداره کردن موقوفه ترتیب خاصی معین کرده باشد متولی باید بهمان ترتیب رفتار کند و اگر ترتیبی قرار نداده باشد متولی باید راجع بتعمیر و اجاره و جمع آوری منافع و تقسیم آن بر مستحقین و حفظ موقوفه و غیره مثل و کیل امینی عمل نماید .

**ماده ۸۳** - متولی نمیتواند تولیت را بدیگری تفویض کند مگر آنکه واقف در ضمن وقف با اذن داده باشد ولی اگر در ضمن وقف شرط مباشرت نشده باشد میتواند و کیل بگیرد .

**ماده ۸۴** - جائز است واقف از منافع موقوفه سهمی برای عمل متولی قرار دهد و اگر حق التولیه معین نشده باشد متولی مستحق اجرت المثل عمل است .

**ماده ۸۵** - بعد از آنکه منافع موقوفه حاصل و حصه هر یک از موقوف علیهم معین شد موقوف علیه میتواند حصه خود را تصرف کند اگر چه متولی اذن نداده باشد مگر اینکه واقف اذن در تصرف را شرط کرده باشد .

**ماده ۸۶** - در صورتیکه واقف ترتیبی قرار نداده باشد مخارج تعمیر و اصلاح موقوفه و اموری که برای تحصیل منفعت لازم است بر حق موقوف علیهم مقدم خواهد بود .

**ماده ۸۷** - واقف میتواند شرط کند که منافع موقوفه مابین موقوف علیهم بنسای تقسیم شود یا

و قوانین دولت مزبور نیز این اجازه را بآنها داده باشد - در هر حال نکاح باید در دفاتر سجل احوال ثبت شود .

**ماده ۹۷۱ -** دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجعه با اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه میشود مطرح بودن همان دعوی در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود .

بتفاوت و یا اینکه اختیار بتولی یا شخص دیگری بدهد که هر نحو مصلحت داند تقسیم کند .  
**ماده ۸۸ -** بیع وقف در صورتیکه خراب شود یا خوف آن باشد که منجر بخرابی گردد بطوری که انتفاع از آن ممکن نباشد در صورتی جایز است که عمران آن متعذر باشد یا کسی برای عمران آن حاضر نشود ،

**ماده ۸۹ -** هر گاه بعضی موقوفه خراب یا مشرف بخرابی گردد بطوریکه انتفاع از آن ممکن نباشد همان بعضی فروخته میشود مگر اینکه خرابی بعضی سبب سلب انتفاع قسمتی که باقی مانده است بشود در این صورت تمام فروخته میشود .

**ماده ۹۰ -** عین موقوفه در مورد جواز بیع یا قرب بقرض واقف تبدیل میشود .

**ماده ۹۱ -** در موارد ذیل منافع موقوفات عامه صرف بریات عمومی خواهد شد :

۱) در صورتیکه منافع موقوفه بجهول المصرف باشد مگر اینکه قدر متیقنی در بین باشد .

۲) در صورتیکه صرف منافع موقوفه در مورد خاصی که واقف معین کرده است متعذر باشد .

### مبحث سوم - در حق انتفاع از مباحات

**ماده ۹۲ -** هر کس میتواند با رعایت قوانین و نظامات راجعه بهر یک از مباحات از آنها استفاده نماید .

### فصل سوم

**در حق ارتفاق نسبت بملک غیر و در احکام و آثار املاک نسبت به املاک مجاور**

#### مبحث اول - در حق ارتفاق نسبت بملک غیر

**ماده ۹۳ -** ارتفاق حقی است برای شخص در ملک دیگری .

**ماده ۹۴ -** صاحبان املاک میتوانند در ملک خود هر حقی را که بخواهند نسبت بدیگری قرار دهند در این صورت کیفیت استحقاق تابع قرارداد و عقیدست که مطابق آن حق داده شده است .

**ماده ۹۷۳** - احکام صادره از محاکم خارجه و همچنین اسناد رسمی لازم الاجراء تنظيم شده در خارجه را نمیتوان در ایران اجرا نمود مگر اینکه مطابق قوانین ایران امر با اجرای آنها صادر شده باشد.

**ماده ۹۷۳** - اگر قانون خارجه که باید مطابق ماده ۷ جلد اول این قانون و یا برطبق مواد فوق رعایت گردد بقانون دیگری احاله داده باشد محکمه مکلف برعایت این احاله نیست مگر اینکه احاله بقانون ایران شده باشد.

**ماده ۹۷۴** - مقررات ماده ۷ و مواد ۹۶۲ تا ۹۷۴ این قانون تا حدی بموقع

**ماده ۹۵** - هرگاه زمین یا خانه کسی مجرای فاضل آب یا آب باران زمین یا خانه دیگری بوده است صاحب آن خانه یا زمین نمیتواند جلوگیری از آن کند مگر در صورتیکه عدم استحقاق او معلوم شود.

**ماده ۹۶** - چشمه واقعه در زمین کسی محکوم بملکیت صاحب زمین است مگر اینکه دیگری نسبت بآن چشمه عیناً یا انتفاعاً حقی داشته باشد.

**ماده ۹۷** - هرگاه کسی از قدیم در خانه یا ملک دیگری مجرای آب بملك خود یا حق مرورداشته صاحب خانه یا ملک نمیتواند مانع آب بردن یا عبور او از ملک خود شود و همچنین است سایر حقوق از قبیل حق داشتن در و شبکه و ناودان و حق شرب و غیره.

**ماده ۹۸** - اگر کسی حق عبور در ملک غیر ندارد ولی صاحب ملک اذن داده باشد که از ملک او عبور کنند هر وقت بخواهد میتواند از اذن خود رجوع کرده و مانع عبور او بشود و همچنین است سایر ارتفاعات.

**ماده ۹۹** - هیچکس حق ندارد ناودان خود را بطرف ملک دیگری بگذارد یا آب باران از بام خود بیام یا ملک همسایه جاری کند و یا برف بریزد مگر باذن او.

**ماده ۱۰۰** - اگر مجرای آب شخصی در خانه دیگری باشد و در مجری خرابی بهمرسد بنجویکه عبور آب موجب خسارت خانه شود مالک خانه حق ندارد صاحب مجری را بتعمیر مجری اجبار کند بلکه خود او باید دفع ضرر از خود نماید چنانچه اگر خرابی مجری مانع عبور آب شود مالک خانه ملزم نیست که مجری را تعمیر کند بلکه صاحب حق باید خود رفع مانع کند در اینصورت برای تعمیر مجری میتواند داخل خانه یا زمین شود ولیکن بدون ضرورت حق ورود ندارد مگر باذن صاحب ملک.

اجرا گذارده میشود که مخالف عهود بین‌المللی که دولت ایران آنرا امضاء کرده و یا مخالف با قوانین مخصوصه نباشد.

**ماده ۹۷۵ -** محکمه نمیتواند قوانین خارجی و یا قرارداد های خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده و یا بواسطه جریحه دار کردن احساسات جامعه یا بعلت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب میشود بموقع اجرا گذارد اگرچه اجراء قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد.

**ماده ۱۰۱ -** هر گاه کسی از آبی که ملك دیگری است بنحوی از انحاء حق انتفاع داشته باشد از قبیل دایر کردن آسیا و امثال آن صاحب آن نمیتواند مجری را تغییر دهد بنحویکه مانع از استفاده حق دیگری باشد.

**ماده ۱۰۲ -** هر گاه ملكی كلاً یا جزءاً بكسی منتقل شود و برای آن ملك حق الارتفاقی در ملك دیگر یا در جزء دیگر همان ملك موجود باشد آن حق بحال خود باقی میماند مگر اینکه خلاف آن تصریح شده باشد.

**ماده ۱۰۳ -** هر گاه شرکاء ملكی دارای حقوق و منافع باشند و آن ملك مابین شرکاء تقسیم شود هر کدام از آنها بقدر حصه مالك آن حقوق و منافع خواهد بود مثل اینکه اگر ملكی دارای حق عبور در ملك غیر بوده و آن ملك که دارای حق است بین چند نفر تقسیم شود هر يك از آنها حق عبور از همان محلی که سابقاً حق داشته است خواهد داشت.

**ماده ۱۰۴ -** حق الارتفاق مستلزم وسایل انتفاع از آن حق نیز خواهد بود مثل اینکه اگر کسی حق شرب از چشمه یا حوض یا آب انبار غیر دارد حق عبور تا آن چشمه یا حوض و آب انبار هم برای برداشتن آب دارد.

**ماده ۱۰۵ -** کسی که حق الارتفاق در ملك غیر دارد مخارجی که برای تمتع از آن حق لازم شود بمعهده صاحب حق میباشد مگر اینکه بین او و صاحب ملك برخلاف آن قراری داده شده باشد.

**ماده ۱۰۶ -** مالك ملكی که مورد حق الارتفاق غیر است نمیتواند در ملك خود تصرفاتی نماید که باعث تضییع یا تعطیل حق مزبور باشد مگر با اجازه صاحب حق.

**ماده ۱۰۷ -** تصرفات صاحب حق در ملك غیر که متعلق حق اوست باید باندرازه ای باشد که قراردادند و یا بقدر متعارف و آنچه ضرورت انتفاع اقتضا میکند.

**ماده ۱۰۸ -** در تمام مواردی که انتفاع کسی از ملك دیگری بموجب اذن محض باشد مالك میتواند هر وقت بخواهد از اذن خود رجوع کند مگر اینکه مانع قانونی موجود باشد.

## کتاب دوم - در تابعیت

\* ماده ۹۷۶ - اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب میشوند :

۱ - کلیه ساکنین ایران باستثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم باشد . تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد .

### مبحث دوم - در احکام و آثار املاک نسبت باملاک مجاور

**ماده ۱۰۹ -** دیواری که مابین دو ملک واقع است مشترك مابین صاحب آن دو ملک محسوب میشود مگر اینکه قرینه یا دلیلی برخلاف آن موجود باشد .

**ماده ۱۱۰ -** بنا بطور ترصیف و وضع سرتیر از جمله قرائن است که دلالت بر تصرف و اختصاص می کنند .

**ماده ۱۱۱ -** هر گاه از دو طرف بنا متصل بدیوار بطور ترصیف باشد و یا از هر دو طرف بروی دیوار سرتیر گذاشته شده باشد آن دیوار محکوم باشترک است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود .

**ماده ۱۱۲ -** هر گاه قرائن اختصاصی فقط از یکطرف باشد تمام دیوار محکوم بملکیت صاحب آن طرف خواهد بود مگر اینکه خلافت ثابت شود .

**ماده ۱۱۳ -** مخارج دیوار مشترك برعهده کسانی است که در آن شرکت دارند .

**ماده ۱۱۴ -** هیچیک از شرکاء نمیتواند دیگری را اجبار بر بنا و تعمیر دیوار مشترك نماید مگر اینکه دفع ضرر بنحو دیگر ممکن نباشد .

**ماده ۱۱۵ -** در صورتیکه دیوار مشترك خراب شود و احد شریکین از تجدید بنا و اجازه تصرف در مبنای مشترك امتناع نماید شریک دیگر میتواند در حصه خاص خود تجدید بنای دیوار را کند .

**ماده ۱۱۶ -** هر گاه احد شرکاء راضی بتصرف دیگری در مبنای باشد ولی از تحمل مخارج مضایقه نماید شریک دیگر میتواند بنای دیوار را تجدید کند و در اینصورت اگر بنای جدید بامصالح مشترك ساخته شود دیوار مشترك خواهد بود و الا مختص بشریکی است که بنا را تجدید کرده است .

**ماده ۱۱۷ -** اگر یکی از دوشریک دیوار مشترك را خراب کند در صورتیکه خراب کردن آن لازم نبوده باید آنکه خراب کرده مجدداً آنرا بنا کند .

\* مواد ۹۷۶ - ۱۰۳۰ - در جلسه ۳۷ بهمن ماه ۱۳۱۳ تصویب شده است .

۲ - کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارج متولد شده باشند .

۳ - کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشد .

۴ - کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده بوجود آمده اند .

**ماده ۱۱۸ -** هیچک از دوشريك حق ندارد دیوار مشترك را بالا ببرد یا روی آن بنا سرتیر بگذارد یا در پیچه و راف باز کند یا هر نوع تصرفی نماید مگر به اذن شريك دیگر .

**ماده ۱۱۹ -** هر يك از شركاء بر روی دیوار مشترك سرتیر داشته باشد نمیتواند بدون رضای شريك دیگر تیرها را از جای خود تغییر دهد و بجای دیگر از دیوار بگذارد .

**ماده ۱۲۰ -** اگر صاحب دیوار به مسایه اذن دهد که بروی دیوار او سرتیر بگذارد یا روی آن بنا کند هر وقت بخواهد میتواند از اذن خود رجوع کند مگر اینکه بوجه ملزومی این حق را از خود سلب کرده باشد .

**ماده ۱۲۱ -** هر گاه کسی به اذن صاحب دیوار بر روی دیوار سرتیری گذارده باشد و بعد آنرا بردارد نمیتواند مجدداً بگذارد مگر باذن جدید از صاحب دیوار و همچنین است سایر تصرفات .

**ماده ۱۲۲ -** اگر دیواری متمایل بملك غیر یا شارع و نحو آن شود که مشرف بخرابی گردد صاحب آن اجبار میشود که آنرا خراب کند .

**ماده ۱۲۳ -** اگر خانه یا زمینی بین دو نفر تقسیم شود یکی از آنها نمیتواند دیگری را مجبور کند که با هم دیواری مابین دو قسمت بکشند .

**ماده ۱۲۴ -** اگر از قدیم سرتیر عمارتی روی دیوار مختصی همسایه بوده و سابقه این تصرف معلوم نباشد باید بحال سابق باقی بماند و اگر بسبب خرابی عمارت و نحو آن سرتیر برداشته شود صاحب عمارت میتواند آنرا تجدید کند و همسایه حق ممانعت ندارد مگر اینکه ثابت نماید وضعیت سابق بصرف اجازه او ایجاد شده بوده است .

**ماده ۱۲۵ -** هر گاه طبقه تحتانی مال کسی باشد و طبقه فوقانی مال دیگری هر يك از آنها میتواند بطور متعارف در حصه اختصاصی خود تصرف بکند لیکن نسبت بسقف بین دو طبقه هر يك از مالکین طبقه فوقانی و تحتانی میتواند در کف یا سقف طبقه اختصاصی خود بطور متعارف آن اندازه تصرف نماید که مزاحم حق دیگری نباشد .

۵ - کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است بوجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن بسن هیدجده سال تمام لااقل یکسال دیگر در ایران اقامت کرده باشند والا قبول شدن آنها به تابعیت ایران برطبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است .

**ماده ۱۲۶ -** صاحب اطاق تحتانی نسبت بدیوارهای اطاق و صاحب فوقانی نسبت بدیوارهای غرفه بالاخصاص و هر دو نسبت بسقف مابین اطاق و غرفه بالاشترک متصرف شناخته میشوند .

**ماده ۱۲۷ -** پله فوقانی ملك صاحب طبقه فوقانی محسوب است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود .

**ماده ۱۲۸ -** هیچیک از صاحبان طبقه تحتانی و غرفه فوقانی نمیتواند دیگری را اجبار به تعمیر یا مساعدت در تعمیر دیوارها و سقف آن بنماید .

**ماده ۱۲۹ -** هر گاه سقف واقع مابین عمارت تحتانی و فوقانی خراب شود در صورتیکه بین مالک فوقانی و مالک تحتانی موافقت در تجدید بنا حاصل نشود و قرار داد ملزمی سابقاً بین آنها موجود نباشد هر یک از مالکین اگر تبرعاً سقف را تجدید نموده چنانچه بامصالح مشترک ساخته شده باشد سقف مشترک است و اگر بامصالح مخصوصه ساخته شده متعلق به بانی خواهد بود .

**ماده ۱۳۰ -** کسی حق ندارد خانه خود را بفضای خانه همسایه بدون اذن او خروجی بدهد و اگر بدون اذن خروجی بدهد ملزم برفع آن خواهد بود .

**ماده ۱۳۱ -** اگر شاخه درخت کسی داخل در فضای خانه یا زمین همسایه شود باید از آنجا عطف کند و اگر نکرد همسایه میتواند آنرا عطف کند و اگر نشد از حد خانه خود قطع کند و همچنین است حکم ریشههای درخت که داخل ملك غیر میشود .

**ماده ۱۳۲ -** کسی نمیتواند در ملك خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که بقدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد .

**ماده ۱۳۳ -** کسی نمیتواند از دیوار خانه خود بخانه همسایه در باز کند اگر چه دیوار ملك مخصوصی او باشد لیکن میتواند از دیوار مخصوصی خود روزنه یا شبکه باز کند و همسایه حق منع او را ندارد ولی همسایه هم میتواند جلو روزنه و شبکه دیوار بکشد یا پرده بیاویزد که مانع رؤیت شود .

**ماده ۱۳۴ -** هیچیک از اشخاصیکه در يك معبر یا يك مجری شریکند نمیتوانند شرکاء دیگر را مانع از عبور یا بردن آب شوند .



۶ - هرزن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند .

۷ - هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد .

تبصره ۵ - اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و قنصلی خارجه مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهند بود .

ماده ۹۷۷ - اشخاص مذکور در فقره ۴ و ۵ حق دارند پس از رسیدن بسن

ماده ۱۳۵ - درخت و حفیره و نحو آنها که فاصل مابین املاک باشد در حکم دیوار مابین خواهد بود .

### مبحث سوم - در حریم املاک

ماده ۱۳۶ - حریم مقداری از اراضی اطراف ملك و قنات و نهر وامثال آن است که برای کمال انتفاع از آن ضرورت دارد .

ماده ۱۳۷ - حریم چاه برای آب خوردن (۲۰) گز و برای زراعت (۳۰) گز است .

ماده ۱۳۸ - حریم چشمه و قنات از هر طرف در زمین رخوه (۵۰۰) گز و در زمین سخت (۲۵۰) گز است لیکن اگر مقادیر مذکوره در این ماده و ماده قبل برای جلوگیری از ضرر کافی نباشد باندازه ای که برای دفع ضرر کافی باشد بآن افزوده میشود .

ماده ۱۳۹ - حریم در حکم ملك صاحب حریم است و تملك و تصرف در آن که منافی باشد با آنچه مقصود از حریم است بدون اذن از طرف مالك صحیح نیست و بنابراین کسی نمیتواند در حریم چشمه و یاقنات دیگری چاه یاقنات بکند ولی تصرفاتی که موجب تضرر نشود جائز است .

### کتاب دوم - در اسباب تملك

ماده ۱۴۰ - تملك حاصل میشود :

(۱) با حیا اراضی موات و حیازت اشیاء مباحه .

(۲) بوسیله عقود و تعهدات .

(۳) بوسیله اخذ بشقه .

(۴) بارت .

هیجده سال تمام تا یکسال تابعیت پدر خود را قبول کنند مشروط بر اینکه در ظرف مدت فوق اظهاریه کتبی تقدیم وزارت خارجه نمایند و تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر باینکه آنها را تبعه خود خواهند شناخت ضمیمه اظهاریه باشد .

**ماده ۹۷۸ -** نسبت باطفالی که در ایران از اتباع دولی متولد شده اند که در مملکت متبوع آنها اطفال متولد از اتباع ایرانی را بموجب مقررات تبعه خود

### در احیاء اراضی موات و حیازت اشیاء مباحه

#### باب اول - در احیاء اراضی موات و مباحه

**ماده ۱۴۱ -** مراد از احیای زمین آنستکه اراضی موات و مباحه را بوسیله عملیاتی که در عرف آباد کردن محسوب است از قبیل زراعت ، درخت کاری ، بناساختن و غیره قابل استفاده نمایند .

**ماده ۱۴۲ -** شروع در احیاء از قبیل سنگ چیدن اطراف زمین یا کندن چاه و غیره تجحیر است و موجب مالکیت نمیشود ولی برای تجحیرکننده ایجاد حق اولویت در احیاء مینماید .

**ماده ۱۴۳ -** هرکس از اراضی موات و مباحه قسمتی را بقصد تملک احیاء کند مالک آن قسمت میشود .

**ماده ۱۴۴ -** احیاء اطراف زمین موجب تملک وسط آن نیز میباشد .

**ماده ۱۴۵ -** احیاءکننده باید قوانین دیگر مربوطه باین موضوع را از هر حیث رعایت نماید .

#### باب دوم در حیازت مباحات

**ماده ۱۴۶ -** مقصود از حیازت تصرف و وضع یداست یا مهیا کردن وسایل تصرف و استیلا .

**ماده ۱۴۷ -** هرکس مال مباحی را با رعایت قوانین مربوطه بآن حیازت کند مالک آن میشود .

**ماده ۱۴۸ -** هرکس در زمین مباح نهری بکند و متصل کند برودخانه آن نهر را احیاء کرده و مالک آن نهر میشود ولی مادامیکه متصل برودخانه نشده است تجحیر محسوب است .

**ماده ۱۴۹ -** هرگاه کسی بقصد حیازت میاه مباحه نهر یا مجری احداث کند آب مباحی که در نهر یا مجرای مزبور وارد شود ملک صاحب مجری است و بدون اذن مالک نمیتوان از آن نهری جدا کرد یا زمینی مشروب نمود .

**ماده ۱۵۰ -** هرگاه چند نفر در کندن مجری یا چاه شریک شوند بنسبت عمل و مخارجی که موجب تفاوت عمل باشد مالک آب آن میشوند و بهمان نسبت بین آنها تقسیم میشود .

**ماده ۱۵۱ -** یکی از شرکاء نمیتواند از مجرای مشترک مجرائی جدا کند یا دهنه نهر را وسیع

محسوب داشته و رجوع آنها را به تبعیت ایران منوط با اجازه میکنند معامله متقابله خواهد شد.

**ماده ۹۷۹** - اشخاصی که دارای شرایط ذیل باشند میتوانند تابعیت ایران را تحصیل کنند:

۱ - بسن هیجده سال تمام رسیده باشند.

یا تنگ کند یا روی آن پل یا آسیاب بسازد یا اطراف آن درخت بکارد یا هر نحو تصرفی کند مگر باذن سایر شرکاء.

**ماده ۱۵۲** - اگر نصیب مفروض یکی از شرکاء از آب نهر مشترك داخل مجرای مختصی آن شخص شود آن آب ملك مخصوص آن میشود و هر نحو تصرفی در آن میتواند بکند.

**ماده ۱۵۳** - هر گاه نهری مشترك مابین جماعتی باشد و در مقدار نصیب هر يك از آنها اختلاف شود حکم بتساوی نصیب آنها میشود مگر اینکه دلیلی بر زیادتی نصیب بعضی از آنها موجود باشد.

**ماده ۱۵۴** - کسی نمیتواند از ملك غیر آب بملك خود ببرد بدون اذن مالك اگرچه راه دیگری نداشته باشد.

**ماده ۱۵۵** - هر کس حق دارد از نهرهای مباحه اراضی خود را مشروب کند یا برای زمین و آسیاب و سایر حوائج خود از آن نهر جدا کند.

**ماده ۱۵۶** - هر گاه آب نهر کافی نباشد که تمام اراضی اطراف آن مشروب شود و مابین صاحبان اراضی در تقدم و تأخر اختلاف شود و هیچک نتواند حق تقدم خود را ثابت کند با رعایت ترتیب هر زمینی که بمنبع آب نزدیکتر است بقدر حاجت حق تقدم بر زمین یائینتر خواهد داشت.

**ماده ۱۵۷** - هر گاه دو زمین در دو طرف نهر محاذی هم واقع شوند و حق تقدم یکی بر دیگری محرز نباشد و هر دو در یکزمان بخواهند آب ببرند و آب کافی برای هر دو نباشد باید برای تقدم و تأخر در بردن آب بنسبت حصه قرعه زده و اگر آب کافی برای هر دو باشد بنسبت حصه تقسیم میکنند.

**ماده ۱۵۸** - هر گاه تاریخ احیاء اراضی اطراف رودخانه مختلف باشد زمینی که احیاء آن مقدم بوده است در آب نیز مقدم میشود بر زمین متأخر در احیاء اگرچه یائینتر از آن باشد.

**ماده ۱۵۹** - هر گاه کسی بخواهد جدیداً زمینی در اطراف رودخانه احیاء کند اگر آب رودخانه زیاد باشد و برای صاحبان اراضی سابقه ترضیعی نباشد میتواند از آب رودخانه زمین جدید را مشروب

- ۲ - پنجسال اعم از متوالی یا متناوب در ایران ساکن بوده باشند .
- ۳ - فراری از خدمت نظامی نباشند .
- ۴ - در هیچ مملکتی به جنحه مهم یا جنایت غیرسیاسی محکوم نشده باشند .
- در مورد فقره دوم این ماده مدت اقامت در خارجه برای خدمت دولت ایران در حکم اقامت در خاک ایران است .

کند والاحق بردن آب ندارد اگرچه زمین او بالاتر از سایر اراضی باشد .

**ماده ۱۶۰ -** هر کس در زمین خود یا اراضی مباحه بقصد تملك قنات یا چاهی بکند تا بآب برسد یا چشمه جاری کند مالك آب آن میشود و در اراضی مباحه مادامیکه بآب نرسیده تحجیر محسوب است .

### باب سوم - در معادن

**ماده ۱۶۱ -** معدنی که در زمین کسی واقع شده باشد ملك صاحب زمین است و استخراج آن تابع قوانین مخصوصه خواهد بود .

### باب چهارم - در اشیاء پیدا شده

#### و حیوانات ضاله

#### فصل اول - در اشیاء پیدا شده

**ماده ۱۶۲ -** هر کسی مالی پیدا کند که قیمت آن کمتر از دهشاهی باشد میتواند آنرا تملك کند .

**ماده ۱۶۳ -** اگر قیمت مال پیدا شده دهشاهی یا بیشتر باشد پیدا کننده باید یکسال تعریف کند اگر در مدت مزبوره صاحب مال پیدا نشد مشار الیه مختار است که آن را بطور امانت نگاهدارد یا تصرف دیگری در آن بکند در صورتیکه آنرا بطور امانت نگاهدارد و بدون تقصیر او تلف شود ضامن نخواهد بود .

**ماده ۱۶۴ -** تعریف اشیاء پیدا شده عبارتست از نشر و اعلان بر حسب مقتضیات وقت و محل بنحویکه عادهً با اطلاع اهالی محل برسد .

**ماده ۱۶۵ -** هر کس در بیابان یا خرابه که خالی از سکنه بوده و مالك خاصی ندارد مالی پیدا کند میتواند آنرا تملك کند و محتاج بتعریف نیست مگر اینکه معلوم باشد که مال عهد زمان حاضر است در اینصورت در حکم سایر اشیاء پیدا شده در آبادی خواهد بود .

**ماده ۹۸۰ -** کسانی که بامور عام المنفعه ایران خدمت یا مساعدت شایانی کرده باشند و همچنین اشخاصی که دارای عیال ایرانی و از او اولاد دارند و با دارای مقامات عالی علمی و متخصص در امور عام المنفعه هستند و تقاضای ورود به تابعیت دولت شاهنشاهی را مینمایند در صورتی که دولت ورود آنها را بتابعیت دولت شاهنشاهی صلاح بداند بدون رعایت شرط اقامت ممکن است با تصویب هیئت وزراء بتبعیت ایران قبول شوند.

**ماده ۱۶۶ -** اگر کسی در ملک غیر یا ملک ملی که از غیر خریده مالی پیدا کند یا احتمال بدهد که مال مالک فعلی یا مالکین سابق است باید بآنها اطلاع بدهد اگر آنها مدعی مالکیت شدند و بقرائن مالکیت آنها معلوم شد باید به آنها بدهد و الا بطریقی که فوقا مقرر است رفتار نماید.

**ماده ۱۶۷ -** اگر مالی که پیدا شده است ممکن نیست باقی بماند و فاسد میشود باید بقیمت عادلانه فروخته شود و قیمت آن در حکم خود مال پیدا شده خواهد بود.

**ماده ۱۶۸ -** اگر مال پیدا شده در زمان تعریف بدون تعصیر پیدا کننده تلف شود مشارالیه ضامن نخواهد بود.

**ماده ۱۶۹ -** منافعی که از مال پیدا شده حاصل میشود قبل از تملك متعلق بصاحب آنست و بعد از تملك مال پیدا کننده است.

### فصل دوم - در حیوانات ضاله

**ماده ۱۷۰ -** حیوان گم شده (ضاله) عبارت از هر حیوان مملوکی است که بدون متصرف یافت شود ولی اگر حیوان مزبور در چراگاه یا نزدیک آبی یافت شود یا متمکن از دفاع خود در مقابل حیوانات درنده باشد ضاله محسوب نمیگردد.

**ماده ۱۷۱ -** هر کس حیوانات ضاله پیدا نماید باید آنها را بمالك آن رد کند و اگر مالك را نشناسد باید بحاکم یا قائم مقام او تسلیم کند والا ضامن خواهد بود اگرچه آنها بعد از تصرف رها کرده باشد.

**ماده ۱۷۲ -** اگر حیوان گمشده در نقاط مسکونه یافت شود و پیدا کننده با دست رسی بحاکم یا قائم مقام او آنها تسلیم نکند حق مطالبه مخارج نگاهداری آنها از مالك نخواهد داشت. هر گاه حیوان ضاله در نقاط غیر مسکونه یافت شود پیدا کننده میتواند مخارج نگاهداری

**ماده ۹۸۱ -** اگر در ظرف مدت پنجسال از تاریخ صدور سند تابعیت معلوم شود شخصی که به تبعیت ایران قبول شده فراری از خدمت نظام بوده و همچنین هرگاه قبل از انقضای مدتی که مطابق قوانین ایران نسبت بجرم یا مجازات مرور زمان حاصل میشود معلوم گردد شخصی که به تبعیت قبول شده محکوم بجنحه مهم یا جنایت عمومی است هیئت وزراء حکم خروج او را از تابعیت ایران صادر خواهد کرد .

آنرا از مالک مطالبه کند مشروط بر اینکه از حیوان انتفاعی نبوده باشد والا نخارج نگاهداری با منافع حاصله احتساب و پیدا کننده یا مالک فقط برای بقیه حق رجوع بیکدیگر را خواهد داشت .

### باب پنجم - در دَفینه

**ماده ۱۷۳ -** دَفینه مالی است که در زمین یا بنائی دفن شده و بر حسب اتفاق و تصادف پیدا میشود .

**ماده ۱۷۴ -** دَفینه که مالک آن معلوم نباشد ملك کسی است که آنرا پیدا کرده است .

**ماده ۱۷۵ -** اگر کسی در ملك غیر دَفینه پیدا نماید باید بمالك اطلاع دهد اگر مالک زمین مدعی مالکیت دَفینه شد و آنرا ثابت کرد دَفینه بمدعی مالکیت تعلق میگیرد .

**ماده ۱۷۶ -** دَفینه که در اراضی مباحه کشف شود متعلق بمستخرج آنست .

**ماده ۱۷۷ -** جواهریکه از دریا استخراج میشود ملك کسی است که آنرا استخراج کرده است و آنچه که آب بساحل میاندازد ملك کسی است که آن را حیازت نماید .

**ماده ۱۷۸ -** مالی که در دریا غرق شده ومالك از آن اعراض کرده است مال کسی است که آنرا بیرون بیاورد .

### باب ششم - در شکار

**ماده ۱۷۹ -** شکار کردن موجب تملك است .

**ماده ۱۸۰ -** شکار حیوانات اهلی وحیوانات دیگری که علامت مالکیت در آن باشد موجب تملك نمیشود .

**ماده ۱۸۱ -** اگر کسی کندو یا محلی برای زنبور عسل تهیه کند زنبور عسلی که در آن جمع میشوند ملك آن شخص است همینطور است حکم کبوتر که در برج کبوتر جمع شود .

**ماده ۱۸۲ -** مقررات دیگر راجع بشکار بموجب نظامات مخصوصه معین خواهد شد .

**تبصره ۵** - اتباع خارجه که به تابعیت ایران قبول میشوند در صورتیکه در ممالک خارجه متوقف باشند و مرتکب عملیات ذیل شوند علاوه بر اجرای مجازات های مقرره با اجازه هیئت وزراء تابعیت ایران از آنها سلب خواهد شد .

**الف** - کسانی که مرتکب عملیاتی بر ضد امنیت داخلی و خارجی مملکت ایران شوند و مخالفت و ضدیت با اساس حکومت ملی و آزادی بنمایند .

### قسمت دوم

#### در عقود و معاملات و الزامات

#### باب اول - در عقود و تعهدات بطور کلی

**ماده ۱۸۳** - عقد عبارت است از اینکه يك يا چند نفر در مقابل يك يا چند نفر دیگر تعهد براسری نمایند ومورد قبول آنها باشد .

#### فصل اول - در اقسام عقود و معاملات

**ماده ۱۸۴** - عقود و معاملات باقسام ذیل منقسم میشوند :

لازم ، جائز ، خیاری ، منجز ومعلق .

**ماده ۱۸۵** - عقد لازم آنست که هیچیک از طرفین معامله حق فسخ آنرا نداشته باشد مگر در موارد معینه .

**ماده ۱۸۶** - عقد جائز آنست که هر يك از طرفین بتواند هر وقتى بخواهد فسخ کند .

**ماده ۱۸۷** - عقد ممکن است بیکطرف لازم باشد و نسبت بطرف دیگر جائز .

**ماده ۱۸۸** - عقد خیاری آنست که برای طرفین یا یکی از آنها یا برای ثالثی اختیار فسخ باشد .

**ماده ۱۸۹** - عقد منجز آنست که تأثیر آن بر حسب انشاء موقوف بامر دیگری نباشد والامعلق خواهد بود .

### فصل دوم

#### در شرایط اساسی برای صحت معامله

**ماده ۱۹۰** - برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است .

(۱) قصد طرفین و رضای آنها .

(۲) اهلیت طرفین .

ب - کسانی که خدمت نظام وظیفه را بطوری که قانون ایران مقرر میدارد ایفاء نمایند .

**ماده ۹۸۲** - اشخاصیکه تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقیکه برای ایرانیان مقرر است باستثناء حق رسیدن بمقام وزارت و کفالت وزارت و یاهر گونه مأموریت سیاسی خارجه بهره مند میشوند لیکن نمیتوانند بمقامات ذیل

۳) موضوع معین که مورد معامله باشد .

۴) مشروعیت جهة معامله .

### مبحث اول - در قصد طرفین و رضای آنها

**ماده ۱۹۱** - عقد محقق میشود بقصد انشاء بشرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند .

**ماده ۱۹۲** - درمواردیکه برای طرفین یا یکی از آنها تلفظ ممکن نباشد اشاره که مبین قصد و رضا باشد کافی خواهد بود .

**ماده ۱۹۳** - انشاء معامله ممکن است بوسیله عملی که مبین قصد و رضا باشد مثل قبض و اقباض حاصل گردد مگر درمواردی که قانون استثناء کرده باشد .

**ماده ۱۹۴** - الفاظ و اشارات و اعمال دیگر که متعادلین بوسیله آن انشاء معامله مینمایند باید موافق باشد بنحویکه احد طرفین همان عقدی را قبول کند که طرف دیگر قصد انشاء او را داشته است والا معامله باطل خواهد بود .

**ماده ۱۹۵** - اگر کسی در حال مستی یا بیهوشی یا در خواب معامله نماید آن معامله بواسطه فقدان قصد باطل است .

**ماده ۱۹۶** - کسی که معامله میکند آن معامله برای خود آن شخص محسوب است مگر اینکه در موقع عقد خلاف آنرا تصریح نماید یا بعد خلاف آن ثابت شود معدنك ممکن است در ضمن معامله که شخص برای خود میکند تعهدی هم بنفع شخص ثالثی بنماید .

**ماده ۱۹۷** - در صورتیکه ثمن یا مثن معامله عین متعلق بغیر باشد آن معامله برای صاحب عین خواهد بود .

**ماده ۱۹۸** - ممکن است طرفین یا یکی از آنها بوکالت از غیر اقدام بنماید و نیز ممکن است که یک نفر بوکالت از طرف متعادلین این اقدام را بعمل آورد .



نایل گردند مگر پس از ده سال از تاریخ صدور سند تابعیت .

۱ - عضویت مجالس مقمنه .

۳ - عضویت انجمنهای ایالتی و ولایتی و بلدی .

۳ - استخدام وزارت امور خارجه :

**ماده ۹۸ -** در خواست تابعیت باید مستقیماً یا بتوسط حکام یاولات بوزارت

**ماده ۱۹۹ -** رضای حاصل در نتیجه اشتباه یا اکراه موجب نفوذ معامله نیست .

**ماده ۴۰۰ -** اشتباه وقتی موجب عدم نفوذ معامله است که مربوط بخود موضوع معامله باشد .

**ماده ۴۰۱ -** اشتباه در شخص طرف بصحت معامله خللی وارد نمیاورد مگر در مواردیکه

شخصیت طرف علت عمده عقد بوده باشد .

**ماده ۴۰۳ -** اکراه باعالمی حاصل میشود که مؤثر در شخص باشعوری بوده و او را نسبت

بجان یا مال یا آبروی خود تهدید کند بنحویکه عادتاً قابل تحمل نباشد . درمورد اعمال اکراه آمیز

سن و شخصیت و اخلاق و مهرد یازن بودن شخص باید در نظر گرفته شود .

**ماده ۴۰۴ -** اکراه موجب عدم نفوذ معامله است اگرچه از طرف شخص خارجی غیر از متعاملین

واقع شود .

**ماده ۴۰۴ -** تهدید طرف معامله در نفس یا جان یا آبروی اقوام نزدیک او از قبیل زوج و زوجه

و آباء و اولاد موجب اکراه است . درمورد این ماده تشخیص نزدیکی درجه برای مؤثر بودن اکراه

بسته بنظر عرف است .

**ماده ۴۰۵ -** هرگاه شخصی که تهدید شده است بداند که تهدید کننده نمیتواند تهدید خود را

بموقع اجرا گذارد و یا خود شخص مزبور قادر باشد بر اینکه بدون مشقت اکراه را از خود دفع کند

و معامله را واقع نسازد آن شخص مکره محسوب نمیشود .

**ماده ۴۰۶ -** اگر کسی در نتیجه اضطرار اقدام بمعامله کند مکره محسوب نشده و معامله

اضطراری معتبر خواهد بود .

**ماده ۴۰۷ -** ملزم شدن شخص به انشاء معامله بحکم مقامات صالحه قانونی اکراه محسوب نمیشود .

**ماده ۴۰۸ -** مجرد خوف از کسی بدون آنکه از طرف آن کس تهدیدی شده باشد اکراه

محسوب نمیشود .

امور خارجه تسليم شده و دارای منضمات ذیل باشد .

۱ - سواد مصدق اسناد هویت تقاضا کننده و عیال و اولاد او .

۲ - تصدیق نامه نظمیه دائر به تعیین مدت اقامت تقاضا کننده در ایران و نداشتن سوء سابقه و داشتن مکنت کافی یا شغل معین برای تأمین معاش وزارت امور خارجه در صورت لزوم اطلاعات راجعه به شخص تقاضا کننده را تکمیل و آنرا بهیئت

**ماده ۲۰۹ -** امضاء معامله بعد از رنح اکرهه موجب نفوذ معامله است .

### مبحث دوم - در اهلیت طرفین

**ماده ۲۱۰ -** متعاملین باید برای معامله اهلیت داشته باشند .

**ماده ۲۱۱ -** برای اینکه متعاملین اهل محسوب شوند باید بالغ و عاقل و رشید باشند .

**ماده ۲۱۲ -** معامله با اشخاصی که بالغ یا عاقل یا رشید نیستند بواسطه عدم اهلیت

باطل است .

**ماده ۲۱۳ -** معامله مجبورین نافذ نیست .

### مبحث سوم - در مورد معامله

**ماده ۲۱۴ -** مورد معامله باید مال یا عملی باشد که هر يك از متعاملین تعهد تسليم یا ایفاء

آن را میکنند .

**ماده ۲۱۵ -** مورد معامله باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلانی مشروع باشد .

**ماده ۲۱۶ -** مورد معامله باید مبهم نباشد مگر در موارد خاصه که علم اجمالی به آن

کافی است .

### مبحث چهارم در جهت معامله

**ماده ۲۱۷ -** در معامله لازم نیست که جهت آن تصریح شود ولی اگر تصریح شده باشد

باید مشروع باشد والا معامله باطل است .

**ماده ۲۱۸ -** هر گاه معلوم شود که معامله بقصد فرار از دین واقع شده آن معامله

نافذ نیست .

### فصل سوم - در اثر معاملات

#### مبحث اول - در قواعد عمومی

**ماده ۲۱۹ -** عقودیکه بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم

وزراء ارسال خواهد نمود تا هیئت مزبور در قبول یارد آن تصمیم مقتضی اتخاذ کند در صورت قبول شدن تقاضا سند تابعیت بدرخواست کننده تسلیم خواهد شد.

**ماده ۹۸۴ -** زن و اولاد صغیر کسانی که بر طبق این قانون تحصیل تابعیت ایران مینمایند تبعه دولت ایران شناخته میشوند ولی زن در ظرف یکسال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر و اولاد صغیر در ظرف یکسال از تاریخ رسیدن بسن هیچجده

الاتباع است مگر اینکه برضای طرفین اقاله یا بعلت قانونی فسخ شود.

**ماده ۲۴۰ -** عقود نه فقط متعاملین را با اجرای چیزیکه در آن تصریح شده است ملزم مینماید بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که بموجب عرف و عادت یا بموجب قانون از عقد حاصل میشود ملزم میباشند.

**ماده ۲۴۱ -** اگر کسی تعهد اقدام با امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً بمنزله تصریح باشد و یا برحسب قانون موجب ضمان باشد.

**ماده ۲۴۲ -** در صورت عدم ایفاء تعهد با رعایت ماده فوق حاکم میتواند بکسیکه تعهد به نفع اوشده است اجازه دهد که خود او عمل را انجام دهد و متخلف را بتادیه مخارج آن محکوم نماید.

**ماده ۲۴۳ -** هر معامله که واقع شده باشد محمول بر صحت است مگر اینکه فساد آن معلوم شود.

**ماده ۲۴۴ -** الفاظ عقود محمول است بر معانی عرفیه.

**ماده ۲۴۵ -** متعارف بودن امری در عرف و عادت بطوریکه عقد بدون تصریح هم منصرف آن باشد بمنزله ذکر در عقد است.

### مبحث دوم

#### در خسارات حاصله از عدم اجرای تعهدات

**ماده ۲۴۶ -** در مورد عدم ایفاء تعهدات از طرف یکی از متعاملین طرف دیگر نمیتواند ادعای خسارت نماید مگر اینکه برای ایفاء تعهد مدت معینی مقرر شده و مدت مزبور منقضی شده باشد و اگر برای ایفاء تعهد مدتی مقرر نبوده طرف وقتی میتواند ادعای خسارت نماید که اختیار موقع انجام با او بوده وثابت نماید که انجام تعهد را مطالبه کرده است.

سال تمام میتوانند اظهاریه کتبی بوزارت امور خارجه داده و تابعیت مملکت سابق شوهر و یا پدر را قبول کنند لیکن باظهاریه اولاد اعم از ذکور و اناث باید تصدیق مذکور در ماده ۹۷۷ ضمیمه شود .

**ماده ۹۸۵ -** تحصیل تابعیت ایرانی پدر بهیچوجه درباره اولاد او که در تاریخ تقاضا نامه بسن هیجده سال تمام رسیده اند مؤثر نمیباشد .

**ماده ۲۲۷ -** متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم بتأدیه خسارت میشود که بتواند ثابت نماید که عدم انجام بواسطه علت خارجی بوده است که نمیتوان مربوط باو نمود .

**ماده ۲۲۸ -** در صورتیکه موضوع تعهد تأدیه وجه نقدی باشد حاکم میتواند با رعایت ماده ۲۲۱ مدیون را بجزبان خسارت حاصله از تأخیر در تأدیه دین محکوم نماید .

**ماده ۲۲۹ -** اگر متمهد بواسطه حادثه که دفع آن خارج از حیطه اقتدار اوست نتواند از عهده تعهد خود برآید محکوم بتأدیه خسارت نخواهد بود .

**ماده ۲۳۰ -** اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف متخلف میلیتی بعنوان خسارت تأدیه نماید حاکم نمیتواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم شده است محکوم کند

### مبحث سوم - در اثر عقود نسبت باشخاص ثالث

**ماده ۲۳۱ -** معاملات و عقود فقط درباره طرفین متعاملین وقائم مقام قانونی آنها مؤثر است مگر در مورد ماده ۱۹۶

## فصل چهارم

در بیان شرایطی که در ضمن عقد میشود

### مبحث اول - در اقسام شرط

**ماده ۲۳۲ -** شروط مفصله ذیل باطل است ولی مفسد عقد نیست :

۱ - شرطی که انجام آن غیر مقدور باشد .

۲ - شرطی که در آن نفع و فایده نباشد .

۳ - شرطی که نامشروع باشد .

**ماده ۲۳۳ -** شروط مفصله ذیل باطل وموجب بطلان عقد است .

۱ - شرط خلاف مقتضای عقد .

**ماده ۹۸۶** - زن غیر ایرانی که در نتیجه ازدواج ایرانی می‌شود می‌تواند بعد از طلاق یا فوت شوهر ایرانی به تابعیت اول خود رجوع نماید مشروط بر اینکه وزارت امور خارجه را کتباً مطلع کند ولی هر زن شوهر مرده که از شوهر سابق خود اولاد دارد نمیتواند مادام که اولاد او بسن هیجده سال تمام نرسیده از این حق استفاده کند و در هر حال زنی که مطابق این ماده تبعه خارجه می‌شود حق داشتن

۲ - شرط مجهولی که جهل بآن موجب جهل بعوضین شود .

**ماده ۲۴۴** - شرط بر سه قسم است :

۱ - شرط صفت .

۲ - شرط نتیجه

۳ - شرط فعل اثباتاً یا نفیاً .

شرط صفت عبارت است از شرط راجعه بکیفیت یا کمیت مورد معامله

شرط نتیجه آن است که تحقق امری در خارج شرط شود .

شرط فعل آنستکه اقدام یا عدم اقدام بفعلی بر یکی از متعاملین یا بر شخص خارجی شرط شود .

### مبحث دوم - در احکام شرط

**ماده ۲۴۵** - هر گاه شرطی که در ضمن عقد شده است شرط صفت باشد و معلوم شود آن صفت موجود نیست کسی که شرط بنفع او شده است خیار فسخ خواهد داشت .

**ماده ۲۴۶** - شرط نتیجه در صورتیکه حصول آن نتیجه موقوف به سبب خاصی نباشد آن نتیجه بنفس اشتراط حاصل میشود .

**ماده ۲۴۷** - هر گاه شرط در ضمن عقد شرط فعل باشد اثباتاً یا نفیاً کسی که ملتزم بانجام شرط شده است باید آن را بجا بیاورد و در صورت تخلف طرف معامله میتواند بجا کم رجوع نموده تقاضای اجبار بوفاء شرط بنماید .

**ماده ۲۴۸** - هر گاه فعلی در ضمن عقد شرط شود و اجبار ملتزم بانجام آن غیر مقدور ولی انجام آن بوسیله شخص دیگری مقدور باشد حاکم میتواند بخرج ملتزم موجبات انجام آن فعل را فراهم کند .

**ماده ۲۴۹** هر گاه اجبار مشروط علیه برای انجام فعل مشروط ممکن نباشد و فعل مشروط هم از جمله اعمالی نباشد که دیگری بتواند از جانب او واقع سازد طرف مقابل حق فسخ معامله را خواهد داشت .

اموال غیرمنقوله نخواهد داشت مگر در حدودی که این حق باتباع خارجه داده شده باشد و هرگاه دارای اموال غیرمنقول بیش از آنچه که برای اتباع خارجه داشتن آن جایز است بوده یا بعداً بارت اموال غیرمنقولی بیش از آن حد باو برسد باید در ظرف یکسال از تاریخ خروج از تابعیت ایران یا دارا شدن ملک در مورد ارث مقدار مازاد را بنحوی از انحاء باتباع ایران منتقل کند و الا اموال مزبور با نظارت

**ماده ۲۴۰** - اگر بعد از عقد انجام شرط ممتنع شود یا معلوم شود که حین العقد ممتنع بوده است کسی که شرط برنفع او شده است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت مگر اینکه امتناع مستند بقول مشروط له باشد.

**ماده ۲۴۱** - ممکن است در معامله شرط شود که یکی از متعاملین برای آنچه که بواسطه معامله مشغول الذمه میشود رهن یا ضامن بدهد.

**ماده ۲۴۲** - هرگاه در عقد شرط شده باشد که مشروط علیه مال معین را رهن دهد و آن مال تلف یا معیوب شود مشروط له اختیار فسخ معامله را خواهد داشت نه حق مطالبه عوض رهن یا ارزش عیب و اگر بعد از آنکه مال را مشروط له برهن گرفت آن مال تلف یا معیوب شود بگر اختیار فسخ ندارد.

**ماده ۲۴۳** - هرگاه در عقد شرط شده باشد که ضامنی داده شود و این شرط انجام نگیرد مشروط له حق فسخ معامله را خواهد داشت.

**ماده ۲۴۴** - طرف معامله که شرط بنفع او شده میتواند از عمل بآن شرط صرف نظر کند در اینصورت مثل آنست که این شرط در معامله قید نشده باشد لیکن شرط نتیجه قابل اسقاط نیست.

**ماده ۲۴۵** - اسقاط حق حاصل از شرط ممکن است بلفظ باشد یا بفعل یعنی عملی که دلالت بر اسقاط شرط نماید.

**ماده ۲۴۶** - در صورتیکه معامله بواسطه اقاله یا فسخ بهم بخورد شرطیکه در ضمن آن شده است باطل میشود و اگر کسی که ملزم بانجام شرط بوده است عمل بشرط کرده باشد میتواند عوض او را از مشروط له بگیرد.

### فصل پنجم - در معاملاتیکه موضوع آن مال غیر است

#### یا معاملات فضولی

**ماده ۲۴۷** - معامله بمال غیر جز بعنوان ولایت یا وصایت یا وکالت نافذ نیست ولو اینکه صاحب مال باطناً راضی باشد ولی اگر مالک یا قائم مقام او پس از وقوع معامله آنرا اجازه نمود در اینصورت معامله صحیح و نافذ میشود.

مدعی العموم محل بفروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت بآنها داده خواهد شد .

**ماده ۹۸۷ -** زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت مینماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر بواسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود ولی در هر صورت بعد از وفات شوهر و

**ماده ۲۴۸ -** اجازه مالک نسبت بمعامله فضولی حاصل میشود بلفظ یا فعلی که دلالت بر امضاء عقد نماید .

**ماده ۲۴۹ -** سکوت مالک ولو با حضور در مجلس عقد اجازه محسوب نمیشود .

**ماده ۲۵۰ -** اجازه در صورتی مؤثر است که مسبوق برد نباشد و الا اثری ندارد .

**ماده ۲۵۱ -** رد معامله فضولی حاصل میشود بهر لفظ یا فعلی که دلالت بر عدم رضای بآن نماید .

**ماده ۲۵۲ -** لازم نیست اجازه یازد فوری باشد . اگر تأخیر موجب ضرر طرف اصیل باشد مشارالیه میتواند معامله را بهم بزند .

**ماده ۲۵۳ -** در معامله فضولی اگر مالک قبل از اجازه یا رد فوت نماید اجازه یا رد باوارث است .

**ماده ۲۵۴ -** هر گاه کسی نسبت بمال غیر معامله نماید و بعد از آن بنحوی از انحاء بمعامله کننده فضولی منتقل شود صرف تملك موجب نفوذ معامله سابقه نخواهد بود .

**ماده ۲۵۵ -** هر گاه کسی نسبت بمالی معامله بعنوان فضولی نماید و بعد معلوم شود که آن مال ملك معامله کننده بوده است یا ملك کسی بوده است که معامله کننده میتوانسته است از قبل او ولایه یا وکالت معامله نماید در اینصورت نفوذ وصحت معامله موکول با اجازه معامل است و الا معامله باطل خواهد بود .

**ماده ۲۵۶ -** هر گاه کسی مال خود و مال غیر را بیک عقدی منتقل کند یا انتقال مالی را برای خود و دیگری قبول کند معامله نسبت بخود او نافذ و نسبت بغير فضولی است .

**ماده ۲۵۷ -** اگر عین مالی که موضوع معامله فضولی بوده است قبل از اینکه مالک معامله فضولی را اجازه یا رد کند مورد معامله دیگر نیز واقع شود مالک میتواند هر یک از معاملات را که بخواهد اجازه کند در اینصورت هر یک را اجازه کرد معاملات بعد از آن نافذ و سابق بر آن باطل خواهد بود .

**ماده ۲۵۸ -** نسبت بمنافع مالی که مورد معامله فضولی بوده است و همچنین نسبت بمنافع حاصله از عوض آن اجازه یا رد از روز عقد مؤثر خواهد بود .

**ماده ۲۵۹ -** هر گاه معامل فضولی مالی را که موضوع معامله بوده است بتصرف متعامل داده باشد و مالک آن معامله را اجازه نکند متصرف ضامن عین و منافع است .

یا تفریق بصرف تقدیم درخواست بوزارت امور خارجه بانضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند تفریق تابعیت اصلیه زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه بآن مجدداً باو تعلق خواهد گرفت .

**قبصره ۱۵۰ -** هر گاه قانون تابعیت مملکت زوج زنرا بین تابعیت اصلی و تابعیت زوج مخیر بگذارد در این مورد زن ایرانی که بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا

**ماده ۳۶۰ -** در صورتیکه معامل فضولی عوض مالی را که موضوع معامله بوده است گرفته و در نزد خود داشته باشد و مالک با اجازه معامله قبض عوض را نیز اجازه کند دیگر حق رجوع بطرف دیگر نخواهد داشت .

**ماده ۳۶۱ -** در صورتیکه مبیع فضولی بتصرف مشتری داده شود هر گاه مالک معامله را اجازه نکرد مشتری نسبت باصل مال و منافع مدتیکه در تصرف او بوده ضامن است اگرچه منافع را استیفاء نکرده باشد و همچنین است نسبت به رعیبی که در مدت تصرف مشتری حادث شده باشد .

**ماده ۳۶۲ -** در مورد ماده قبل مشتری حق دارد که برای استرداد ثمن عیناً یا مثلاً یا قیمتاً بیایع فضولی رجوع کند .

**ماده ۳۶۳ -** هر گاه مالک معامله را اجازه نکنند و مشتری هم برفضولی بودن آن جاهل باشد حق دارد که برای ثمن و کلیه غرامات بیایع فضولی رجوع کند و در صورت عالم بودن فقط حق رجوع برای ثمن را خواهد داشت .

### فصل ششم - در سقوط تعهدات

**ماده ۳۶۴ -** تعهدات یکی از طرق ذیل ساقط میشود :

- ۱ - بوسیله وفاء به عهد .
- ۲ - بوسیله اقاله .
- ۳ - بوسیله ابراء .
- ۴ - بوسیله تبدیل تعهد .
- ۵ - بوسیله تهاتر .
- ۶ - بوسیله مالکیت مافی الذمه .

### مبحث اول - در وفاء به عهد

**ماده ۳۶۵ -** هر کس مالی بدیگری بدهد ظاهر در عدم تبرع است بنابراین اگر کسی چیزی



شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود در دست داشته باشد بشرط تقدیم تقاضانامه کتبی بوزارت امور خارجه ممکن است با تقاضای او موافقت گردد.

**تبصره ۲۵-** زنهای ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل میکنند حق داشتن اموال غیر منقول جز آنچه که در موقع ازدواج دارا بوده اند ندارند این حق هم به وراثت خارجی آنها منتقل نمیشود.

بدیگری بدهد بدون اینکه مقروض آن چیز باشد میتواند استرداد کند.

**ماده ۲۶۶-** در مورد تعهداتیکه برای متعهدله قانوناً حق مطالبه نیباشد اگر متعهد بمیل خود آنرا ایفاء نماید دعوی استرداد او مسموع نخواهد بود.

**ماده ۲۶۷-** ایفاء دین از جانب غیر مدیون هم جائز است اگرچه از طرف مدیون اجازه نداشته باشد ولیکن کسیکه دین دیگری را ادا میکند اگر با اذن باشد حق مراجعه باو دارد و الا حق رجوع ندارد.

**ماده ۲۶۸-** انجام فعلی در صورتیکه مباشرت شخص متعهد شرط شده باشد بوسیله دیگری ممکن نیست مگر با رضایت متعهدله.

**ماده ۲۶۹-** وفاء بعهده وقتی محقق میشود که متعهد چیزی را که میدهد مالک و یا مأذون از طرف مالک باشد و شخصاً هم اهلیت داشته باشد.

**ماده ۲۷۰-** اگر متعهد در مقام وفاء بعهده مالی تأدیه نماید دیگر نمیتواند بعنوان اینکه در حین تأدیه مالک آن مال نبوده استرداد آنرا از متعهدله بخواهد مگر اینکه ثابت کند که مال غیر و یا مجوز قانونی در ید او بوده بدون اینکه اذن در تأدیه داشته باشد.

**ماده ۲۷۱-** دین باید بشخص داین یا بکسی که از طرف او وکالت دارد تأدیه گردد یا بکسی که قانوناً حق قبض را دارد.

**ماده ۲۷۲-** تأدیه بغير اشخاص مذکور در ماده فوق وقتی صحیح است که داین راضی شود.

**ماده ۲۷۳-** اگر صاحب حق از قبول آن امتناع کند متعهد بوسیله تصرف دادن آن بچاکم یا قائم مقام او بری میشود و از تاریخ این اقدام مسئول خسارتی که ممکن است بموضوع حق وارد آید نخواهد بود.

**ماده ۲۷۴-** اگر متعهدله اهلیت قبض نداشته باشد تأدیه در وجه او معتبر نخواهد بود.

**ماده ۲۷۵-** متعهدله را نمیتوان مجبور نمود که چیز دیگری بغير آنچه که موضوع تعهد است قبول نماید اگرچه آن شبثی قیمة معادل یا بیشتر از موضوع تعهد باشد.

مندرجات ماده ۹۸۸ در قسمت خروج از ایران مشمول زنان ایران نخواهد بود.

**ماده ۹۸۸ -** اتباع ایران نمیتوانند تبعیت خود را ترک کنند مگر بشرایط ذیل:

۱ - بسن ۲۵ سال تمام رسیده باشند .

۲ - هیئت وزراء خروج از تابعیت آنان را اجازه دهد.

**ماده ۲۷۶ -** مدیون نمیتواند مالی را که از طرف حاکم ممنوع از تصرف در آن شده است در مقام وفاء بعهده تأدیبه نماید .

**ماده ۲۷۷ -** متعهد نمیتواند متعهدله را مجبور بقبول قسمتی از موضوع تعهد نماید ولی حاکم میتواند نظر بوضعیت مدیون مهلت عادلانه یا قرار اقساط دهد .

**ماده ۲۷۸ -** اگر موضوع تعهد عین معینی باشد تسلیم آن بصاحبش در وضعیتی که حین تسلیم دارد موجب برائت متعهد میشود اگرچه کسر و نقصان از تعدی یا تقریط متعهد ناشی نشده باشد مگر در مواردیکه در این قانون تصریح شده است ولی اگر متعهد با انقضاء اجل و مطالبه تأخیر در تسلیم نموده باشد مسئول هر کسر و نقصان خواهد بود اگرچه کسر و نقصان مربوط بتقصیر شخص متعهد نباشد .

**ماده ۲۷۹ -** اگر موضوع تعهد عین شخصی نبوده و کلی باشد متعهد مجبور نیست که از فرداعلای آن ایفاء کند لیکن از فردی هم که عرفاً معیوب محسوب است نمیتواند بدهد .

**ماده ۲۸۰ -** انجام تعهد باید در محلی که عقد واقع شده بعمل آید مگر اینکه بین متعاملین قرارداد خصوصی باشد یا عرف و عادت ترتیب دیگری اقتضا نماید .

**ماده ۲۸۱ -** مخارج تأدیبه بعهده مدیون است مگر اینکه شرط خلاف شده باشد .

**ماده ۲۸۲ -** اگر کسی بیک نفر دیون متعدده داشته باشد تشخیص اینکه تأدیبه از بابت کدام دین است با مدیون میباشد .

### مبحث دوم - در اقاله

**ماده ۲۸۳ -** بعد از معامله طرفین میتوانند بتراضی آن را اقاله و تفاسخ کنند .

**ماده ۲۸۴ -** اقاله بهر لفظ یا فعلی واقع میشود که دلالت بر بهم زدن معامله کند .

**ماده ۲۸۵ -** موضوع اقاله ممکن است تمام معامله واقع شود یا فقط مقداری از مورد آن .

**ماده ۲۸۶ -** تلف یکی از عوضین مانع اقاله نیست در این صورت بجای آن چیزی که تلف شده است مثل آن در صورت مثلی بودن و قیمت آن در صورت قیمتی بودن داده میشود .

۳ - قبلاً تعهد نمایند که در ظرف یکسال از تاریخ ترك تابعیت حقوق خود را بر اموال غیر منقول که در ایران دارا میباشند و یا ممکن است بالوراثه دارا شوند و لو قوانین ایران اجازه تملك آنها را به اتباع خارجه بدهد بنحوی از انحاء باتباع ایرانی منتقل کنند زوجه و اطفال کسی که برطبق این ماده ترك تابعیت مینمایند اعم از اینکه اطفال مزبور صغیر یا کبیر باشند از تبعیت ایرانی خارج

**ماده ۲۸۷ -** نماآت و منافع منفصله که از زمان عقد تا زمان اقاله در مورد معامله حادث میشود مال کسی است که بواسطه عقد مالك شده است ولی نماآت متصله مال کسی است که در نتیجه اقاله مالك میشود .

**ماده ۲۸۸ -** اگر مالك بعد از عقد در مورد معامله تصرفاتی کند که موجب ازدیاد قیمت آن شود در حین اقاله بمقدار قیمتی که بسبب عمل او زیاد شده است مستحق خواهد بود .

#### مبحث سوم - در ابراء

**ماده ۲۸۹ -** ابراء عبارت از این است که داین از حق خود باختيار صرفنظر نماید .

**ماده ۲۹۰ -** ابراء وقتی موجب سقوط تعهد میشود که متعهد برای ابراء اهلیت داشته باشد .

**ماده ۲۹۱ -** ابراء ذمه میت از دین صحیح است .

#### مبحث چهارم - در تبدیل تعهد

**ماده ۲۹۲ -** تبدیل تعهد در موارد ذیل حاصل میشود :

(۱) وقتی که متعهد و متعهدله به تبدیل تعهد اصلی بتعهد جدیدی که قائم مقام آن میشود بسببی از اسباب تراضی نمایند در اینصورت متعهد نسبت بتعهد اصلی یری میشود .

(۲) وقتی که شخص ثالث بارضایت متعهدله قبول کند که دین متعهد را ادا نماید .

(۳) وقتیکه متعهدله مافی الذمه متعهد را بکسی دیگر منتقل نماید .

**ماده ۲۹۳ -** در تبدیل تعهد تضمینات تعهد سابق بتعهد لاحق تعلق نخواهد گرفت مگر اینکه طرفین معامله آنرا صراحة شرط کرده باشند .

#### مبحث پنجم - در تهاتر

**ماده ۲۹۴ -** وقتی دونفر در مقابل یکدیگر مدیون باشند بین دیون آنها بیکدیگر بطریقی که درمواد ذیل مقرر است تهاتر حاصل میشود .

**ماده ۲۹۵ -** تهاتر قهری است وبدون اینکه طرفین دراین موضوع تراضی نمایند حاصل میگردد

نمیگردند مگر اینکه اجازه هیئت وزراء شامل آنها هم باشد.

۴ - خدمت تحت السلاح خود را انجام داده باشند.

تبصره ۵ - کسانی که بر طبق این ماده مبادرت بتقاضای ترك تابعیت ایران و قبول تبعیت خارجی مینمایند علاوه بر اجرای مقرراتی که ضمن فقره ۳ از این ماده در باره آنان مقرر است باید در مدت یکسال از ایران خارج شوند چنانچه در ظرف

بنا بر این بمحض اینکه دونه در مقابل یکدیگر در آن واحد مدیون شدند هر دو دین تا اندازه ای که باهم معادل مینماید بطور تهاتر بر طرف شده و طرفین بمقدار آن در مقابل یکدیگر بری میشوند. ماده ۲۹۶ - تهاتر فقط در مورد دو دینی حاصل میشود که موضوع آنها از یک جنس باشد با اتحاد زمان و مکان تأدیبه ولو باختلاف سبب.

ماده ۲۹۷ - اگر بعد از ضمان مضمون له بمضمون عنه مدیون شود موجب فراغ ذمه ضامن نخواهد شد.

ماده ۲۹۸ - اگر فقط محل تأدیبه دینین مختلف باشد تهاتر وقتی حاصل میشود که با تأدیبه مخارج مربوطه به نقل موضوع قرض از محلی بمحل دیگری یا بنحوی از انحاء طرفین حق تأدیبه در محل معین را ساقط نمایند.

ماده ۲۹۹ - در مقابل حقوق ثابت اشخاص ثالث تهاتر مؤثر نخواهد بود و بنا بر این اگر موضوع دین بشفع شخص ثالثی در نزد مدیون مطابق قانون توقیف شده باشد و مدیون بعد از این توقیف از دین خود طلبکار گردد دیگر نمی تواند باستناد تهاتر از تأدیبه مال توقیف شده امتناع کند.

### مبحث ششم - مالکیت مافی الذمه

ماده ۳۰۰ - اگر مدیون مالك مافی الذمه خود گردد ذمه او بری میشود مثل اینکه اگر کسی بمورث خود مدیون باشد پس از فوت مورث دین او نسبت بسهم الارث ساقط میشود.

باب دوم - در الزاماتیکه بدون قرار داد حاصل میشود

### فصل اول - در کلیات

ماده ۳۰۱ - کسی که عمداً یا اشتباماً چیزی را که مستحق نبوده است دریافت کند ملزم است آن را بمالك تسلیم کند.

ماده ۳۰۲ - اگر کسیکه اشتباماً خود را مدیون میدانست آن دین را تأدیبه کند حق دارد از کسی که آنرا بدون حق اخذ کرده است استرداد نماید.

مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه امر باخراج آنها و فروش اموالشان صادر خواهند نمود و چنین اشخاصی هر گاه در آئیه بخواهند بایران بیایند اجازه مخصوص هیئت وزراء آنها برای یکدفعه و مدت معین لازم است .

**ماده ۹۸۹ -** هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ ۱۲۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد تبعیت خارجی او کان لم یکن بوده

**ماده ۳۰۳ -** کسی که مالی را من غیر حق دریافت کرده است ضامن عین و منافع آنست اعم از اینکه بدم استحقاق خود عالم باشد یا جاهل .

**ماده ۳۰۴ -** اگر کسی که چیزی را بدون حق دریافت کرده است خود را بحق میدانسته لیکن در واقع بحق نبوده و آن چیز را فروخته باشد معامنه فضولی و تابع احکام مربوطه بآن خواهد بود .  
**ماده ۳۰۵ -** در مورد مواد فوق صاحب مال باید از عهده نخراج لازم که برای نگاهداری آن شده است برآید مگر در صورت علم متصرف بدم استحقاق خود .

**ماده ۳۰۶ -** اگر کسی اموال غایب یا محجور و امثال آنها را بدون اجازه مالک یا کسی که حق اجازه دارد اداره کند باید حساب زمان تصدی خود را بدهد در صورتیکه تحصیل اجازه در موقع مقدور بوده یا تأخیر در دخالت موجب ضرر نبوده است حق مطالبه نخراج نخواهد داشت ولی اگر عدم دخالت یا تأخیر در دخالت موجب ضرر صاحب مال باشد دخالت کننده مستحق اخذ نخراجی خواهد بود که برای اداره کردن لازم بوده است .

### فصل دوم - در ضمان قهری

**ماده ۳۰۷ -** امور ذیل موجب ضمان قهری است :

- ۱) غصب و آنچه که در حکم غصب است .
- ۲) اتلاف .
- ۳) تسبیب .
- ۴) استیفاء .

#### مبحث اول - در غصب

**ماده ۳۰۸ -** غصب استیلا بر حق غیر است بنحو عدوان اثبات ید بر مال غیر بدون مجوز هم در حکم غصب است .

**ماده ۳۰۹ -** هر گاه شخصی مالک را از تصرف در مال خود ممانع شود بدون آنکه خود او تسلط بر آن مال پیدا کند غاصب محسوب نمیشود لیکن در صورت اتلاف یا تسبیب ضامن خواهد بود .

و تبعه ایران شناخته می‌شود ولی در عین حال کلیه اموال غیر منقوله او با نظارت مدعی العموم محل بفروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت آن باو داده خواهد شد و بعلاوه از اشتغال بوزارت و معاونت وزارت و عضویت مجالس مقننه و انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی و هر گونه مشاغل دولتی محروم خواهد بود .

**ماده ۹۹۰ -** از اتباع ایران کسی که خود یا پدرشان موافق مقررات تبدیل

**ماده ۳۱۰ -** اگر کسی که مالی بعاریه یا بودیمه و امثال آنها در دست اوست منکر گردد از تاریخ انکار در حکم غاصب است .

**ماده ۳۱۱ -** غاصب باید مال مفصوب را عیناً بصاحب آن رد نماید و اگر عین تلف شده باشد باید مثل یا قیمت آنرا بدهد و اگر بعلت دیگری رد عین ممکن نباشد باید بدل آنرا بدهد .

**ماده ۳۱۲ -** هر گاه مال مفصوب بوده و مثل آن پیدا نشود غاصب باید قیمت حین الاداء را بدهد و اگر مثل موجود بوده و از مالیت افتاده باشد باید آخرین قیمت آنرا بدهد .

**ماده ۳۱۳ -** هر گاه کسی در زمین خود بامصالح متعلقه بدیگری بنائی سازد یا درخت غیر را بدون اذن مالک در آن زمین غرس کند صاحب مصالح یا درخت میتواند قلع یا تزع آنرا بخواهد مگر اینکه باخذ قیمت تراضی نمایند .

**ماده ۳۱۴ -** اگر در نتیجه عمل غاصب قیمت مال مفصوب زیاد شود غاصب حق مطالبه قیمت زیادی را نخواهد داشت مگر اینکه آن زیادتی عین باشد که در اینصورت عین زیاد متعلق بخود غاصب است .

**ماده ۳۱۵ -** غاصب مسئول هر نقص و عیبی است که در زمان تصرف او بمال مفصوب وارد شده باشد هر چند مستند بفعل او نباشد .

**ماده ۳۱۶ -** اگر کسی مال مفصوب را از غاصب غصب کند آن شخص نیز مثل غاصب سابق ضامن است اگر چه بغاصبت غاصب اولی جاهل باشد .

**ماده ۳۱۷ -** مالک میتواند عین و در صورت تلف شدن عین مثل یا قیمت تمام یا قسمتی از مال مفصوب را از غاصب اولی یا از هر یک از غاصبین بعدی که بخواهد مطالبه کند .

**ماده ۳۱۸ -** هر گاه مالک رجوع کند بغاصبی که مال مفصوب در ید او تلف شده است آن شخص حق رجوع بغاصب دیگر ندارد ولی اگر بغاصب دیگری بغیر آنکسبکه مال در ید او تلف شده است

رجوع نماید مشارالیه نیز میتواند بکسی که مال در ید او تلف شده است رجوع کند و یا بیکسی از لاحقین خود رجوع کند تا منتهی شود بکسی که مال در ید او تلف شده است و بطور کلی ضمان

برعهده کسی مستقر است که مال مفصوب در نزد او تلف شده است .

تابعیت کرده باشند و بخواهند بتبعیت اصلیه خود رجوع نمایند بمجرد درخواست به تابعیت ایران قبول خواهند شد مگر آنکه دولت تابعیت آنها را صلاح نداند.

**ماده ۹۹۱ -** تکالیف مربوطه باجرائ قانون تابعیت و اخذ مخارج دفتری (حقوق شانس لری) در مورد کسانی که تقاضای ورود و خروج از تابعیت دولت شاهنشاهی و تقاضای بقاء به تابعیت اصلی را دارند بموجب نظامنامه که بتصویب هیئت وزراء خواهد رسید معین خواهد شد.

**ماده ۴۱۹ -** اگر مالك تمام یا قسمتی از مال منسوب را از یکی از غاصبین بگیرد حق رجوع بقدر مأخوذ بغاصبین دیگر ندارد.

**ماده ۴۲۰ -** نسبت بمنافع مال منسوب هر يك از غاصبین باندازه منافع زمان تصرف خود و ما بعد خود ضامن است اگر چه استیفاء منفعت نکرده باشد لیکن غاصبی که ازعهده منافع زمان تصرف غاصبین لاحق خود برآمده است میتواند بهر يك نسبت بزمان تصرف او رجوع کند.

**ماده ۴۲۱ -** هر گاه مالك ذمه یکی از غاصبین را نسبت به مثل یا قیمت مال منسوب ابراء کند حق رجوع بغاصبین دیگر نخواهد داشت. ولی اگر حق خود را بیکي از آنان بنحوی از انحاء انتقال دهد آنکس قائم مقام مالك میشود و دارای همان حقی خواهد بود که مالك دارا بوده است.

**ماده ۴۲۲ -** ابراء ذمه یکی از غاصبین نسبت بمنافع زمان تصرف او موجب ابراء ذمه دیگران از حصه آنها نخواهد بود لیکن اگر یکی از غاصبین را نسبت بمنافع عین ابراء کند حق رجوع بلاحقین نخواهد داشت.

**ماده ۴۲۳ -** اگر کسی ملك منسوب را از غاصب بخرد آنکس نیز ضامن است و مالك میتواند بر طبق مقررات مواد فوق بهر يك از بایع و مشتری رجوع کرده عین و در صورت تلف شدن آن مثل یا قیمت مال و همچنین منافع آنرا در هر حال مطالبه نماید.

**ماده ۴۲۴ -** در صورتی که مشتری عالم بقصب باشد حکم رجوع هر يك از بایع و مشتری بیکدیگر در آنچه که مالك از آنها گرفته است حکم غاصب از غاصب بوده تابع مقررات فوق خواهد بود.

**ماده ۴۲۵ -** اگر مشتری جاهل بقصب بوده و مالك باو رجوع نموده باشد او نیز میتواند نسبت به ثمن و خسارات به بایع رجوع کند اگر چه میباید نزد خود مشتری تلف شده باشد و اگر مالك نسبت بمثل یا قیمت رجوع به بایع کند بایع حق رجوع بمشتری را نخواهد داشت.

## کتاب سوم - در اسناد سجل احوال

**ماده ۹۹۲ -** سجل احوال هر کس بموجب دفاتری که برای این امر مقرر است معین میشود .

**ماده ۹۹۳ -** امور ذیل باید در ظرف مدت و بطریقیکه بموجب قوانین یا نظامات مخصوصه مقرر است بدائره سجل احوال اطلاع داده شود :

**ماده ۴۲۶ -** اگر عوضی که مشتری عالم بر غصب در صورت تلف مبیع بمالك داده است زیاد بر مقدار ثمن باشد بمقدار زیاده نمیتواند رجوع به بائع کند ولی نسبت بمقدار ثمن حق رجوع دارد .  
**ماده ۴۲۷ -** اگر ترتیب ایادی بر مال منصوب بمعامله دیگری غیر از بیع باشد احکام راجعه به بیع مال غصب که فوقاً ذکر شده مجری خواهد بود .

### مبحث دوم - در اتلاف

**ماده ۴۲۸ -** هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آنست و باید مثل یا قیمت آنرا بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آنرا ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است .  
**ماده ۴۲۹ -** اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند باید آنرا بمثل صورت اول بنا نمایند و اگر ممکن نباشد باید از عهده قیمت برآید .  
**ماده ۴۳۰ -** اگر کسی حیوان متعلق بغير را بدون اذن صاحب آن بکشد باید تفاوت قیمت زنده و کشته آنرا بدهد ولیکن اگر برای دفاع از نفس بکشد یا ناقص کند ضامن نیست .

### مبحث سوم - در تسبیب

**ماده ۴۳۱ -** هر کس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آنرا بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص قیمت آن برآید .  
**ماده ۴۳۲ -** هر گاه یکنفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود مباشر مسئول است نه مسبب مگر اینکه سبب اقوی باشد بنحویکه عرفاً اتلاف مستند باو باشد .  
**ماده ۴۳۳ -** صاحب دیوار یا عمارت یا کارخانه مسئول خساراتی است که از خراب شدن آن وارد میشود مشروط بر اینکه خرابی در نتیجه عیبی حاصل گردد که مالك مطلع بر آن بوده و یا از عدم مواظبت او تولید شده است .



- ۱ - ولادت هر طفل و همچنین سقط هر جنین که بعد از ماه ششم از تاریخ حمل واقع شود .
- ۲ - ازدواج اعم از دائم و منقطع .
- ۳ - طلاق اعم از بائن و رجعی و همچنین بذل مدت .
- ۴ - وفات هر شخص .

**ماده ۴۴۴ -** مالک یا متصرف حیوان مسئول خساراتی نیست که از ناحیه آن حیوان وارد میشود مگر اینکه در حفظ حیوان تقصیر کرده باشد لیکن در هر حال اگر حیوان بواسطه عمل کسی منشاء ضرر گردد فاعل آن عمل مسئول خسارات وارده خواهد بود .

**ماده ۴۴۵ -** در صورت تصادم بین دو کشتی یا دو قطار راه آهن یا دو اتومبیل و امثال آنها مسئولیت متوجه طرفی خواهد بود که تصادم در نتیجه عمد یا مسامحه او حاصل شده باشد و اگر طرفین تقصیر یا مسامحه کرده باشند هر دو مسئول خواهند بود .

### مبحث چهارم - در استیفاء

**ماده ۴۴۶ -** هرگاه کسی بر حسب امر دیگری اقدام بعملی نماید که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مهای آن عمل باشد عامل مستحق اجرت عمل خود خواهد بود مگر اینکه معنوم شود که قصد تبرع داشته است .

**ماده ۴۴۷ -** هرگاه کسی بر حسب اذن صریح یا ضمنی از مال غیر استیفاء منفعت کند صاحب مال مستحق اجرت المثل خواهد بود مگر اینکه معلوم شود که اذن در انتفاع مجانی بوده است .

### باب سوم - در عقود معینه مختلفه

#### فصل اول - در بیع

#### مبحث اول - در احکام بیع

**ماده ۴۳۸ -** بیع عبارت است از تملیک عین بعوض معلوم .

**ماده ۴۳۹ -** پس از توافق با بیع و مشتری در مبیع و قیمت آن عقد بیع به ایجاب و قبول واقع میشود .

ممکن است بیع بداد و سدد نیز واقع گردد .

**ماده ۴۴۰ -** در ایجاب و قبول الفاظ و عبارات باید صریح در معنی بیع باشد .

**ماده ۴۴۱ -** بیع ممکن است مطلق باشد یا مشروط و نیز ممکن است که برای تسلیم تمام یا قسمتی

- ماده ۹۹۴ -** حکم فوت فرضی غایب که بر طبق مقررات کتاب پنجم از جلد دوم این قانون صادر میشود باید در دفتر سجل احوال ثبت شود.
- ماده ۹۹۵ -** تغییر مطالبی که در دفاتر سجل احوال ثبت شده است ممکن نیست مگر بموجب حکم محکمه .
- ماده ۹۹۶ -** اگر عدم صحت مطالبی که بدایره سجل احوال اظهار شده است

از مبیع یا برای تأدیه تمام یا قسمتی از ثمن اجلی قرار داده شود .

**ماده ۳۴۲ -** مقدار و جنس و وصف و مبیع باید معلوم باشد و تعیین مقدار آن بوزن یا کیل یا عدد یا ذرع یا مساحت یا مشاهده تابع عرف بلد است .

**ماده ۳۴۳ -** اگر مبیع بشرط مقدار معین فروخته شود بیع واقع میشود اگرچه هنوز مبیع شمرده نشده یا کیل یا ذرع نشده باشد .

**ماده ۳۴۴ -** اگر در عقد بیع شرطی ذکر نشده یا برای تسلیم مبیع با تأدیه قیمت موعودی معین نگشته باشد بیع قطعی و ثمن حال محسوب است مگر اینکه بر حسب عرف و عادت محل یا عرف و عادت تجارت در معاملات تجارته وجود شرطی یا موعودی معهود باشد اگرچه در قرارداد بیع ذکر شده باشد .

### مبحث دوم - در طرفین معامله

- ماده ۳۴۵ -** هر يك از بايع و مشتري باید علاوه بر اهلیت قانونی برای معامله اهلیت برای تصرف در مبیع یا ثمن را نیز داشته باشد .
- ماده ۳۴۶ -** عقد بیع باید مقرون برضای طرفین باشد و عقد مکره نافذ نیست .
- ماده ۳۴۷ -** شخص کور میتواند خرید و فروش نماید مشروط بر اینکه شخصاً بصریقی غیر از معاینه یا بوسیله کس دیگر ولو خود بايع جهل او مرتفع شود .

### مبحث سوم - در مبیع

- ماده ۳۴۸ -** بیع چیزی که خرید و فروش آن قانوناً ممنوع است و یا چیزیکه مالیت و یا منفعت عقلانی ندارد یا چیزیکه بايع قدرت بر تسلیم آن ندارد باطل است مگر اینکه مشتری خود قادر بر تسلیم باشد .
- ماده ۳۴۹ -** بیع مال وقف صحیح نیست مگر در موردی که بین موقوف علیهم تولید اختلاف شود بنحوی که بیم سفک دماء رود یا منجر بخرابی مال موقوفه گردد و همچنین در مواردی که در مبحث

در محکمه ثابت گردد یا هویت کسی که در دفتر سجل احوال بعنوان مجهول الهویه قید شده است معین شود و یا حکم فوت فرضی غایب ابطال گردد مراتب باید در دفاتر مربوطه سجل احوال قید شود.

**ماده ۹۹۷** - هر کس باید دارای نام خانوادگی باشد.

انتخاب نام های مخصوصی که بموجب نظامنامه اداره سجل احوال معین میشود ممنوع است.

راجع بوقف مقرر است.

**ماده ۳۵۰** - مبیع ممکن است مفروز باشد یا مشاع یا مقدار معین بطور کلی از شیئی متساوی الاجزاء و همچنین ممکن است کلی فی الذمه باشد.

**ماده ۳۵۱** - در صورتیکه مبیع کلی یعنی صادق بر افراد عدیده باشد بیع وقتی صحیح است که مقدار و جنس و وصف مبیع ذکر بشود.

**ماده ۳۵۲** - بیع فضولی نافذ نیست مگر بعد از اجازه مالک بطوریکه در معاملات فضولی مذکور است.

**ماده ۳۵۳** - هر گاه چیز معین بعنوان جنس خاصی فروخته شود و در واقع از آن جنس نباشد بیع باطل است و اگر بعضی از آن از غیر جنس باشد نسبت بآن بعض باطل است و نسبت به مابقی مشتری حق فسخ دارد.

**ماده ۳۵۴** - ممکن است بیع از روی نمونه بعمل آید در این صورت باید تمام مبیع مطابق نمونه تسلیم شود والا مشتری خیار فسخ خواهد داشت.

**ماده ۳۵۵** - اگر ملکی بشرط داشتن مساحت معین فروخته شده باشد و بعد معلوم شود که کمتر از آن مقدار است و مشتری حق فسخ معامله را خواهد داشت و اگر معلوم شود که بیشتر است بایع میتواند آنرا فسخ کند مگر اینکه در هر دو صورت طرفین به محاسبه زیاده یا تقصیر تراضی نمایند.

**ماده ۳۵۶** - هر چیزی که بر حسب عرف و عادت جزء یا تابع مبیع شمرده شود یا قرائن دلالت بر دخول آن در مبیع نماید داخل در بیع و متعلق بمشتری است اگر چه در عقد صریحاً ذکر نشده باشد و اگر چه متعاملین جاهل بر عرف باشند.

**ماده ۳۵۷** - هر چیزی که بر حسب عرف و عادت جزء یا از تابع مبیع شمرده نشود داخل در بیع نمیشود مگر اینکه صریحاً در عقد ذکر شده باشد.

**ماده ۹۹۸ -** هر کس که اسم خانوادگی او را دیگری بدون حق انتخاب کرده باشد میتواند اقامه دعوی کرده و در حدود قوانین مربوطه تغییر نام خانوادگی غاصب را بخواهد.

اگر کسی نام خانوادگی خود را که در دفاتر سجل احوال ثبت کرده است مطابق مقررات مربوطه باین امر تغییر دهد هر ذی نفع میتواند در ظرف مدت و به طریقیکه در قوانین یا نظامات مخصوصه مقرر است اعتراض کند.

**ماده ۳۵۸ -** نظر به دوماده فوق در بیع باغ اشجار و دربیع خانه ممر و بحری و هر چه ملصق به بنا باشد بطوریکه نتوان آنرا بدون خرابی نقل نمود متعلق بمشتری میشود و برعکس زراعت دربیع زمین و میوه دربیع درخت و حمل دربیع حیوان متعلق بمشتری نمیشود مگر اینکه تصریح شده باشد یا بر حسب عرف از توابع شمرده شود.

در هر حال طرفین عقد میتوانند بعکس ترتیب فوق تراضی کنند.

**ماده ۳۵۹ -** هر گاه دخول شیئی در مبیع عرفاً مشکوک باشد آن شیئی داخل در بیع نخواهد بود مگر آنکه تصریح شده باشد.

**ماده ۳۶۰ -** هر چیزی که فروش آن مستقلاً جایز است استثناء آن از مبیع نیز جائز است.

**ماده ۳۶۱ -** اگر در بیع عین معین معلوم شود که مبیع وجود نداشته بیع باطل است.

### مبحث چهارم - در آثار بیع

**ماده ۳۶۲ -** آثار بیعی که صحیحاً واقع شده باشد از قرار ذیل است:

- ۱) بمجرد وقوع بیع مشتری مالک مبیع و بائع مالک ثمن میشود.
- ۲) عقد بیع بائع را ضامن درک مبیع و مشتری را ضامن درک ثمن قرار میدهد.
- ۳) عقد بیع بائع را بتسلیم مبیع ملزم مینماید.
- ۴) عقد بیع مشتری را بتأدیه ثمن ملزم میکند.

### فقره اول - در ملکیت مبیع و ثمن

**ماده ۳۶۳ -** در عقد بیع وجود خیابار فسخ برای متبایمین با وجود اجلی برای تسلیم مبیع با تأدیه ثمن مانع انتقال نمیشود بنا براین اگر ثمن یا مبیع عین معین بوده و قبل از تسلیم آن احد متعاملین مفلس شود طرف دیگر حق مطالبه آن عین را خواهد داشت.

**ماده ۳۶۴ -** در بیع خیاری مالکیت از حین عقد بیع است نه از تاریخ انقضاء خیابار و در بیعی که قبض شرط صحت است مثل بیع صرف انتقال از حین حصول شرط است نه از حین وقوع بیع.

**ماده ۳۶۵ -** بیع فاسد اثری در تملك ندارد.

- ماده ۹۹۹** - سند ولادت اشخاصیکه ولادت آنها در مدت قانونی بدایره سبجل احوال اظهار شده است سند رسمی محسوب خواهد بود .
- ماده ۱۰۰۰** - سایر مطالب راجع بسبجل احوال بموجب قوانین و نظامنامه های مخصوصه مقرر است .
- ماده ۱۰۰۱** - مأمورین قونسولی ایران در خارجه باید نسبت بایرانیان مقیم حوزه مأموریت خود وظائفی را که بموجب قوانین و نظامات جاریه بعهدہ دوایر سبجل احوال مقرر است انجام دهند .

**ماده ۳۶۶** - هر گاه کسی به بیع فاسد مالی راقبض کند باید آنرا بصاحبش رد نماید و اگر تلف یا ناقص شود ضامن عین و منافع آن خواهد بود .

### فقره دوم - در تسلیم

- ماده ۳۶۷** - تسلیم عبارتست از دادن مبیع بتصرف مشتری بنحوی که متمکن از انحاء تصرفات و انتفاعات باشد وقبض عبارت است از استیلاء مشتری بر مبیع .
- ماده ۳۶۸** - تسلیم وقتی حاصل میشود که مبیع تحت اختیار مشتری گذاشته شده باشد اگر چه مشتری آنرا هنوز عملاً تصرف نکرده باشد .
- ماده ۳۶۹** - تسلیم باختلاف مبیع بکیفیات مختلفه است و باید بنحوی باشد که عرفاً آنرا تسلیم گویند .
- ماده ۳۷۰** - اگر طرفین معامله برای تسلیم مبیع موعدی قرار داده باشند قدرت بر تسلیم در آن موعده شرط است نه در زمان عقد .
- ماده ۳۷۱** - در بیعی که موقوف به اجازه مالک است قدرت بر تسلیم در زمان اجازه معتبر است .
- ماده ۳۷۲** - اگر نسبت به بعض مبیع بایع قدرت بر تسلیم داشته و نسبت بیعض دیگر نداشته باشد بیع نسبت بیعض که قدرت بر تسلیم داشته صحیح است و نسبت بیعض دیگر باطل است .
- ماده ۳۷۳** - اگر مبیع قبلاً در تصرف مشتری بوده باشد محتاج بقبض جدید نیست و همچنین است در ثمن .
- ماده ۳۷۴** - در حصول قبض اذن بایع شرط نیست و مشتری میتواند مبیع را بدون اذن قبض کند .
- ماده ۳۷۵** - مبیع باید در محلی تسلیم شود که عقد بیع در آنجا واقع شده است مگر اینکه عرف و عادت مقتضی تسلیم در محل دیگر باشد و یا در ضمن بیع محل مخصوصی برای تسلیم معین شده باشد .
- ماده ۳۷۶** - در صورت تأخیر در تسلیم مبیع یا ثمن متمتع اجبار بتسلیم میشود .
- ماده ۳۷۷** - هر یک از بایع و مشتری حق دارد از تسلیم مبیع یا ثمن خود داری کند تا طرف دیگر

## کتاب چهارم - در اقامتگاه

**ماده ۱۰۰۲ -** اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب است اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود.

حاضر بتسلیم شود مگر اینکه مبیع یا ثمن مؤجل باشد در این صورت هر کدام از مبیع یا ثمن که حال باشد باید تسلیم شود.

**ماده ۳۷۸ -** اگر بایع قبل از اخذ ثمن مبیع را بمیل خود تسلیم مشتری نماید حق استرداد آنرا نخواهد داشت مگر بوجوب فسخ در مورد خیار.

**ماده ۳۷۹ -** اگر مشتری ملتزم شده باشد که برای ثمن ضامن یا رهن بدهد و عمل بشرط نکند بایع حق فسخ خواهد داشت. و اگر بایع ملتزم شده باشد که برای درک مبیع ضامن بدهد و عمل بشرط نکند مشتری حق فسخ دارد.

**ماده ۳۸۰ -** در صوریکه مشتری مفلس شود و عین مبیع نزد او موجود باشد بایع حق استرداد آن را دارد و اگر مبیع هنوز تسلیم نشده باشد میتواند از تسلیم آن امتناع کند.

**ماده ۳۸۱ -** مخارج تسلیم مبیع از قبیل اجرت نقل آن بمحل تسلیم، اجرت شمردن و وزن کردن و غیره بعهده بایع است مخارج تسلیم ثمن برعهده مشتری است.

**ماده ۳۸۲ -** هرگاه عرف عادت از بابت مخارج معامله یا محل تسلیم برخلاف ترتیبی باشد که ذکر شده و یا در عقد برخلاف آن شرط شده باشد باید برطبق متعارف یا مشروط در عقد رفتار شود و همچنین متبایعین میتوانند آن را بتراضی تغییر دهند.

**ماده ۳۸۳ -** تسلیم باید شامل آن چیزی هم باشد که اجزاء و توابع مبیع شمرده میشود.

**ماده ۳۸۴ -** هرگاه در حال معامله مبیع از حیث مقدار معین بوده و در وقت تسلیم کمتر از آن مقدار درآید مشتری حق دارد که بیع را فسخ کند یا قیمت موجود را با تأدیه حصه‌ای از ثمن بنسبت موجود قبول نماید و اگر مبیع زیاده از مقدار معین باشد زیاده مال بایع است.

**ماده ۳۸۵ -** اگر مبیع از قبیل خانه یا فرش باشد که تجزیه آن بدون ضرر ممکن نمیشود و بشرط بودن مقدار معین فروخته شده ولی در حین تسلیم کمتر یا بیشتر درآید در صورت اولی مشتری و در صورت دوم بایع حق فسخ خواهد داشت.

**ماده ۱۰۰۳** - هیچکس نمیتواند بیش از يك اقامتگاه داشته باشد .  
**ماده ۱۰۰۴** - تغییر اقامتگاه بوسیله سکونت حقیقی در محل دیگر بعمل میآید مشروط براینکه مرکز مهم امور او نیز بهمان محل انتقال یافته باشد .  
**ماده ۱۰۰۵** - اقامتگاه زن شوهر دار همان اقامتگاه شوهر است معذلك زنی که شوهر او اقامتگاه معلومی ندارد و همچنین زنیکه با رضایت شوهر خود

**ماده ۳۸۶** - اگر در مورد دوماهه قبل معامله فسخ شود با بیع باید علاوه بر ثمن مخارج معامله و مصارف متعارف را که مشتری نموده است بدهد .

**ماده ۳۸۷** - اگر مبیع قبل از تسلیم بدون تقصیر و احمال از طرف با بیع تلف شود بیع منفسخ و ثمن باید بمشتری مسترد گردد مگر اینکه با بیع برای تسلیم بجا کم یا قائم مقام او رجوع نموده باشد که در اینصورت تلف از مال مشتری خواهد بود .

**ماده ۳۸۸** - اگر قبل از تسلیم در مبیع نقصی حاصل شود مشتری حق خواهد داشت که معامله را فسخ نماید .

**ماده ۳۸۹** - اگر در مورد دو ماده فوق تلف شدن مبیع یا نقص آن ناشی از عمل مشتری باشد مشتری حقی بر با بیع ندارد و باید ثمن را تأدیه کند .

### فقره سوم - در ضمان درك

**ماده ۳۹۰** - اگر بعد از قبض ثمن مبیع کلاً یا جزءاً مستحق للغير در آید با بیع ضامن است اگر چه تصریح به ضمان نشده باشد .

**ماده ۳۹۱** - در صورت مستحق للغير بر آمدن کل یا بعض از مبیع با بیع باید ثمن مبیع را مسترد دارد و در صورت جهل مشتری بوجود فساد با بیع باید از عهده غرامات وارده بر مشتری نیز بر آید .

**ماده ۳۹۲** - در مورد ماده قبل با بیع باید از عهده تمام ثمنی که اخذ نموده است نسبت بکل یا بعض بر آید اگر چه بعد از عقد بیع بعثتی از علل در مبیع کسر قیمتی حاصل شده باشد .

**ماده ۳۹۳** - راجع بزیادتی که از عمل مشتری در مبیع حاصل شده باشد مقررات ماده ۳۱۴ مجری خواهد بود .

### فقره چهارم - در تأدیه ثمن

**ماده ۳۹۴** - مشتری باید ثمن را در موعد و در محل و بر طبق شرایطی که در عقد بیع مقرر شده است تأدیه نماید .

و یا با اجازه محکمه مسکن علیحده اختیار کرده میتواند اقامتگاه شخصی علیحده نیز داشته باشد.

**ماده ۱۰۰۶** - اقامتگاه صغیر و محجور همان اقامتگاه ولی یا قیم آنهاست.

**ماده ۱۰۰۷** - اقامتگاه مأمورین دولتی محلی است که در آنجا مأموریت

ثابت دارند.

**ماده ۳۹۵** - اگر مشتری ثمن را در موعد مقرر تأدیه نکند بایع حق خواهد داشت که بر طبق مقررات راجعه بخیار تأخیر ثمن معامله را فسخ یا از حاکم اجبار مشتری را بتأدیه ثمن بخواهد.

### مبحث پنجم

## در خیارات و احکام راجعه بان

### فقره اول - در خیارات

**ماده ۳۹۶** - خیارات از قراز ذیلند:

- |                            |                      |
|----------------------------|----------------------|
| ۱ - خیار مجلس .            | ۲ - خیار حیوان .     |
| ۳ - خیار شرط .             | ۴ - خیار تأخیر ثمن . |
| ۵ - خیار رؤیت و تغلف وصف . | ۶ - خیار غبن .       |
| ۷ - خیار عیب .             | ۸ - خیار تدلیس .     |
| ۹ - خیار تبعض صفت .        | ۱۰ - خیار تغلف شرط . |

### اول - در خیار مجلس

**ماده ۳۹۷** - هر يك از متبایعین بعد از عقد فی المجلس و مادام که متفرق نشده اند اختیار فسخ معامله را دارند.

### دوم - در خیار حیوان

**ماده ۳۹۸** - اگر مبیع حیوان باشد مشتری تا سه روز از حین عقد اختیار فسخ معامله را دارد.

### سوم - در خیار شرط

**ماده ۳۹۹** - در عقد بیع ممکن است شرط شود که در مدت معین برای بایع یا مشتری یا هر دو یا شخص خارجی اختیار فسخ معامله باشد.

**ماده ۴۰۰** - اگر ابتداء مدت خیار ذکر نشده باشد ابتداء آن از تاریخ عقد محسوب است والا تابع قرارداد متعاملین است.



**ماده ۱۰۰۸ -** اقامتگاه افراد نظامی که در ساخلو هستند محل ساخلو آنها است .

**ماده ۱۰۰۹ -** اگر اشخاص کبیر که معمولاً نزد دیگری کار یا خدمت میکنند در منزل کارفرما یا مخدوم خود سکونت داشته باشند اقامتگاه آنها همان اقامتگاه کارفرما یا مخدوم آنها خواهد بود .

**ماده ۴۰۱ -** اگر برای خیار شرط مدت نشده باشد هم شرط خیار و هم بیع باطل است .

### چهارم - در خیار تأخیر ثمن

**ماده ۴۰۲ -** هرگاه مبیع عین خارجی و یا در حکم آن بوده و برای تأدیه ثمن یا تسلیم مبیع بین متبایعین اجلی معین نشده باشد اگر سه روز از تاریخ بیع بگذرد و در این مدت نه بایع مبیع را تسلیم مشتری نماید و نه مشتری تمام ثمن را به بایع بدهد بایع مختار در فسخ معامله میشود .

**ماده ۴۰۳ -** اگر بایع بنحوی از انحاء مطالبه ثمن نماید و بقرائن معلوم گردد که مقصود التزام به بیع بوده است خیار او ساقط خواهد شد .

**ماده ۴۰۴ -** هرگاه بایع در ظرف سه روز از تاریخ بیع تمام مبیع را تسلیم مشتری کند یا مشتری تمام ثمن را ببایع بدهد دیگر برای بایع اختیار فسخ نخواهد بود اگرچه ثانیاً بنحوی از انحاء مبیع به بایع و ثمن به مشتری برگشته باشد .

**ماده ۴۰۵ -** اگر مشتری ثمن را حاضر کرده که بدهد و بایع از اخذ آن امتناع نمود خیار فسخ نخواهد داشت .

**ماده ۴۰۶ -** خیار تأخیر مخصوص بایع است و برای مشتری از جهت تأخیر در تسلیم مبیع این اختیار نمیشود .

**ماده ۴۰۷ -** تسلیم بعض ثمن یا دادن آن بکسی که حق قبض ندارد خیار بایع را ساقط نمیکند .

**ماده ۴۰۸ -** اگر مشتری برای ثمن ضامن بدهد یا بایع ثمن را حواله دهد بعد از تحقیق حواله خیار تأخیر ساقط میشود .

**ماده ۴۰۹ -** هرگاه مبیع از چیزهایی باشد که در کمتر از سه روز فاسد و یا کم قیمت میشود ابتداءً خیار از زمانی است که مبیع مشرف بفساد یا کسر قیمت میگردد .

### پنجم - در خیار رؤیت و تخلف وصف

**ماده ۴۱۰ -** هرگاه کسی مالی را ندیده و آنرا فقط بوصف بخرد بعد از دیدن اگر دارای اوصافیکه

**ماده ۱۰۱۰ -** اگر ضمن معامله یا قرار دادی طرفین معامله یا یکی از آنها برای اجرای تعهدات حاصله از آن معامله محلی غیر از اقامتگاه حقیقی خود انتخاب کرده باشد نسبت بدعوی راجعه بآن معامله همان محلی که انتخاب شده است اقامتگاه او محسوب خواهد شد و همچنین است در صورتیکه برای ابلاغ اوراق دعوی و احضار و اخطار محلی را غیر از اقامتگاه حقیقی خود معین کند .

ذکر شده است نباشد مختار میشود که بیع را فسخ کند یا بهمان نحو که هست قبول نماید .  
**ماده ۴۱۱ -** اگر بایع مبیع را ندیده ولی مشتری آنرا دیده باشد و مبیع غیر اوصافیکه ذکر شده است دارا باشد فقط بایع خیار فسخ خواهد داشت

**ماده ۴۱۲ -** هرگاه مشتری بعضی از مبیع را دیده و بعضی دیگر را بوصف یا از روی نمونه خریده باشد و آن بعضی مطابق وصف یا نمونه نباشد میتواند تمام مبیع را رد کند یا تمام آنرا قبول نماید .

**ماده ۴۱۳ -** هرگاه یکی از متبایعین مالی را سابقاً دیده و با اعتماد رؤیت سابق معامله کند و بعد از رؤیت معلوم شود که مال مزبور اوصاف سابقه را ندارد اختیار فسخ خواهد داشت .

**ماده ۴۱۴ -** در بیع کلی خیار رؤیت نیست و بایعی باید جنسی بدهد که مطابق با اوصاف مقرره بین طرفین باشد .

**ماده ۴۱۵ -** خیار رؤیت و تخلف وصف بعد از رؤیت فوری است .

### ششم - در خیار غبن

**ماده ۴۱۶ -** هر يك از متعاملین که در معامله غبن فاحش داشته باشد بعد از علم بغبن میتواند معامله را فسخ کند .

**ماده ۴۱۷ -** اگر غبن بمقدار خمس قیمت یا بیشتر باشد فاحش است و در کمتر از مقدار مزبور در صورتی فاحش است که عرفاً قابل مسامحه نباشد .

**ماده ۴۱۸ -** اگر مغبون در حین معامله عالم بقیمت عادلانه بوده است خیار فسخ نخواهد داشت .

**ماده ۴۱۹ -** در تعیین مقدار غبن شرایط معامله نیز باید منظور گردد .

**ماده ۴۲۰ -** خیار غبن بعد از علم به غبن فوری است .

**ماده ۴۲۱ -** اگر کسی که طرف خود را مغبون کرده است تفاوت قیمت را بدهد خیار غبن ساقط نمیشود مگر اینکه مغبون به اخذ تفاوت قیمت راضی گردد .

### کتاب پنجم - در غایب مفقود الاثر

**ماده ۱۰۱۱ -** غایب مفقود الاثر کسی است که از غیبت او مدت بالنسبه مدیدی گذشته و از او بهیچوجه خبری نباشد .

**ماده ۱۰۱۲ -** اگر غایب مفقود الاثر برای اداره اموال خود تکلیفی معین نکرده باشد و کسی هم نباشد که قانوناً حق تصدی امور او را داشته باشد محکمه برای

### هفتم - در خیاریب

**ماده ۴۲۲ -** اگر بعد از معامله ظاهر شود که مبیع معیوب بوده مشتری مختار است در قبول مبیع معیوب یا اخذ ازش یا فسخ معامله .

**ماده ۴۲۳ -** خیاریب وقتی برای مشتری ثابت میشود که عیب مخفی و موجود درحین عقد باشد .

**ماده ۴۲۴ -** عیب وقتی مخفی محسوب است که مشتری در زمان بیع عالم بآن نبوده است اعم از اینکه این عدم علم ناشی از آن باشد که عیب واقعا مستور بوده است یا اینکه ظاهر بوده ولی مشتری ملتفت آن نشده است .

**ماده ۴۲۵ -** عیبی که بعد از بیع و قبل از قبض در مبیع حادث شود در حکم عیب سابق است .

**ماده ۴۲۶ -** تشخیص عیب بر حسب عرف و عادت میشود و بنابراین ممکن است بر حسب ازمنه و امکانه مختلف شود .

**ماده ۴۲۷ -** اگر در مورد ظهور عیب مشتری اختیار ازش کند تفاوتی که باید باو داده شود بطریق ذیل معین میگردد :

قیمت حقیقی مبیع در حال بیعیبی و قیمت حقیقی آن در حال معیوبی بتوسط اهل خبره معین شود . اگر قیمت آن در حال بیعیبی مساوی با قیمتی باشد که در زمان بیع بین طرفین مقرر شده است تفاوت بین این قیمت و قیمت مبیع در حال معیوبی مقدار ازش خواهد بود .

و اگر قیمت مبیع در حال بیعیبی کمتر یا زیادتر از ثمن معامله باشد نسبت بین قیمت مبیع در حال معیوبی و قیمت آن در حال بیعیبی معین شده و باید از ثمن مقرر بهمان نسبت نگاهداشته و بقیه را بعنوان ازش بمشتری رد کند .

**ماده ۴۲۸ -** در صورت اختلاف بین اهل خبره حد وسط قیمتها معتبر است .

**ماده ۴۲۹ -** در موارد ذیل مشتری نمیتواند بیع را فسخ کند و فقط میتواند ازش بگیرد :

اداره اموال او یکنفر امین معین میکند تقاضای تعیین امین فقط از طرف مدعی العموم و اشخاص ذی نفع در این امر قبول میشود .

**ماده ۱۰۱۳ -** محکمه میتواند از امینی که معین میکند تقاضای ضامن یا تضمینات دیگر نماید .

**ماده ۱۰۱۴ -** اگر یکی از وراثت غایب تضمینات کافیه بدهد محکمه نمیتواند

(۱) در صورت تلف شدن مبیع نزد مشتری یا منتقل کردن آن بغير .

(۲) در صورتی که تغییری در مبیع پیدا شود اعم از اینکه تغییر بفعل مشتری باشد یا نه .

(۳) در صورتیکه بعد از قبض مبیع عیب دیگری در آن حادث شود مگر اینکه در زمان خیار مختص بمشتری حادث شده باشد که در اینصورت مانع از فسخ و رد نیست .

**ماده ۴۳۰ -** اگر عیب حادث بعد از قبض در نتیجه عیب قدیم باشد مشتری حق رد را نیز خواهد داشت .

**ماده ۴۳۱ -** در صورتیکه در یک عقد چند چیز فروخته شود بدون اینکه قیمت هر یک علیحده معین شده باشد و بعضی از آنها معیوب در آید مشتری باید تمام آنرا رد کند و ثمن را مسترد دارد یا تمام را نگاهدارد و ارش بگیرد و تبعیض نمیتواند بکند مگر برضای بایع .

**ماده ۴۳۲ -** در صورتیکه در یک عقد بایع یک نفر و مشتری متعدد باشد و در مبیع عیبی ظاهر شود یکی از مشتریها نمیتواند سهم خود را بتنهائی رد کند و دیگری سهم خود را نگاه دارد مگر با رضای بایع و بنا بر این اگر در رد مبیع اتفاق نکرده اند فقط هر یک از آنها حق ارش خواهد داشت .

**ماده ۴۳۳ -** اگر در یک عقد بایع متعدد باشد مشتری میتواند سهم یکی را رد و دیگری را باخذ ارش قبول کند .

**ماده ۴۳۴ -** اگر ظاهر شود که مبیع معیوب اصلاً مالیت و قیمت نداشته بیع باطل است و اگر بعض مبیع قیمت نداشته باشد بیع نسبت بآن بعض باطل است و مشتری نسبت به باقی از جهت تبعض صفتها اختیار فسخ دارد .

**ماده ۴۳۵ -** خیار عیب بعد از علم بآن فوری است .

**ماده ۴۳۶ -** اگر بایع از عیوب مبیع تبری کرده باشد باینکه عهده عیوب را از خود سلب کرده یا باتمام عیوب بفروشد مشتری در صورت ظهور عیب حق رجوع به بایع نخواهد داشت و اگر بایع از عیب خاصی تبری کرده باشد فقط نسبت بهمان عیب حق مراجعه ندارد .

**ماده ۴۳۷ -** از حیث احکام عیب ثمن شخصی مثل مبیع شخصی است .

امین دیگری معین نماید و وارث مزبور باین سمت معین خواهد شد .  
**ماده ۱۰۱۵** - وظایف و مسئولیت های امینی که بموجب مواد قبل معین میگردد . همان است که برای قیم مقرر است .  
**ماده ۱۰۱۶** - هر گاه هم فوت و هم تاریخ فوت غایب مفقودالایر مسلم شود اموال او بین وراث موجود حین الموت تقسیم میگردد اگر چه يك یا چند نفر آنها

### هشتم - در خیار تدلیس

**ماده ۴۳۸** - تدلیس عبارت است از عملیاتی که موجب فریب طرف معامله شود .  
**ماده ۴۳۹** - اگر بایع تدلیس نموده باشد مشتری حق فسخ بیع را خواهد داشت و همچنین است بایع نسبت به ثمن شخصی در صورت تدلیس مشتری .  
**ماده ۴۴۰** - خیار تدلیس بعد از علم بآن فوری است .

### نهم - در خیار تبعض صفقه

**ماده ۴۴۱** - خیار تبعض صفقه وقتی حاصل میشود که عقد بیع نسبت به بعض مبیع بجهتی از جهات باطل باشد در اینصورت مشتری حق خواهد داشت بیع را فسخ نماید یا نسبت قسمتی که بیع واقع شده است قبول کند و نسبت بقسمتی که بیع باطل بوده است ثمن را استرداد کند .  
**ماده ۴۴۲** - در مورد تبعض صفقه قسمتی از ثمن که باید بمشتری برگردد بطریق ذیل حساب میشود : آن قسمت از مبیع که بملکیت مشتری قرار گرفته منفرداً قیمت میشود و هر نسبتی که بین قیمت مزبور و قیمتی که مجموع مبیع در حال اجتماع دارد پیدا شود بهمان نسبت از ثمن را بایع نگاهداشته و بقیه را باید بمشتری رد نماید .  
**ماده ۴۴۳** - تبعض صفقه وقتی موجب خیار است که مشتری در حین معامله عالم بآن نباشد ولی در هر حال ثمن تقسیم میشود .

### دهم - در خیار تخلف شرط

**ماده ۴۴۴** - احکام خیار تخلف شرط بطوری است که در مواد ۲۳۴ الی ۲۴۵ ذکر شده است .  
**فقره دوم - در احکام خیارات بطور کلی**  
**ماده ۴۴۵** - هر يك از خیارات بعد از فوت منتقل بوراث میشود .  
**ماده ۴۴۶** - خیار شرط ممکن است بقید مباشرت و اختصاص بشخص مشروطه قرار داده شود در این صورت منتقل بوراث نخواهد شد .

از تاریخ فوت غایب بیعد فوت کرده باشد .

**ماده ۱۰۱۷ -** اگر فوت غایب بدون تعیین تاریخ فوت ثابت گردد محکمه باید تاریخی را که فوت او در آن تاریخ محقق بوده معین کند در این صورت اموال غائب بین ورثاتی که در تاریخ مزبور موجود بوده اند تقسیم میشود .

**ماده ۱۰۱۸ -** مفاد ماده فوق در موردی نیز رعایت میگردد که حکم موت فرضی غایب صادر شود .

**ماده ۴۴۷ -** هرگاه شرط خیار برای شخصی غیر از متعاملین شده باشد منتقل بورثه نخواهد شد .

**ماده ۴۴۸ -** سقوط تمام یا بعضی از اختیارات را میتوان در ضمن عقد شرط نمود .

**ماده ۴۴۹ -** فسخ بهر لفظ یا فعلی که دلالت بر آن نماید حاصل میشود .

**ماده ۴۵۰ -** تصرفاتی که نوعاً کاشف از رضای معامله باشد امضای فعلی است مثل آنکه مشتری که خیار دارد با علم بخیار مبیع را بفروشد یا رهن بگذارد .

**ماده ۴۵۱ -** تصرفاتی که نوعاً کاشف از بهم زدن معامله باشد فسخ فعلی است .

**ماده ۴۵۲ -** اگر متعاملین هر دو خیار داشته باشند یکی از آنها امضا کند و دیگری فسخ نماید معامله منفسخ میشود .

**ماده ۴۵۳ -** در خیار مجلس و حیوان و شرط اگر مبیع بعد از تسلیم و در زمان خیار بائع یا متعاملین تلف یا ناقص شود برعهده مشتری است و اگر خیار مختص مشتری باشد تلف یا نقص بعهده بائع است .

**ماده ۴۵۴ -** هرگاه مشتری مبیع را اجازه داده باشد و بیع فسخ شود اجازه باطل نمیشود مگر اینکه عدم تصرفات ناقله درعین و منفعت بر مشتری صریحاً یا ضمناً شرط شده که در این صورت اجازه باطل است .

**ماده ۴۵۵ -** اگر پس از عقد بیع مشتری تمام یا قسمتی از مبیع را متعلق حق غیر قرار دهد مثل اینکه نزد کسی رهن گذارد فسخ معامله موجب زوال حق شخص مزبور نخواهد شد مگر اینکه شرط خلاف شده باشد .

**ماده ۴۵۶ -** تمام انواع خیار در جمیع معاملات لازمه ممکن است موجود باشد مگر خیار مجلس و حیوان و تأخیر ثمن که مخصوص بیع است .

**ماده ۴۵۷ -** هر بیع لازم است مگر اینکه یکی از اختیارات در آن ثابت شود .

**ماده ۱۰۱۹ -** حکم موت فرضی غایب در موردی صادر می شود که از تاریخ آخرین خبری که از حیات او رسیده است مدتی گذشته باشد که عادتاً چنین شخصی زنده نمی ماند.

**ماده ۱۰۲۰ -** موارد ذیل از جمله مواردی محسوب است که عادتاً شخص غایب زنده فرض نمیشود :

### فصل دوم - در بیع و شرط

**ماده ۴۵۸ -** در عقد بیع متعاملین میتوانند شرط نمایند که هر گاه بایع در مدت معینی تمام مثل ثمن را بیشتری رد کند خیار فسخ معامله را نسبت بتمام مبیع داشته باشد و همچنین میتوانند شرط کنند که هر گاه بعض مثل ثمن را رد کرد خیار فسخ معامله را نسبت بتمام یا بعض مبیع داشته باشد در هر حال حق خیار تابع قرار داد متعاملین خواهد بود و هر گاه نسبت بثلن قید تمام یا بعض نشده باشد خیار ثابت نخواهد بود مگر باری تمام ثمن.

**ماده ۴۵۹ -** در بیع شرط بمجرد عقد مبیع ملک مشتری میشود باقید خیار برای بایع بنابراین اگر بایع بشرایطی که بین او و مشتری برای استرداد مبیع مقرر شده است عمل ننماید بیع قطعی شده و مشتری مالک قطعی مبیع میگردد و اگر بالعکس بایع بشرایط مزبوره عمل ننماید و مبیع را استرداد کند از حین فسخ مبیع مال بایع خواهد شد ولی نماآت و منافع حاصله از حین عقد تاحین فسخ مال مشتری است.

**ماده ۴۶۰ -** در بیع شرط مشتری نمیتواند در مبیع تصرفی که منافی خیار باشد از قبیل نقل و انتقال و غیره بنماید.

**ماده ۴۶۱ -** اگر مشتری در زمان خیار از اخذ ثمن امتناع کند بایع میتواند با تسلیم ثمن بجا کم یا قائم مقام او معامله را فسخ کند.

**ماده ۴۶۲ -** اگر مبیع بشرط بواسطه فوت مشتری بورته او منتقل شود حق فسخ بیع در مقابل ورته بهمان ترتیبی که بوده است باقی خواهد بود.

**ماده ۴۶۳ -** اگر در بیع شرط معلوم شود که قصد بایع حقیقت بیع نبوده است احکام بیع در آن مجری نخواهد بود.

### فصل سوم - در معاوضه

**ماده ۴۶۴ -** معاوضه عقدی است که بموجب آن یکی از طرفین مالی میدهده بعوض مال دیگر که از

- ۱ - وقتی که ده سال تمام از تاریخ آخرین خبری که از حیات غایب رسیده است گذشته و در انقضاء مدت مزبور سن غایب از هفتاد و پنج سال گذشته باشد.
- ۲ - وقتی که یکنفر بعنوانی از عناوین جزء قشون مسلح بوده و در زمان جنگ مفقود و سه سال تمام از تاریخ انعقاد صلح بگذرد بدون اینکه خبری از او برسد هر گاه جنگ منتهی بانعقاد صلح نشده باشد مدت مزبور پنجسال از تاریخ ختم جنگ محسوب میشود.

طرف دیگر اخذ میکند بدون ملاحظه اینکه یکی از عوضین مبیع و دیگری ثمن باشد.

**ماده ۴۶۵ -** در معاوضه احکام خاصه بیع جاری نیست.

### فصل چهارم - در اجاره

**ماده ۴۶۶ -** اجاره عقدی است که بموجب آن مستأجر مالک منافع عین مستأجره میشود. اجاره دهنده را موجر و اجاره کننده را مستأجر و مورد اجاره را عین مستأجره گویند.

**ماده ۴۶۷ -** مورد اجاره ممکن است اشیاء یا حیوان یا انسان باشد.

### مبحث اول - در اجاره اشیاء

**ماده ۴۶۸ -** در اجاره اشیاء مدت اجاره باید معین شود والا اجاره باطل است.

**ماده ۴۶۹ -** مدت اجاره از روزی شروع میشود که بین طرفین مقرر شده است و اگر در عقد اجاره ابتدای مدت ذکر نشده باشد از وقت عقد محسوب است.

**ماده ۴۷۰ -** در صحت اجاره قدرت بر تسلیم عین مستأجره شرط است.

**ماده ۴۷۱ -** برای صحت اجاره باید انتفاع از عین مستأجره باقیه اصل آن ممکن باشد.

**ماده ۴۷۲ -** عین مستأجره باید معین باشد و اجاره عین مجهول یا مردد باطل است.

**ماده ۴۷۳ -** لازم نیست که موجر مالک عین مستأجره باشد ولی باید مالک منافع آن باشد.

**ماده ۴۷۴ -** مستأجر میتواند عین مستأجره را بدیگری اجاره بدهد مگر اینکه در عقد اجاره خلاف آن شرط شده باشد.

**ماده ۴۷۵ -** اجاره مال مشاع جائز است لیکن تسلیم عین مستأجره موقوف است باذن شریک.

**ماده ۴۷۶ -** موجر باید عین مستأجره را تسلیم مستأجر کند و در صورت امتناع موجر اجبار میشود و در صورت تعذر اجبار مستأجر خیار فسخ دارد.

**ماده ۴۷۷ -** موجر باید عین مستأجره را در حالتی تسلیم نماید که مستأجر بتواند استفاده مطلوبه از آنرا بکند.



۳ - وقتی که یکمفر حین سفر بحری در کشتی بوده که آن کشتی در آن مسافرت تلف شده است سه سال تمام از تاریخ تلف شدن کشتی گذشته باشد بدون اینکه از آن مسافر خبری برسد .

**ماده ۱۰۲۱ -** در مورد فقره اخیر ماده قبل اگر با انقضاء مدت‌های ذیل که مبداء آن از روز حرکت کشتی محسوب میشود کشتی بمقصد نرسیده باشد و در صورت

**ماده ۴۷۸ -** هر گاه معلوم شود عین مستأجره در حال اجاره معیوب بوده مستأجر میتواند اجاره را فسخ کند یا بهمان نحوی که بوده است اجاره را باتمام اجرت قبول کند ولی اگر موجر رفع عیب کند بنحوی که بمستأجر ضرری نرسد مستأجر حق فسخ ندارد .

**ماده ۴۷۹ -** عیبی که موجب فسخ اجاره میشود عیبی است که موجب نقصان منفعت یا صعوبت در انتفاع باشد .

**ماده ۴۸۰ -** عیبی که بعد از عقد وقبل از قبض منفعت در عین مستأجره حادث شود موجب خیار است و اگر عیب در اثناء مدت اجاره حادث شود نسبت ببقیه مدت خیار ثابت است .

**ماده ۴۸۱ -** هر گاه عین مستأجره بواسطه عیب از قابلیت انتفاع خارج شده و نتوان رفع عیب نمود اجاره باطل میشود .

**ماده ۴۸۲ -** اگر مورد اجاره عین کلی باشد و فردی که موجر داده معیوب در آید مستأجر حق فسخ ندارد و میتواند موجر را مجبور بتبدیل آن نماید و اگر تبدیل آن ممکن نباشد حق فسخ خواهد داشت .

**ماده ۴۸۳ -** اگر در مدت اجاره عین مستأجره بواسطه حادثه کلاً یا بعضاً تلف شود از زمان تلف نسبت بمقدار تلف شده منفسخ میشود و در صورت تلف بعض آن مستأجر حق دارد اجاره را نسبت ببقیه فسخ کند یا فقط مطالبه تقلیل نسبی مال الاجاره نماید .

**ماده ۴۸۴ -** موجر نمیتواند در مدت اجاره در عین مستأجره تغییری دهد که منافی مقصود مستأجر از استیجار باشد .

**ماده ۴۸۵ -** اگر در مدت اجاره در عین مستأجره تعمیراتی لازم آید که تأخیر در آن موجب ضرر موجر باشد مستأجر نمیتواند مانع تعمیرات مزبوره گردد اگرچه در مدت تمام یا قسمتی از زمان تعمیر نتواند از عین مستأجره کلاً یا بعضاً استفاده نماید در اینصورت حق فسخ اجاره را خواهد داشت .

**ماده ۴۸۶ -** تعمیرات و کلیه مخارجی که در عین مستأجره برای امکان انتفاع از آن لازم است بعهده

حرکت بدون مقصد به بندری که از آنجا حرکت کرده بر نگاشته و از وجود آن بهیچوجه خبری نباشد کشتی تلف شده محسوب میشود:

**الف -** برای مسافرت در بحر خزر و داخل خلیج فارس یکسال .

**ب -** برای مسافرت در بحر عمان - اقیانوس هند - بحر احمر - بحر سفید ( مدیترانه ) - بحر سیاه و بحر آزوف دو سال .

مالك است مگر آنکه شرط خلاف شده یا عرف بلد برخلاف آن جاری باشد همچنین است آلات و ادواتی که برای امکان انتفاع از عین مستأجره لازم میباشد .

**ماده ۴۸۷ -** هرگاه مستأجر نسبت به عین مستأجره تعدی یا تفریط نماید و موجر قادر بر منع آن نباشد موجر حق فسخ دارد .

**ماده ۴۸۸ -** اگر شخص ثالثی بدون ادعای حقی در عین مستأجره یا منافع آن مزاحم مستأجر گردد در صورتیکه قبل از قبض باشد مستأجر حق فسخ دارد و اگر فسخ ننمود میتواند برای رفع مزاحمت و مطالبه اجرت المثل بخود مزاحم رجوع کند و اگر مزاحمت بعد از قبض واقع شود حق فسخ ندارد و فقط میتواند بمزاحم رجوع کند .

**ماده ۴۸۹ -** اگر شخصی که مزاحمت مینماید مدعی حق نسبت به عین مستأجره یا منافع آن باشد مزاحم نمیتواند عین مزبور را از ید مستأجر انتزاع نماید مگر بعد از اثبات حق با طرفیت مالك و مستأجر هر دو .

**ماده ۴۹۰ -** مستأجر باید : اولاً - در استعمال عین مستأجره بشجو متعارف رفتار کرده و تعدی یا تفریط نکند .

ثانیاً - عین مستأجره برای همان مصرفی که در اجاره مقرر شده و در صورت عدم تعیین در منافع مقصوده که از اوضاع و احوال استنباط میشود استعمال نماید .

ثالثاً - مال الاجاره را در مواعیدی که بین طرفین مقرر است تأدیه کند و در صورت عدم تعیین موعده تقدماً باید بپردازد .

**ماده ۴۹۱ -** اگر منفعتی که در اجاره تعیین شده است بخصوصیت آن منظور نبوده مستأجر میتواند استفاده منفعتی کند که از حیث ضرر مساوی یا کمتر از منفعت معینه باشد .

**ماده ۴۹۲ -** اگر مستأجر عین مستأجره را در غیر موردی که در اجاره ذکر شده باشد یا از اوضاع و احوال استنباط میشود استعمال کند و منع آن ممکن نباشد موجر حق فسخ اجاره را خواهد داشت .

ج - برای مسافرت در سایر بچارسه سال .

**ماده ۱۰۲۳ -** اگر کسی در نتیجه واقعه ای بغیر آنچه در فقره ۲ و ۳ ماده ۱۰۲۰ مذکور است دچار خطر مرگ گشته و مفقود شده و یا در طیاره بوده و طیاره مفقود شده باشد وقتی میتوان حکم موت فرضی او را صادر نمود که پنجسال از تاریخ دچار شدن بخطر مرگ بگذرد بدون اینکه خبری از حیات مفقود رسیده باشد .

**ماده ۴۹۳ -** مستأجر نسبت بعین مستأجره ضامن نیست باین معنی که اگر عین مستأجره بدون تفریط یا تعدی او کلاً یا بعضاً تلف شود مسئول نخواهد بود ولی اگر مستأجر تفریط یا تعدی نماید ضامن است اگر چه نقص در نتیجه تفریط یا تعدی حاصل نشده باشد .

**ماده ۴۹۴ -** عقد اجاره بمحض انقضاء مدت برطرف میشود و اگر پس از انقضاء آن مستأجر عین مستأجره را بدون اذن مالک مدتی در تصرف خود نگاه دارد موجر برای مدت مزبور مستحق اجرت المثل خواهد بود اگر چه مستأجر استیفاء منفعت نکرده باشد و اگر با اجازه مالک در تصرف نگاه دارد وقتی باید اجرت المثل بدهد که استیفاء منفعت کرده باشد مگر اینکه مالک اجازه داده باشد که مجاناً استفاده نماید .

**ماده ۴۹۵ -** اگر برای تأدیه مال الاجاره ضامنی داده شده باشد ضامن مسئول اجرت المثل مذکور در ماده فوق نخواهد بود .

**ماده ۴۹۶ -** عقد اجاره بواسطه تلف شدن عین مستأجره از تاریخ تلف باطل میشود ونسبت بتخلف از شرایطی که بین موجر و مستأجر مقرر است خیار فسخ از تاریخ تخلف ثابت میگردد .

**ماده ۴۹۷ -** عقد اجاره بواسطه فوت موجر یا مستأجر باطل نمیشود ولیکن اگر موجر فقط برای مدت عمر خود مالک منافع عین مستأجره بوده است اجاره بقوت موجر باطل میشود اگر شرط مباشرت مستأجر شده باشد بقوت مستأجر باطل میگردد .

**ماده ۴۹۸ -** اگر عین مستأجره بدیگری منتقل شود اجاره بحال خود باقی است مگر اینکه موجر حق فسخ در صورت نقل را برای خود شرط کرده باشد .

**ماده ۴۹۹ -** هرگاه متولی با ملاحظه صرفه وقت مال موقوفه را اجاره دهد اجاره بقوت او باطل نمیکردد .

**ماده ۵۰۰ -** در بیع شرط مشتری میتواند مبیع را برای مدتی که با بیع حق خیار ندارد اجاره دهد و اگر اجاره منافی باخیار بیع باشد بوسیله جعل خیار یا نحو آن حق بیع را محفوظ دارد و الا اجاره تاحدی که منافی با حق بیع باشد باطل خواهد بود .

**ماده ۱۰۲۳ -** در مورد مواد ۱۰۲۰ و ۱۰۲۱ و ۱۰۲۲ محکمه وقتی میتواند حکم موت فرضی غایب را صادر نماید که در یکی از جزایر محل و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار طهران اعلانی در سه دفعه متوالی هر کدام بفاصله یکماه منتشر کرده و اشخاصی را که ممکن است از غایب خبری داشته باشند دعوت نماید که اگر خبر دارند با اطلاع محکمه برسانند. هر گاه یکسال از تاریخ اولین اعلان بگذرد و حیات

**ماده ۵۰۱ -** اگر در عقد اجاره مدت بطور صریح ذکر نشده و مال الاجاره هم از قرار روز یا ماه یا سالی فلان مبلغ معین شده باشد اجاره برای یکروز یا یکماه یا یکسال صحیح خواهد بود و اگر مستأجر عین مستأجره را بیش از مدت‌های مزبوره در تصرف خود نگاه دارد و موجر هم تخلیه بد او را نخواهد مودر بموجب مراضات حاصله برای بقیه مدت و بنسبت زمان تصرف مستحق اجرت مقرر بین طرفین خواهد بود.

**ماده ۵۰۲ -** اگر مستأجر در عین مستأجره بدون اذن موجر تعمیراتی نماید حق مطالبه قیمت آنرا نخواهد داشت.

**ماده ۵۰۳ -** هر گاه مستأجر بدون اجازه موجر در خانه یا زمینی که اجاره کرده بنا یا غرس اشجار کند هر يك از موجر و مستأجر حق دارد هر وقت بخواهد بنا را خراب یا درخت را قطع نماید در اینصورت اگر در عین مستأجره نقضی حاصل شود برعهده مستأجر است.

**ماده ۵۰۴ -** هر گاه مستأجر بموجب عقد اجاره مجاز در بنا یا غرس بوده موجر نمیتواند مستأجر را بخراب کردن یا کندن آن اجبار کند و بعد از انقضای مدت اگر بنا یا درخت در تصرف مستأجر باقی بماند موجر حق مطالبه اجرت المثل زمین را خواهد داشت و اگر در تصرف موجر باشد مستأجر حق مطالبه اجرت المثل بنا یا درخت را خواهد داشت.

**ماده ۵۰۵ -** اقساط مال الاجاره که بعلت نرسیدن موعد پرداخت آن بر ذمه مستأجر مستقر نشده است بموت او حاصل نمیشود.

**ماده ۵۰۶ -** در اجاره عقار آفت زراعت از هر قبیل که باشد بعهده مستأجر است مگر اینکه در عقد اجاره طور دیگر شرط شده باشد.

### مبحث دوم - در اجاره حیوانات

**ماده ۵۰۷ -** در اجاره حیوان تعیین منفعت یا بتعیین مدت اجاره است یا به بیان مسافت و محلی که را کب یا محمول باید بآنجا حمل شود.

**ماده ۵۰۸ -** در موردی که منفعت به بیان مدت اجاره معلوم شود تعیین را کب یا محمول لازم نیست

غایب ثابت نشود حکم موت فرضی او داده میشود .

**ماده ۱۰۲۴ -** اگر اشخاص متعدد در يك حادثه تلف شوند فرض بر این میشود که همه آنها در آن واحد مرده اند .  
مفاد این ماده مانع از اجراء مقررات مواد ۸۷۳ و ۸۷۴ جلد اول این قانون نخواهد بود .

ولی مستأجر نمیتواند زیاده بر مقدار متعارف حمل کند و اگر منفعت به بیان مسافت و محل معین شده باشد تعیین را کب یا محمول لازم است .

**ماده ۵۰۹ -** در اجاره حیوان ممکن است شرط شود که اگر موجر در وقت معین محمول را بمقصد نرساند مقدار معینی از مال الاجاره کم شود .

**ماده ۵۱۰ -** در اجاره حیوان لازم نیست که عین مستأجره حیوان معینی باشد بلکه تعیین آن بنوع معینی کافی خواهد بود .

**ماده ۵۱۱ -** حیوانی که مورد اجاره است باید برای همان مقصودی استعمال شود که قصد طرفین بوده است بنابراین حیوانی که برای سواری اجاره شده است نمیتوان برای بارکشی استعمال نمود .

### مبحث سوم - در اجاره اشخاص

**ماده ۵۱۲ -** در اجاره اشخاص کسی که اجاره میکنند مستأجر و کسی که مورد اجاره واقع میشود اجیر و مال الاجاره اجرت نامیده میشود .

**ماده ۵۱۳ -** اقسام عمده اجاره اشخاص از قرار ذیل است :

- ۱ - اجاره خدمه و کارگران از هر قبیل .
- ۲ - اجاره متصدیان حمل و نقل اشخاص یا مال التجاره اعم از راه خشکی یا آب یا هوا .

### فقره اول - در اجاره خدمه و کارگر

**ماده ۵۱۴ -** خادم یا کارگر نمیتواند اجیر شود مگر برای مدت معینی یا برای انجام امر معینی .

**ماده ۵۱۵ -** اگر کسی بدون تعیین انتهای مدت اجیر شود مدت اجاره محدود خواهد بود بمدتی که مزد از قرار آن معین شده است بنا بر این اگر مزد اجیر از قرار روز یا هفته یا ماه یا سالی فلان مبلغ معین شده باشد مدت اجاره محدود بیک روز یا یک هفته یا یکماه یا یکسال خواهد بود و پس از انقضاء مدت مزبور اجاره برطرف میشود ولی اگر پس از انقضاء مدت اجیر بخدمت خود دوام دهد و موجر او را نگاه دارد اجیر نظر بمراضات حاصله بهمانطوریکه در زمان اجاره بین او و موجر مقرر بود مستحق اجرت خواهد شد .

**ماده ۱۰۲۵ -** وراثت غایب مقفود الاثر میتواند قبل از صدور حکم موت فرضی او نیز از محکمه تقاضا نمایند که دارائی او را بتصرف آنها بدهد مشروط بر اینکه اولاً غائب مزبور کسی را برای اداره کردن اموال خود معین نکرده باشد و ثانیاً دو سال تمام از آخرین خبر غایب گذشته باشد بدون اینکه حیات یا ممات او

### فقره دوم - در اجاره متصدی حمل و نقل

**ماده ۵۱۶ -** تمهیدات متصدیان حمل و نقل اعم از اینکه از راه خشکی یا آب یا هوا باشد برای حفاظت و نگاهداری اشیائی که بآنها سپرده میشود همان است که برای امانت داران مقررات بنا بر این در صورت تفریط یا تعدی مسئول تلف یا ضایع شدن اشیائی خواهند بود که برای حمل بآنها داده میشود و این مسئولیت از تاریخ تحویل اشیاء به آنان خواهد بود .

**ماده ۵۱۷ -** مفاد ماده ۵۰۹ در مورد متصدیان حمل و نقل نیز مجری خواهد بود .

### فصل پنجم - در مزارعه و مساقات

#### مبحث اول - در مزارعه

**ماده ۵۱۸ -** مزارعه عقدی است که بموجب آن احد طرفین زمینی را برای مدت معینی بطرف دیگر میدهد که آنرا زراعت کرده و حاصل را تقسیم کنند .

**ماده ۵۱۹ -** در عقد مزارعه حصه هر یک از مزارع و عامل باید بنحو اشاعه از قبیل ربع یا ثلث یا نصف و غیره معین گردد و اگر بنحو دیگر باشد احکام مزارعه جاری نخواهد شد .

**ماده ۵۲۰ -** در مزارعه جائز است شرط شود که یکی از دو طرف علاوه بر حصه از حاصل مال دیگری نیز بطرف مقابل بدهد .

**ماده ۵۲۱ -** در عقد مزارعه ممکن است هر یک از بندر و عوامل مال مزارع باشد یا عامل در این صورت نیز حصه مشاع هر یک از طرفین بر طبق قرارداد یا عرف بلد خواهد بود .

**ماده ۵۲۲ -** در عقد مزارعه لازم نیست که متصرف زمین مالک آنها باشد ولی لازم است که مالک منافع بوده باشد یا بعنوانی از عنوانین از قبیل ولایت و غیره حق تصرف در آنها داشته باشد .

**ماده ۵۲۳ -** زمینی که مورد مزارعه است باید برای زرع مقصود قابل باشد اگر چه محتاج به اصلاح یا تحصیل آب باشد و اگر زرع محتاج به عملیاتی باشد از قبیل حفر نهر یا چاه و غیره و در حین عقد جاهل بآن بوده باشد حق فسخ معامله را خواهد داشت .

**ماده ۵۲۴ -** نوع زرع باید در عقد مزارعه معین باشد مگر اینکه بر حسب عرف بلد معلوم و یا عقد

معلوم باشد. در مورد این ماده رعایت ماده ۱۰۲۳ راجع باعلان مدت یکسال حتمی است.

**ماده ۱۰۲۶** - در مورد ماده قبل وراثت باید ضامن و یا تضمینات کافیه دیگر بدهند تا در صورت مراجعت غایب و یا در صورتیکه اشخاص ثالث حقی بر اموال او داشته باشند از عهده اموال و یا حق اشخاص ثالث بر آیند تضمینات مزبور تا موقع صدور حکم موت فرضی غائب باقی خواهد بود.

برای مطلق زراعت بوده باشد در صورت اخیر عامل در اختیار نوع زراعت مختار خواهد بود.

**ماده ۵۲۵** - عقد مزارعه عقدی است لازم.

**ماده ۵۲۶** - هر يك از مالك عامل و مزارع میتواند در صورت غبن معامله را فسخ کند.

**ماده ۵۲۷** - هر گاه زمین بواسطه فقدان آب یا علل دیگر از این قبیل از قابلیت انتفاع خارج شود و رفع مانع ممکن نباشد عقد مزارعه منفسخ میشود.

**ماده ۵۲۸** - اگر شخص ثالثی قبل از اینکه زمین مورد مزارعه تسلیم عامل شود آنرا غصب کند عامل مختار بر فسخ میشود ولی اگر غصب بعد از تسلیم واقع شود حق فسخ ندارد.

**ماده ۵۲۹** - عقد مزارعه بفوت متعاملین یا احد آنها باطل نمیشود مگر اینکه مباشرت عامل شرط شده باشد در اینصورت بفوت او منفسخ میشود.

**ماده ۵۳۰** - هر گاه کسی ب مدت عمر خود مالك منافع زمینی بوده و آنرا بمزارعه داده باشد عقد مزارعه بفوت او منفسخ میشود.

**ماده ۵۳۱** - بعد از ظهور ثمره زرع عامل مالك حصه خود از آن میشود.

**ماده ۵۳۲** - در عقد مزارعه اگر شرط شود که تمام ثمره مال مزارع یا عامل تنها باشد عقد باطل است.

**ماده ۵۳۳** - اگر عقد مزارعه بعلتی باطل شود تمام حاصل مال صاحب بذر است و طرف دیگر که مالك زمین یا آب یا صاحب عمل بوده است بنسبت آنچه که مالك بوده مستحق اجرت المثل خواهد بود. اگر بذر مشترك بین مزارع و عامل باشد حاصل و اجرت المثل نیز بنسبت بذر بین آنها تقسیم میشود.

**ماده ۵۳۴** - هر گاه عامل در اثناء یا در ابتداء عمل آنرا ترك کند و کسی نباشد که عمل را بجای او انجام دهد حاکم بتقاضای مزارع عامل را اجبار بانجام میکند و با عمل را بذرج عامل ادامه میدهد و در صورت عدم امکان مزارع حق فسخ دارد.

**ماده ۱۰۲۷** - بعد از صدور حکم فوت فرضی نیز اگر غایب پیدا شود کسانیکه اموال او را بعنوان وراثت تصرف کرده‌اند باید آنچه را که از اعیان یا عوض و یا منافع اموال مزبور حین پیدا شدن غایب موجود میباشد مسترد دارند .

**ماده ۱۰۲۸** - امینی که برای اداره کردن اموال غایب مفقودالثر معین میشود باید نفقه زوجه دائم یا منقطع که مدت او نگذشته و نفقه او را زوج تعهد کرده

**ماده ۵۳۵** - اگر عامل زراعت نکند و مدت منقضی شود مزارع مستحق اجرت المثل است .  
**ماده ۵۳۶** هر گاه عامل بطور متعارف مواظبت در زراعت ننماید و از این حیث حاصل کم شود یا ضرر دیگر متوجه مزارع گردد عامل ضامن تفاوت خواهد بود .

**ماده ۵۳۷** - هر گاه در عقد مزارعه زرع معینی قید شده باشد و عامل غیر آنرا زرع نماید مزارعه باطل و بر طبق ماده ۵۳۳ رفتار میشود .

**ماده ۵۳۸** - هر گاه مزارعه در اثناء مدت قبل از ظهور ثمره فسخ شود حاصل مال مالك بدر است و طرف دیگر مستحق اجرت المثل خواهد بود .

**ماده ۵۳۹** - هر گاه مزارعه بعد از ظهور ثمره فسخ شود هر يك از مزارع و عامل بنسبتی که بین آنها مقرر بوده شريك در ثمره هستند لیکن از تاریخ فسخ تا برداشت حاصل هر يك بأخذ اجرت المثل زمین و عمل و سایر مصالح الاملاك خود که بخصه مقرر بطرف دیگر تعلق میگردد مستحق خواهد بود .  
**ماده ۵۴۰** - هر گاه مدت مزارعه منقضی شود و اتفاقاً زرع نرسیده باشد مزارع حق دارد که زراعت را ازاله کند یا آنرا بأخذ اجرت المثل ابقاء نماید .

**ماده ۵۴۱** - عامل میتواند برای زراعت اجیر بگیرد یا با دیگری شریک شود ولی برای انتقال معامله یا تسلیم زمین بدیگری رضای مزارع لازم است .

**ماده ۵۴۲** - خراج زمین بهنده مالك است مگر اینکه خلاف آن شرط شده باشد سایر مخارج زمین بر حسب تعیین طرفین یا متعارف است .

### مبحث دوم - در مساقات

**ماده ۵۴۳** - مساقات معامله ایست که بین صاحب درخت و امثال آن یا عامل در مقابل حصه مشاع معین از ثمره واقع میشود و ثمره اعم است از میوه و برک و گل و غیر آن .



باشد و اولاد غایب را از دارائی غایب تأدیه نماید در صورت اختلاف در میزان نفقه تعیین آن بعهده محکمه است.

**ماده ۱۰۲۹** - هر گاه شخصی چهار سال تمام غایب مفقود الاثر باشد زن او میتواند تقاضای طلاق کند در این صورت با رعایت ماده ۱۰۲۳ حاکم او را طلاق میدهد.

**ماده ۵۴۴** - در هر مورد که مسافات باطل باشد یا نسخ شود تمام ثمره مال مالک است و عامل مستحق اجرت المثل خواهد بود.

**ماده ۵۴۵** - مقررات راجعه بزارعه که در بحث قبل ذکر شده است در مورد عقد مساقات نیز مرعی خواهد بود مگر اینکه عامل نمیتواند بدون اجازه مالک معامله را بدیگری واگذار یا با دیگری شرکت نماید.

### فصل ششم - در مضاربه

**ماده ۵۴۶** - مضاربه عقدی است که بموجب آن احد متعاملین سرمایه میدهد با قید اینکه طرف دیگر با آن تجارت کرده و در سود آن شریک باشند صاحب سرمایه مالک و عامل مضارب نامیده میشود.

**ماده ۵۴۷** - سرمایه باید وجه نقد باشد.

**ماده ۵۴۸** - حصه هر یک از مالک و مضارب در منافع باید جزء مشاع از کل از قبیل ربع یا ثلث و غیره باشد.

**ماده ۵۴۹** - حصه‌های مزبوره در ماده فوق باید در عقد مضاربه معین شود مگر اینکه در عرف منجزاً معلوم بوده و سکوت در عقد منصرف بآن گردد.

**ماده ۵۵۰** - مضاربه عقدی است جائز.

**ماده ۵۵۱** - عقد مضاربه بیکی از علل ذیل منفسخ میشود:

(۱) در صورت موت یا جنون یا سقه احد طرفین.

(۲) در صورت مفلس شدن مالک.

(۳) در صورت تلف شدن تمام سرمایه و ربح.

(۴) در صورت عدم امکان تجارتیکه منظور طرفین بوده.

**ماده ۵۵۲** - هر گاه در مضاربه برای تجارت مدت معین شده باشد تعیین مدت موجب لزوم عقد نمیشود

**ماده ۱۰۳۰** - اگر شخص غائب پس از وقوع طلاق و قبل از انقضاء مدت عدّه مراجعت نماید نسبت بطلاق حق رجوع دارد ولی بعد از انقضاء مدت مزبور حق رجوع ندارد.

## کتاب ششم

### در قرابت

**ماده ۱۰۳۱** - قرابت بر دو قسم است قرابت نسبی و قرابت سببی .

**ماده ۱۰۳۲** - قرابت نسبی بترتیب طبقات ذیل است :

لیکن پس از انقضاء مدت مضارب نمیتواند معامله بکند مگر با اجازه جدید مالک .

**ماده ۵۵۳** - در صورتیکه مضاربه مطلق باشد یعنی تجارت خاصی شرط نشده باشد عامل میتواند هر قسم تجارتی را که صلاح بداند بنماید ولی در طرز تجارت باید متعارف را رعایت کند .  
**ماده ۵۵۴** - مضارب نمیتواند نسبت بهمان سرمایه با دیگری مضاربه کند یا آن را بقیار واگذار نماید مگر با اجازه مالک .

**ماده ۵۵۵** - مضاربه باید اعمالی را که برای نوع تجارت متعارف و معمول بلد و زمان است بجا آورد ولی اگر اعمالی را که بر طبق عرف بایستی باجیر رجوع کند خود شخصاً انجام دهد مستحق اجرت آن نخواهد بود .

**ماده ۵۵۶** - مضارب در حکم امین است و ضامن مال مضاربه نمیشود مگر در صورت تفریط یا تعدی .

**ماده ۵۵۷** - اگر کسی مالی برای تجارت بدهد و قرار گذارد که تمام منافع مال مالک باشد در اینصورت معامله مضاربه محسوب نمیشود و عامل مستحق اجرت المثل خواهد بود مگر اینکه معلوم شود که عامل عمل را تبرعاً انجام داده است .

**ماده ۵۵۸** - اگر شرط شود که مضارب ضامن سرمایه خواهد بود و یا خسارات حاصله از تجارت متوجه مالک نخواهد شد عقد باطل است مگر اینکه بطور لزوم شرط شده باشد که مضارب از مال خود بمقدار خسارت یا تلف مجاناً بمالک تملیک کند .

طبقه اول - پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد .  
 طبقه دوم - اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها .  
 طبقه سوم - اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آنها .  
 در هر طبقه در جات قرب و بعد قرابت نسبی بعده نسلها در آن طبقه معین میگردد مثلاً در طبقه اول قرابت پدر و مادر با اولاد در درجه اول و نسبت با اولاد

**ماده ۵۵۹** - در حساب جاری یا حساب به مدت ممکن است با رعایت شرط قسمت اخیر ماده قبل احکام مضاربه جاری و حق المضاربه بآن تعلق بگیرد .  
**ماده ۵۶۰** - بغیر از آنکه فوقاً مذکور شد مضاربه تابع شرایط و مقرراتی است که بموجب عقد بین طرفین مقرر است .

### فصل هفتم - در جعاله

**ماده ۵۶۱** - جعاله عبارت است از التزام شخصی باده اجرت معلوم در مقابل عملی اعم از اینکه طرف معین باشد یا غیر معین .

**ماده ۵۶۲** - در جعاله ملتزم را جاعل و طرف را عامل و اجرت را جعل میگویند .

**ماده ۵۶۳** - در جعاله معلوم بودن اجرت من جمیع الجهات لازم نیست بنابراین اگر کسی ملتزم شود که هر کس کم شده او را پیدا کند حصه مشاع معینی از آن مال او خواهد بود جعاله صحیح است .  
**ماده ۵۶۴** - در جعاله گذشته از عدم لزوم تعیین عامل ممکن است عمل هم مرود و کیفیات آن نا معلوم باشد .

**ماده ۵۶۵** - جعاله تعهدی است جائز و مادامی که عمل با تمام نرسیده است هر یک از طرفین میتوانند رجوع کنند ولی اگر جاعل در اثناء عمل رجوع نماید باید اجرت المثل عمل عامل را بدهد .  
**ماده ۵۶۶** - هر گاه در جعاله عمل دارای اجزاء متعدد بوده و هر یک از اجزاء مقصود بالاتصاله جاعل بوده باشد و جعاله فسخ گردد عامل از اجرت المسمی بنسبت عملی که کرده است مستحق خواهد بود اعم از اینکه فسخ از طرف جاعل باشد یا از طرف خود عامل .

**ماده ۵۶۷** - عامل وقتی مستحق جعل میگردد که متعلق جعاله را تسلیم کرده یا انجام داده باشد .

اولاد در درجه دوم خواهد بود و هکذا در طبقه دوم قرابت برادر و خواهر و جد و جدو در درجه اول از طبقه دوم و اولاد برادر و خواهر و جد پدر در درجه دوم از طبقه دوم خواهد بود و در طبقه سوم قرابت عمو و دایی و عمه و خاله در درجه اول از طبقه سوم و درجه اولاد آنها در درجه دوم از آن طبقه است .

ماده ۱۰۳۳ - هر کس در هر خط و بهر درجه که با يك نفر قرابت نسبی داشته

ماده ۵۶۸ - اگر عاملین متعدد بشرکت هم عمل را انجام دهند هر يك بنسبت مقدار عمل خود مستحق جعل میگردد .

ماده ۵۶۹ - مالی که جماله برای آن واقع شده است از وقتی که بدست عامل میرسد تابع جامل رد کند در دست او امانت است .

ماده ۵۷۰ - جماله بر عمل نامشروع و یا بر عمل غیر مقلانی باطل است .

### فصل هشتم - در شرکت مبحث اول - در احکام شرکت

ماده ۵۷۱ - شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شپشی واحد بنحواشاعه .

ماده ۵۷۲ - شرکت اختیاری است یا قهری .

ماده ۵۷۳ - شرکت اختیاری یا در نتیجه عقدی از عقود حاصل میشود یا در نتیجه عمل شرکاء از قبیل مزج اختیاری یا قبول مالی مشاعاً در ازاء عمل چند نفر ونحو اینها .

ماده ۵۷۴ - شرکت قهری اجتماع حقوق مالکین است که در نتیجه امتزاج یا ارث حاصل میشود .

ماده ۵۷۵ - هر يك از شرکاء بنسبت سهم خود در نفع و ضرر سهم میباشد مگر اینکه برای يکے یا چند نفر از آنها در مقابل عملی سهم زیادتری منظور شده باشد .

ماده ۵۷۶ - طرز اداره کردن اموال مشترك تابع شرایط مقررہ بین شرکاء خواهد برد .

ماده ۵۷۷ - شریکی که در ضمن عقد با اداره کردن اموال مشترك مأذون شده است میتواند هر عملی را که لازمه اداره کردن است انجام دهد و بهیچوجه مسئول خسارات حاصله از اعمال خود نخواهد بود مگر در صورت تقریط یا تعدی .

باشد در همان خط و بهمان درجه قرابت سببی بازوج یا زوج او خواهد داشت بنابراین پدر و مادر زن يك مرد اقبای درجه اول آن مرد و برادر و خواهر شوهر يك زن از اقبای سببی درجه دوم آن زن خواهند بود.

## کتاب هفتم - در نکاح و طلاق

### باب اول - در نکاح

#### فصل اول

#### در خواستگاری

**ماده ۱۰۳۴ -** هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد میتوان خواستگاری

نمود.

**ماده ۵۷۸ -** شرکاء همه وقت میتوانند از اذن خود رجوع کنند مگر اینکه اذن در ضمن عقد لازم داده شده باشد که در اینصورت مادام که شرکت باقی است حق رجوع ندارند.

**ماده ۵۷۹ -** اگر اداره کردن شرکت بهمه شرکاء متمدد باشد بنجوی که هر يك بطور استقلال مأذون در اقدام باشد هر يك از آنها میتواند منفرداً با عمالی که برای اداره کردن لازم است اقدام کند.

**ماده ۵۸۰ -** اگر بین شرکاء مقرر شده باشد که یکی از مدیران نمیتواند بدون دیگری اقدام کند مدیری که بتنهائی اقدام کرده باشد در صورت عدم امضاء شرکاء دیگر در مقابل شرکاء ضامن خواهد بود اگرچه برای مأذونین دیگر امکان فعلی برای مداخله در امر اداره کردن موجود نبوده باشد.

**ماده ۵۸۱ -** تصرفات هر يك از شرکاء در صورتیکه بدون اذن یا خارج از حدود اذن باشد فضولی بوده و تابع مقررات معاملات فضولی خواهد بود.

**ماده ۵۸۲ -** شریکی که بدون اذن یا در خارج از حدود اذن تصرف در اموال شرکت نماید ضامن است.

**ماده ۱۰۳۴** - وعده ازدواج ایجاد علقه زوجیت نمیکنند اگرچه تمام یا قسمتی از مهریه که بین طرفین برای موقع ازدواج مقرر گردیده پرداخته شده باشد بنا بر این هر يك از زن و مرد مادام که عقد نکاح جاری نشده میتواند از وصالت امتناع کند و طرف دیگر نمیتواند بهیچوجه او را مجبور بازدواج کرده و یا از جهت صرف امتناع از وصالت مطالبه خسارتی نماید.

**ماده ۵۸۳** - هر يك از شرکاء میتواند بدون رضایت شرکاء دیگر سهم خود را جزءاً یا کلاً بشخص ثالثی منتقل کند.

**ماده ۵۸۴** - شریکی که مال الشر که درید اوست در حکم امین است و ضامن تلف و نقص آن نمیشود مگر در صورت تفریط یا تعدی.

**ماده ۵۸۵** - شریک غیر مأذون در مقابل اشخاصی که با آنها معامله کرده مسئول بوده و طلبکاران فقط حق رجوع باو دارند.

**ماده ۵۸۶** - اگر برای شرکت در ضمن عقد لازمی مدت معین نشده باشد هر يك از شرکاء هر وقت بخواهد میتواند رجوع کند.

**ماده ۵۸۷** - شرکت یکی از طرق ذیل مرتفع میشود :

(۱) در صورت تقسیم.

(۲) در صورت تلف شدن تمام مال شرکت.

**ماده ۵۸۸** - در موارد ذیل شرکاء مأذون در تصرف اموال مشترک نمیباشند :

(۱) در صورت انقضاء مدت مأذونیت یا رجوع از آن در صورت امکان رجوع.

(۲) در صورت فوت یا محجور شدن یکی از شرکاء.

### بحث دوم - در تقسیم اموال شرکت

**ماده ۵۸۹** - هر شریک المال میتواند هر وقت بخواهد تقاضای تقسیم مال مشترک را بنماید مگر در مواردی که تقسیم بموجب این قانون ممنوع یا شرکاء بوجه ملزومی ملتزم برهم تقسیم شده باشند.

**ماده ۵۹۰** - در صورتیکه شرکاء بیش از دو نفر باشند ممکن است تقسیم فقط به نسبت سهم یکک یا چند نفر از آنها بعمل آید و سهام دیگران باشاعه باقی بماند.

**ماده ۵۹۱** - هر گاه تمام شرکاء بتقسیم مال مشترک راضی باشند تقسیم بنحوی که شرکاء تراضی نمایند بعمل میآید و در صورت عدم توافق بین شرکاء حاکم اجبار به تقسیم میکند مشروط بر اینکه

**ماده ۱۰۳۶** - اگر یکی از نامزدها وصلت منظور را بدون علت موجهی بهم بزند درحالی که طرف مقابل یا ابوین او یا اشخاص دیگر با اعتماد وقوع ازدواج مغرور شده و مخارجی کرده باشند طرفی که وصلت را بهم زده است باید از عهده خسارات وارده بر آید ولی خسارات مزبور فقط مربوط بمخارج متعارفه خواهد بود.

**ماده ۱۰۳۷** - هر يك از نامزدها میتواند در صورت بهم خوردن وصلت منظور

تقسیم مشتمل بر ضرر نباشد که در اینصورت اجبار جائز نیست و تقسیم باید بتراضی باشد.

**ماده ۵۹۲** - هر گاه تقسیم برای بعضی از شرکاء مضر و برای بعض دیگر بیضرر باشد در صورتیکه تقاضا از طرف متضرر باشد طرف دیگر اجبار میشود و اگر برعکس تقاضا از طرف غیر متضرر بشود شریک متضرر اجبار بر تقسیم نمیشود.

**ماده ۵۹۳** - ضرری که مانع از تقسیم میشود عبارت است از نقصان فاحش قیمت بمقداری که عاده قابل مسامحه نباشد.

**ماده ۵۹۴** - هر گاه فئات مشترك یا امثال آن خرابی پیدا کرده و محتاج به تنقیه یا تعمیر شود و يك یا چند نفر از شرکاء بر ضرر شریک یا شرکاء دیگر از شرکت در تنقیه یا تعمیر امتناع نمایند شریک یا شرکاء متضرر میتوانند بجا کم رجوع نمایند در اینصورت اگر مالک قابل تقسیم نباشد حاکم میتواند برای قلع ماده نزاع و دفع ضرر شریک ممتنع را باقتضای موقع بشرکت در تنقیه یا تعمیر یا اجاره یا بیع سهم خود اجبار کند.

**ماده ۵۹۵** - هر گاه تقسیم متضمن افتادن تمام مال مشترك یا حصه يك یا چند نفر از شرکاء از مالیت باشد تقسیم ممنوع است اگرچه شرکاء تراضی نمایند.

**ماده ۵۹۶** - در صورتیکه اموال مشترك متعدد باشد قسمت اجباری در بعضی از آنها ملازم با تقسیم باقی اموال نیست.

**ماده ۵۹۷** - تقسیم مالک از وقف جایز است ولی تقسیم مال موقوفه بین موقوف علیهم جایز نیست.

**ماده ۵۹۸** - ترتیب تقسیم آنست که اگر مال مشترك مثلی باشد به نسبت سهام شرکاء افزاز میشود و اگر قیمتی باشد بر حسب قیمت تعدیل میشود و بعد از افزاز یا تعدیل در صورت عدم تراضی بین شرکاء حصص آنها بقرعه معین میگردد.

هدیائی را که بطرف دیگری یا ابوین او برای وصلت منظور داده است مطالبه کند .  
اگر عین هدایا موجود نباشد مستحق قیمت هدیائی خواهد بود که عادتاً نگاه داشته میشود مگر اینکه آن هدایا بدون تقصیر طرف دیگر تلف شده باشد .  
**ماده ۱۰۳۸** - مفاد ماده قبل از حیث رجوع بقیمت در موردی که وصلت منظور در اثر فوت یکی از نامزد ها بهم بخورد مجری نخواهد بود .

**ماده ۵۹۹** - تقسیم بعد از آنکه صحیحاً واقع شد لازم است و هیچک از شرکاء نمیتواند بدون رضای دیگران از آن رجوع کند .

**ماده ۶۰۰** - هرگاه در حصه يك یا چند نفر از شرکاء عیبی ظاهر شود که در حین تقسیم عالم بآن نبوده شریک یا شرکاء مزبور حق دارند تقسیم را بهم بزنند .

**ماده ۶۰۱** - هرگاه بعد از تقسیم معلوم شود که قسمت بغلط واقع شده است تقسیم باطل میشود .

**ماده ۶۰۲** - هرگاه بعد از تقسیم معلوم شود که مقدار معینی از اموال تقسیم شده مال غیر بوده است در صورتیکه مال غیر در تمام حصص مفروضاً بشاوی باشد تقسیم صحیح والا باطل است .

**ماده ۶۰۳** - هر مجرای هر قسمتی که از متعلقات آنست بعد از تقسیم مخصوص همان قسمت میشود .

**ماده ۶۰۴** - کسی که در ملک دیگری حق ارتفاق دارد نمیتواند مانع از تقسیم آن ملک بشود ولی بعد از تقسیم حق مزبور بعمال خود باقی میماند .

**ماده ۶۰۵** - هرگاه حصه بعضی از شرکاء مجرای آب یا محل عبور حصه دیگر باشد بعد از تقسیم حق مجری یا عبور ساقط نمیشود مگر اینکه سقوط آن شرط شده باشد و همچنین است سایر حقوق ارتفاقی .

**ماده ۶۰۶** - هرگاه ترکه میت قبل از اداء دیون تقسیم شود و یا بعد از تقسیم معلوم شود که بر میت دینی بوده است طلبکار باید بهر يك از وراث بنسبت سهم او رجوع کند و اگر يك یا چند نفر از وراث معسر شده باشد طلبکار میتواند برای سهم معسر یا معسرین نیز بوارث دیگر رجوع نماید .

### فصل نهم - در ودیعه

#### مبحث اول - در کلیات

**ماده ۶۰۷** - ودیعه عقدی است که بموجب آن يك نفر مال خود را بدیگری میسپارد برای آنکه آنرا بجا نماند نکاهدارد . ودیعه گذار مودع و ودیعه گیر را مستودع یا امین میگویند .



**ماده ۱۰۳۹** - مدت مرور زمان دعای ناشی از بهم خوردن وصلت منظور دو سال است و از تاریخ بهم خوردن آن محسوب میشود .

**ماده ۱۰۴۰** - هر يك از طرفین میتواند برای انجام وصلت منظور از طرف مقابل تقاضا کند که تصدیق طبیب بصحت از امراض مسریه مهم از قبیل سفلیس و سوزاك و سل ارائه دهد .

**ماده ۶۰۸** - در و دیمه قبول امین لازم است اگر چه بفعل باشد .

**ماده ۶۰۹** - کسی میتواند مالی را بودیمه گذارد که مالک یا قائم مقام مالک باشد و یا از طرف مالک صراحتاً یا ضمناً مجاز باشد .

**ماده ۶۱۰** - در و دیمه طرفین باید اهلیت برای معامله داشته باشند و اگر کسی مالی را از کسی دیگر که برای معامله اهمیت ندارد بعنوان و دیمه قبول کند باید آنرا به ولی او رد نماید و اگر درید او ناقص یا تلف شود ضامن است .

**ماده ۶۱۱** - و دیمه عقدی است جائز .

### مبحث دوم - در تعهدات امین

**ماده ۶۱۲** - امین باید مال و دیمه را بطوری که مالک مقرر نموده حفظ کند و اگر ترتیبی تعیین نشده باشد آنرا بطوری که نسبت بآن مال متعارف است حفظ کند والا ضامن است .

**ماده ۶۱۳** - هر گاه مالک برای حفاظت مال و دیمه ترتیبی مقرر نموده باشد و امین از برای حفظ مال تغییر آن ترتیب را لازم بداند میتواند تغییر دهد مگر اینکه مالک صریحاً نهی از تغییر کرده باشد که در این صورت ضامن است .

**ماده ۶۱۴** - امین ضامن تلف یا نقصان مالی که باو سپرده شده است نمیباشد مگر در صورت تعدی یا تفریط .

**ماده ۶۱۵** - امین در مقام حفظ مسئول و قایمی نمیباشد که دفع آن از اقتدار او خارج است .

**ماده ۶۱۶** - هر گاه رد مال و دیمه مطالبه شود و امین از رد آن امتناع کند از تاریخ امتناع احکام امین باو مترتب نشده و ضامن تلف و هر نقص یا عیبی است که در مال و دیمه حادث شود اگر چه آن عیب یا نقص مستند بفعل او نباشد .

**ماده ۶۱۷** - امین نمیتواند غیر از جهت حفاظت تصرفی در و دیمه کند یا بنحوی از انحاء از آن منتفع

## فصل دوم - قابلیت صحیحی برای ازدواج

**ماده ۱۰۴۱ -** نکاح اناث قبل از رسیدن بسن ۱۵ سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن بسن ۱۸ سال تمام ممنوع است. معذک در مواردی که مصالحی اقتضا کند با پیشنهاد مدعی العموم و تصویب محکمه ممکن است استثناء معافیت از شرط سن اعطاء شود ولی در هر حال این معافیت نمیتواند به اناثی داده شود که کمتر از ۱۳ سال تمام و بذکوری شامل گردد که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند.

کرد مکرراً اجازه صریح یا ضمنی امانت گذار والا ضامن است.

**ماده ۶۱۸ -** اگر مال ودیعه درجه سه سر بسته یا پاکت مختم به امین سپرده شده باشد حق ندارد آنرا باز کند والا ضامن است.

**ماده ۶۱۹ -** امین باید عین مالی را که دریافت کرده است رد نماید.

**ماده ۶۲۰ -** امین باید مال ودیعه را به همان حالی که موقع پس دادن موجود است مسترد دارد و نسبت به نواقصی که در آن حاصل شده و مربوط بعمل امین نباشد ضامن نیست.

**ماده ۶۲۱ -** اگر مال ودیعه قهراً از امین گرفته شود و مشارالیه قیمت یا چیز دیگری بجای آن اخذ کرده باشد باید آنچه را که در عوض گرفته است با امانت گذار بدهد ولی امانت گذار مجبور بقبول آن نبوده و حق دارد مستقیماً به قاهر رجوع کند.

**ماده ۶۲۲ -** اگر وارث امین مال ودیعه را تلف کند باید از عهده مثل یا قیمت آن برآید اگر چه عالم بودیعه بودن مال نبوده باشد.

**ماده ۶۲۳ -** منافع حاصله از ودیعه مال مالک است.

**ماده ۶۲۴ -** امین باید مال ودیعه را فقط بکسی که آنرا از او دریافت کرده است یا قائم مقام قانونی او یا بکسی که مأذون در اخذ میباشد مسترد دارد و اگر بواسطه ضرورتی بخواهد آنرا رد کند و بکسی که حق اخذ دارد دسترس نداشته باشد باید بجا کم رد نماید.

**ماده ۶۲۵ -** هر گاه مستحق للقبول بودن مال ودیعه محقق گردد باید امین آنرا بمالك حقیقی رد کند و اگر مالک معلوم نباشد تابع احکام اموال مجهول المالک است.

**ماده ۶۲۶ -** اگر کسی مال خود را بودیعه گذارد و دیعه بقوت امانت گذار باطل و امین ودیعه را نمیتواند رد کند مگر بوراث او.

**ماده ۱۰۴۳** - بعد از رسیدن بسن ۱۵ سال تمام نیز اناث نمیتوانند مادام که به ۱۸ سال تمام نرسیده‌اند بدون اجازه ولی خودشوهر کنند .

**ماده ۱۰۴۳** - نکاح دختری که هنوز شوهر نکرده اگر چه بیش از ۱۸ سال تمام داشته باشد متوقف با اجازه پدر یا جد پدری او است هر گاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند دختر میتواند با معرفی کامل مردی که

**ماده ۶۲۷** - در صورت تعدد وراث و عدم توافق بین آنها مال ودیعه باید بحاکم رد شود .  
**ماده ۶۲۸** - اگر در احوال شخص امانت گذار تغییری حاصل گردد مثلا اگر امانت گذار محجور شود عقد ودیعه منفسخ و ودیعه را نمیتوان مسترد نمود مگر بکسی که حق اداره کردن اموال محجور را دارد .

**ماده ۶۲۹** - اگر مال محجوری بودیعه گذارده شده باشد آن مال باید پس از رفع حجر بمالك مسترد شود .

**ماده ۶۳۰** - اگر کسی مالی را بسمت قیمومت یا ولایت ودیعه گذارد آن مال باید پس از رفع سمت مزبور بمالك آن رد شود مگر اینکه از مالك رفع حجر نشده باشد که در این صورت به قیم یا ولی بعدی مسترد میگردد .

**ماده ۶۳۱** - هر گاه کسی مال غیر را بعنوانی غیر از مستودع متصرف باشد و مقررات این قانون او را نسبت بآن مال امین قرار داده باشد مثل مستودع است بنا بر این مستأجر نسبت بعین مستأجره قیم یا ولی نسبت بمال صغیر یا مولی علیه و امثال آنها ضامن نمیشد مگر در صورت تفریط یا تعدی و در صورت استحقاق مالك باسترداد از تاریخ مطالبه او و امتناع متصرف با امکان رد متصرف مسئول تلف و هرقص یا عیبی خواهد بود اگر چه مستند بفعل او نباشد .

**ماده ۶۳۲** - کاروانسرا دار و صاحب مهمانخانه و حمامی و امثال آنها نسبت باشیاء و اسباب یا البسه واردین وقتی مسئول میباشند که اشیاء و اسباب یا البسه نزد آنها ایداع شده باشد و یا اینکه برطبق عرف بلد در حکم ایداع باشد .

### مبحث سوم - در تعهدات امانت گذار

**ماده ۶۳۳** - امانت گذار باید مخارجی را که امانتدار برای حفظ مال ودیعه کرده است باو بدهد .

**ماده ۶۳۴** - هر گاه رد مال مستلزم مخارجی باشد بر عهده امانت گذار است .

میخواهد باو شوهر کند و شرایط نکاح و مهر، که بین آنها قرارداد شده بدفتر ازدواج مراجعه و بتوسط دفتر مزبور مرانب را بپدیر یا جد پدیری اطلاع میدهد و بعد از پانزده روز از تاریخ اطلاع دفتر مزبور میتواند نکاح را واقع سازد ممکن است اطلاع مزبور بوسائل دیگری غیر از دفتر ازدواج بپدر و یا جد داده شود ولی باید اطلاع مزبور مسلم شود.

### فصل دهم - در عاریه

- ماده ۶۳۵ -** عاریه عقدی است که به موجب آن احد طرفین بطرف دیگر اجازه میدهد که از عین مال او مجاناً منتفع شود.
- عاریه دهنده را معیر و عاریه گیرنده را مستعیر گویند.
- ماده ۶۳۶ -** عاریه دهند علاوه بر اہلیت باید مالک منفعت مالی باشد که عاریه میدهد اگر چه مالک عین نباشد.
- ماده ۶۳۷ -** هر چیزیکه بتوان با بقا اصلش از آن منتفع شد میتواند موضوع عقد عاریه گردد. منفعتی که مقصود از عاریه است منفعتی است که مشروع و عقلاًئی باشد.
- ماده ۶۳۸ -** عاریه عقدی است جائز و بموت هر یک از طرفین منفسخ میشود.
- ماده ۶۳۹ -** هر گاه مال عاریه دارای عیوبی باشد که برای مستعیر تولید خسارتی کند معیر مسئول خسارت وارده نخواهد بود مگر اینکه عرفاً مسبب محسوب شود.
- مبن حکم در مورد مودع و موجر و امثال آنها نیز جاری میشود.
- ماده ۶۴۰ -** مستعیر ضامن تلف یا نقصان مال عاریه نمیشد مگر در صورت تفریط یا تعدی.
- ماده ۶۴۱ -** مستعیر مسئول منقصت ناشی از استعمال مال عاریه نیست مگر اینکه در غیر مورد اذن استعمال نموده باشد و اگر عاریه مطلق بوده برخلاف متعارف استفاده کرده باشد.
- ماده ۶۴۲ -** اگر بر مستعیر شرط ضمان شده باشد مسئول هر کس و نقصانی خواهد بود اگر چه مربوط بعمل او نباشد.
- ماده ۶۴۳ -** اگر بر مستعیر شرط ضمان منقصت ناشی از صرف استعمال نیز شده باشد ضامن این منقصت خواهد بود.

**ماده ۱۰۴۴ -** در مورد ماده قبل اجازه را باید شخص پدر یا جد پدری بدهد و اگر پدر یا جد پدری دختر بعلتی تحت قیمومت باشد اجازه قیم اولازم نخواهد بود .

### فصل سوم - درموانع نکاح

**ماده ۱۰۴۵ -** نکاح با اقارب نسبی ذیل ممنوع است اگر چه قرابت حاصل از شبهه یا زنا باشد :

۱ - نکاح با پدر و اجداد و با مادر و جدات هر قدر که بالا برود .

**ماده ۶۴۴ -** در عاریه طلا و نقره اعم از مسکوک و غیر مسکوک مستعیر ضامن است هر چند شرط ضمان نشده و تقریظ یا تعدی هم نکرده باشد .

**ماده ۶۴۵ -** در رد عاریه باید مفاد مواد ۶۲۴ و ۶۲۶ تا ۶۳۰ رعایت شود .

**ماده ۶۴۶ -** مخارج لازمه برای انتفاع از مال عاریه بر عهده مستعیر است و مخارج نگاهداری آن تابع عرف و عادت است مگر اینکه شرط خاصی شده باشد .

**ماده ۶۴۷ -** مستعیر نمیتواند مال عاریه را بهیچ نحوی بتصرف غیردهد مگر باذن معیر .

### فصل یازدهم - در قرض

**ماده ۶۴۸ -** قرض عقدی است که بموجب آن احد طرفین مقدار معینی از مال خود را بطرف دیگر تملیک میکند که طرف مزبور مثل آنرا از حیث مقدار و جنس و وصف رد نماید و در صورت تعذر رد مثل قیمت يوم الرد را بدهد .

**ماده ۶۴۹ -** اگر مالی که موضوع قرض است بعد از تسلیم تلف یا ناقص شود از مال مقترض است .

**ماده ۶۵۰ -** مقترض باید مثل مالی را که قرض کرده است رد کند اگر چه قیمت ترقی یا تنزل کرده باشد .

**ماده ۶۵۱ -** اگر برای اداء قرض بوجه ملزومی اجلی معین شده باشد مقترض نمیتواند قبل از انقضاء مدت طلب خود را مطالبه کند .

**ماده ۶۵۲ -** در موقع مطالبه حاکم مطابق اوضاع و احوال برای مقترض مهلت یا اقساطی قرار میدهد

**ماده ۶۵۳ -** مقترض میتواند بوجه ملزومی به مقرر و کالت دهد در مدتی که قرض بر ذمه او باقی است مقدار معینی از دارائی مدیون را در هر ماه یا در هر سال مجاناً بخود منتقل نماید .

- ۲ - نکاح با اولاد هر قدر که پائین برود .  
 ۳ - نکاح با برادر و خواهر و اولاد آنها تا هر قدر که پائین برود .  
 ۴ - نکاح با عمات و خالات خود و عمات و خالات پدر و مادر و اجداد و جدات .  
**ماده ۱۰۴۶** - قرابت رضاعی از حیث حرمت نکاح در حکم قرابت نسبی است  
 مشروط بر اینکه :

### فصل دوازدهم - در قمار و گرو بندی

- ماده ۶۵۴** - قمار و گرو بندی باطل و دعاوی راجعه بآن مسموع نخواهد بود . همین حکم در مورد کلیه تعهداتی که از معاملات نا مشروع تولید شده باشد جاریست .  
**ماده ۶۵۵** - در دوانیدن حیوانات سواری و همچنین در تیر اندازی و شمشیر بازی گرو بندی جائز و مفاد ماده قبل در مورد آنها رعایت نمیشود .

### فصل سیزدهم - در وکالت

#### مبحث اول - در کلیات

- ماده ۶۵۶** - وکالت عقدی است که بموجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود مینماید .  
**ماده ۶۵۷** - تحقق وکالت منوط بقبول و کیل است .  
**ماده ۶۵۸** - وکالت ایجاباً و قبولاً بهر لفظ یا فعلیکه دلالت بر آن کند واقع میشود .  
**ماده ۶۵۹** - وکالت ممکن است مجانی باشد یا با اجرت .  
**ماده ۶۶۰** - وکالت ممکن است بطور مطلق و برای تمام امور موکل باشد یا مقید و برای امر یا امور خاصی .  
**ماده ۶۶۱** - در صورتیکه وکالت مطلق باشد فقط مربوط با اداره کردن اموال موکل خواهد بود .  
**ماده ۶۶۲** - وکالت باید در امری داده شود که خود موکل بتواند آنرا بجا آورد و کیل هم باید کسی باشد که برای انجام آن امر اهلیت داشته باشد .  
**ماده ۶۶۳** - و کیل نمیتواند عملی را که از حدود وکالت او خارج است انجام دهد .  
**ماده ۶۶۴** - و کیل در محاکمه و کیل در قبض حق نیست مگر اینکه قرائن دلالت بر آن نماید و همچنین و کیل در اخذ حق و کیل در مرافقه نخواهد بود .

- اولاً - شیر زن از حمل مشروع حاصل شده باشد .  
 ثانیاً - شیر مستقیماً از پستان مکیده شده باشد .  
 ثالثاً - طفل لا اقل يك شبانه روز و یا پانزده دفعه متوالی شیر کامل خورده  
 باشد بدون اینکه در بین غذای دیگر یا شیر زن دیگر را بخورد .  
 رابعاً - شیر خوردن طفل قبل از تمام شدن دو سال از تولد او باشد .

**ماده ۶۶۵ -** وکالت در بیع وکالت در قبض ثمن نیست مگر اینکه قرینه قطعی دلالت بر آن کند.

### مبحث دوم - در تعهدات وکیل

**ماده ۶۶۶ -** هر گاه از تقصیر وکیل خسارتی بموکل متوجه شود که عرفاً وکیل مسبب آن محسوب میگردد مسئول خواهد بود .

**ماده ۶۶۷ -** وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را مراعات نماید و از آنچه که موکل بالصراحة باو اختیار داده یا بر حسب قرائن و عرف و عادت داخل اختیار او است تجاوز نکند.

**ماده ۶۶۸ -** وکیل باید حساب مدت وکالت خود را بموکل بدهد و آنچه را که بجای او دریافت کرده است باو رد کند .

**ماده ۶۶۹ -** هر گاه برای انجام امر دو یا چند نفر وکیل معین شده باشد هیچیک از آنها نمیتواند بدون دیگری یا دیگران دخالت در آن امر بنماید مگر اینکه هر يك مستقلاً وکالت داشته باشد در اینصورت هر کدام میتواند بتهائی آن امر را بجا آورد .

**ماده ۶۷۰ -** در صورتیکه دو نفر بنحو اجتماع وکیل باشند بموت یکی از آنها وکالت دیگری باطل میشود .

**ماده ۶۷۱ -** وکالت در هر امر مستلزم وکالت در لوازم و مقدمات آن نیز هست مگر اینکه تصریح بمدم وکالت باشد .

**ماده ۶۷۲ -** وکیل در امری نمیتواند برای آن امر بدیگری وکالت دهد مگر اینکه صریحاً یا بدلالت قرائن وکیل در توکیل باشد .

**ماده ۶۷۳ -** اگر وکیل که وکالت در توکیل نداشته انجام امری را که در آن وکالت دارد بشخص ثالثی واگذار کند هر يك از وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل نسبت بخساراتی که مسبب محسوب میشود مسئول خواهد بود .

خامساً - مقدار شیری که طفل خورده است از يك زن و از يك شوهر باشد بنابراین اگر طفل در شبانه روز مقداری از شیر يك زن و مقداری از شیر زن دیگر بخورد موجب حرمت نمیشود اگر چه شوهر آن دو زن یکی باشد. و همچنین اگر يك زن يك دختر و يك پسر رضاعی داشته باشد که هر يك را از شیر متعلق بشوهر دیگر شیر داده باشد آن پسر و یا آن دختر برادر و خواهر رضاعی نبوده و ازدواج بین آنها از این حیث ممنوع نمیباشد.

### مبحث سوم - در تعهدات موکل

**ماده ۶۷۴ -** موکل باید تمام تعهداتی را که وکیل در حدود وکالت خود کرده است انجام دهد. در مورد آنچه که در خارج از حدود وکالت انجام داده شده است موکل هیچگونه تعهد نخواهد داشت مگر اینکه اعمال فصولی وکیل را صراحتاً یا ضمناً اجازه کند.

**ماده ۶۷۵ -** موکل باید تمام مخارجی را که وکیل برای انجام وکالت خود نموده است و همچنین اجرت وکیل را بدهد مگر اینکه در عقد وکالت طور دیگر مقرر شده باشد.

**ماده ۶۷۶ -** حق الوکاله وکیل تابع قرار داد بین طرفین خواهد بود و اگر نسبت بحق الوکاله یا مقدار آن قرار داد نباشد تابع عرف و عادت است اگر عادت مسلمی نباشد وکیل مستحق اجرت المثل است.

**ماده ۶۷۷ -** اگر در وکالت مجانی یا با اجرت بودن آن تصریح نشده باشد معمول بر این است که با اجرت باشد.

### مبحث چهارم - در طرق مختلفه انقضاء وکالت

**ماده ۶۷۸ -** وکالت بطریق ذیل مرتفع میشود:

۱ - بعزل موکل.

۲ - باستعقای وکیل.

۳ - بموت یا بجنون وکیل یا موکل.

**ماده ۶۷۹ -** موکل میتواند هر وقت بخواهد وکیل را عزل کند مگر اینکه وکالت وکیل با عدم عزل در ضمن عقد لازمی شرط شده باشد.

**ماده ۶۸۰ -** تمام اموری که وکیل قبل از رسیدن خبر عزل باو در حدود وکالت خود بنماید نسبت



- ماده ۱۰۴۷** - نکاح بین اشخاص ذیل بواسطه مصاهره ممنوع دائمی است :
- ۱ - بین مرد و مادر و جدات زن او از هر درجه که باشد اعم از نسبی و رضاعی .
  - ۲ - بین مرد و زنی که سابقاً زن پدر و یا زن یکی از اجداد یا زن پسر یا زن یکی از احفاد او بوده است هر چند قرابت رضاعی باشد .
  - ۳ - بین مرد با اناث از اولاد زن از هر درجه که باشد ولو رضاعی مشروط بر

بموکل نافذ است .

**ماده ۶۸۱** - بعد از اینکه وکیل استعفاداد مادامیکه معلوم است موکل باذن خود باقی است میتواند در آنچه وکالت داشته اقدام کند .

**ماده ۶۸۲** - محجوریت موکل موجب بطلان وکالت میشود مگر در اموریکه حجر مانع از توکیل در آنها نمیشد و همچنین است محجوریت وکیل مگر در اموریکه حجر مانع از اقدام در آن نباشد .

**ماده ۶۸۳** - هر گاه متعلق وکالت از بین برود یا موکل عملی را که مورد وکالت است خود انجام دهد یا بطور کلی عملی که منافی با وکالت وکیل باشد بجا آورده مثل اینکه مالی را که برای فروش آن وکالت داده بود خود بفروشد وکالت منفسخ میشود .

## فصل چهاردهم - در ضمان عقدی

### مبحث اول - در کلیات

**ماده ۶۸۴** - عقد ضمان عبارت است از اینکه شخصی مالی را که برزمه دیگری است بعهده بگیرد . متعهد را ضامن طرف دیگر را مضمون له و شخص ثالث را مضمون عنه یا مدیون اصلی میگویند .

**ماده ۶۸۵** - در ضمان رضای مدیون اصلی شرط نیست .

**ماده ۶۸۶** - ضامن باید برای معامله اهلیت داشته باشد .

**ماده ۶۸۷** - ضامن شدن از محجور و میت صحیح است .

**ماده ۶۸۸** - ممکن است از ضامن ضمانت کرد .

**ماده ۶۸۹** - هر گاه چند نفر ضامن شخصی شوند ضمانت هر کدام که مضمون له قبول کند صحیح است .

**ماده ۶۹۰** - در ضمان شرط نیست که ضامن مالدار باشد لیکن اگر مضمون له در وقت ضمان بعدم تمکن

ضامن جاهل بوده باشد میتواند عقد ضمان را فسخ کند ولی اگر ضامن بعد از عقد غیرملی شود مضمون له خیاری نخواهد داشت .

اینکه بین زن و شوهر زناشوئی واقع شده باشد .

**ماده ۱۰۴۸** - جمع بین دو خواهر ممنوع است اگر چه بعقد منقطع باشد .

**ماده ۱۰۴۹** - هیچکس نمیتواند دختر برادر زن و یا دختر خواهر زن خود را بگیرد مگر با اجازه زن خود .

**ماده ۱۰۵۰** - هر کس زن شوهر دار را با علم بوجود علقه زوجیت و حرمت

**ماده ۶۹۱** - ضمان دینی که هنوز سبب آن ایجاد نشده است باطل است .

**ماده ۶۹۲** - در دین حال ممکن است ضامن برای تأدیه آن اجلی معین کند و همچنین میتواند در دین مؤجل تعهد پرداخت فوری آنرا بنماید .

**ماده ۶۹۳** - مضمون له میتواند در عقد ضمان از ضامن مطالبه رهن کند اگر چه دین اصلی رهنی نباشد .

**ماده ۶۹۴** - علم ضامن بمقدار و اوصاف و شرایط دینی که ضمانت آن را مینماید شرط نیست بنا براین اگر کسی ضامن دین شخص بشود بدون اینکه بداند آن دین چه مقدار است ضمان صحیح است لیکن ضمانت یکی از چند دین بنحو تردید باطل است .

**ماده ۶۹۵** - معرفت تفصیلی ضامن بشخص مضمون له یا مضمون عنه لازم نیست .

**ماده ۶۹۶** - هر دینی را ممکن است ضمانت نمود اگر چه شرط فسخی در آن موجود باشد .

**ماده ۶۹۷** - ضمان عهده از مشتری یا بائع نسبت بدارک مبیع یا ثمن در صورت مستحق لغیر در آمدن آن جایز است .

### مبحث دوم

#### در اثر ضمان بین ضامن و مضمون له

**ماده ۶۹۸** - بعد از اینکه ضمان بطور صحیح واقع شد ذمه مضمون عنه بری و ذمه ضامن بمضمون له مشغول میشود .

**ماده ۶۹۹** - تعلیق در ضمان مثل اینکه ضامن قید کند که اگر مدیون نداد من ضامنم باطل است ولی التزام بتأدیه ممکن است معلق باشد .

**ماده ۷۰۰** - تعلیق ضمانن بشرایط صحت آن مثل اینکه ضامن قید کند که اگر مضمون عنه مدیون باشد من ضامنم موجب بطلان آن نمیشود .

**ماده ۷۰۱** - ضمان عهده ای است لازم و ضامن یا مضمون له نمیتواند آن را فسخ کنند مگر

نکاح و یا زنی را که در عده طلاق یا در عده وفات است با علم بعده و حرمت نکاح برای خود عقد کند عقد باطل و آن زن مطلقاً بر آن شخص حرام مؤبد میشود .

**ماده ۱۰۵۱ -** حکم مذکور در ماده فوق در موردی نیز جاری است که عقد از روی جهل بتمام یا یکی از امور مذکوره فوق بوده و نزدیکی هم واقع شده باشد در صورت جهل و عدم وقوع نزدیکی عقد باطل ولی حرمت ابدی حاصل نمیشود .

در صورت اعسار ضامن بطوریکه در ماده ۶۹۰ مقرر است یا در صورت بودن حق فسخ نسبت بدین مضمون له و یا در صورت تخلف از مقررات عقد .

**ماده ۷۰۳ -** هر گاه ضامن مدت داشته باشد مضمون له نمیتواند قبل از انقضای مدت مطالبه طلب خود را از ضامن کند اگر چه دین حال باشد .

**ماده ۷۰۳ -** در ضمان حال مضمون له حق مطالبه طلب خود را دارد اگر چه دین مؤجل باشد .

**ماده ۷۰۴ -** ضمان مطلق محمول بحال است مگر آنکه بقرائن معلوم شود که مؤجل بوده است .

**ماده ۷۰۵ -** ضمان مؤجل بفوت ضامن حال میشود .

**ماده ۷۰۶ -** هر گاه دین مدت داشته ولی ضامن حال باشد بعد از ضمان مضمون له حق مطالبه از ضامن دارد .

**ماده ۷۰۷ -** اگر مضمون له ذمه مضمون عنه را بری کند ضامن بری نمیشود مگر اینکه مقصود ابراء از اصل دین باشد .

**ماده ۷۰۸ -** کسیکه ضامن درك مبیع است در صورت فسخ بیع بسبب اقاله یا خیاب از ضمان بری میشود .

### مبحث سوم

#### در اثر ضمان یمن ضامن و مضمون عنه

**ماده ۷۰۹ -** ضامن حق رجوع بمضمون عنه ندارد مگر بعد از اداء دین ولی میتواند در صورتیکه مضمون عنه ملتزم شده باشد که در مدت معینی بر اوست او را تحصیل نماید و مدت مزبور هم منقضی شده باشد رجوع کند .

**ماده ۷۱۰ -** اگر ضامن با رضایت مضمون له حواله کند بکسی که دین را بدهد و آن شخص

- ماده ۱۰۵۲** - تفریقی که بالعان حاصل میشود موجب حرمت ابدی است .
- ماده ۱۰۵۳** - عقد در حال احرام باطل است و با علم بحرمت موجب حرمت ابدی است .
- ماده ۱۰۵۴** - زناى با زن شوهر دار یا زنى که در عده رجعیه است موجب حرمت ابدی است .

- قبول نماید مثل آنست که دین را ادا کرده است و حق رجوع بمضمون عنه دارد همچنین است حواله مضمون له بعهده ضامن .
- ماده ۷۱۱** - اگر ضامن دین را تأدیبه کند و مضمون عنه آن را ثانیاً بپردازد ضامن حق رجوع بمضمون له نخواهد داشت و باید بمضمون عنه مراجعه کند و مضمون عنه میتواند از مضمون له آنچه را که گرفته است مسترد دارد .
- ماده ۷۱۲** - هر گاه مضمون له فوت شود و ضامن وارث او باشد حق رجوع بمضمون عنه دارد .
- ماده ۷۱۳** - اگر ضامن بمضمون له کمتر از دین داده باشد زیاده بر آنچه داده نمی تواند از مدیون مطالبه کند اگر چه دین راصح بکمتر کرده باشد .
- ماده ۷۱۴** - اگر ضامن زیاد تر از دین بداین بدهد حق رجوع بزیاده ندارد مگر در صورتیکه باذن مضمون عنه داده باشد .
- ماده ۷۱۵** - هر گاه دین مدت داشته و ضامن قبل از موعد آنرا بدهد مادام که دین حال نشده است نمیتواند از مدیون مطالبه کند .
- ماده ۷۱۶** - در صورتیکه دین حال باشد هر وقت ضامن ادا کند میتواند رجوع بمضمون عنه نماید هر چند ضمان مدت داشته و موعد آن نرسیده باشد مگر آنکه مضمون عنه اذن بضامن مؤجل داده باشد .
- ماده ۷۱۷** - هر گاه مضمون عنه دین را ادا کند ضامن بری میشود هر چند ضامن بمضمون عنه اذن در ادا نداده باشد .
- ماده ۷۱۸** - هر گاه مضمون له ضامن را از دین ابراء کند ضامن و مضمون عنه هر دو بری میشوند .
- ماده ۷۱۹** - هر گاه مضمون له ضامن را ابراء یا دیگری مجانباً دین را بدهد ضامن حق رجوع بمضمون عنه ندارد .

- ماده ۱۰۵۵** - نزدیکی بشبهه و زنا اگر سابق بر نکاح باشد از حیث مانعیت نکاح در حکم نزدیکی با نکاح صحیح است ولی مبطل نکاح سابق نیست .
- ماده ۱۰۵۶** - اگر کسی با پسری عمل شنیع کند نمیتواند مادر یا خواهر یا دختر او را تزویج کند .
- ماده ۱۰۵۷** - زنی که سه مرتبه متوالی زوجه یسکنفر بوده و مطلقه شده بر

**ماده ۷۲۰** - ضامنی که بقصد تبرع ضمانت کرده باشد حق رجوع بمضمون عنه ندارد .

### مبحث چهارم

#### دراثر ضمان بین ضامنین

- ماده ۷۲۱** - هرگاه اشخاص متعدد از يك شخص و برای يك قرض بنحوتسهیم ضمانت کرده باشند مضمون له بهريك از آنها فقط بقدرسهیم اوحق رجوع دارد و اگر یکی از ضامنین تمام قرض را تأدیه نماید بهريك از ضامنین دیگر که اذن تأدیه داده باشد میتواند بقدرسهیم اوجوع کند .
- ماده ۷۲۲** - ضامن ضامن حق رجوع بمدیون اصلی ندارد و باید بمضمون عنه خود رجوع کند و بهمین طریق هر ضامنی بمضمون عنه خود رجوع میکند تا بمدیون اصلی برسد .
- ماده ۷۲۳** - ممکن است کسی درضمن عقد لازمی بتأدیه دین دیگری ملتزم شود در این صورت تعلیق بالتزام مبطل نیست مثل اینکه کسی التزام خود را بتأدیه دین مدیون معلق بعدم تأدیه او نماید .

#### فصل پانزدهم - در حواله

- ماده ۷۲۴** - حواله عقدی است که بموجب آن طلب شخصی از ذمه مدیون بذمه شخص ثالثی منتقل میگردد .
- مدیون را محیل ، طلبکار را محتال ، شخص ثالث را محال علیه میگویند .
- ماده ۷۲۵** - حواله محقق نمیشود مگر با رضای محتال و قبول محال علیه .
- ماده ۷۲۶** - اگر در مورد حواله محیل مدیون محتال نباشد احکام حواله در آن جاری نخواهد بود .
- ماده ۷۲۷** - برای صحت حواله لازم نیست که محال علیه مدیون بمحیل باشد در اینصورت محال علیه پس از قبولی درحکم ضامن است .

آن مرد حرام میشود مگر اینکه بعقد دائم بزوجیت مرد دیگری در آمده و پس از وقوع نزدیکی با او بواسطه طلاق یا فسخ یا فوت فراق حاصل شده باشد .

**ماده ۱۰۵۸** - زن هر شخصی که به نه طلاق که شش تای آن عددی است مطلقه شده باشد بر آن شخص حرام مؤبد میشود .

**ماده ۱۰۵۹** - نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست .

**ماده ۱۰۶۰** - ازدواج زنی ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع

**ماده ۷۲۸** - درصحت حوله ملائت محال علیه شرط نیست .

**ماده ۷۲۹** - هرگاه در وقت حواله محال علیه معتبر بوده و محتمل جاهل باعسار او باشد محتمل میتواند حواله رافسخ و بمحیل رجوع کند .

**ماده ۷۳۰** - پس از تحقیق حواله ذمه بمحیل اذدینی که حواله داده بری و ذمه محال علیه مشغول میشود .

**ماده ۷۳۱** - در صورتیکه محال علیه مدیون محیل نبوده بعد از اداء وجه حواله میتواند بهمان مقداری که پرداخته است رجوع بمحیل نماید .

**ماده ۷۳۲** - حواله عقدی است لازم و هیچیک از محیل و محتمل و محال علیه نمیتواند آنرا فسخ کند مگر در مورد ماده ۷۲۹ و یا در صورتیکه خیار فسخ شرط شده باشد .

**ماده ۷۳۳** - اگر در بیع با بیع حواله داده باشد که مشتری ثمن را بشخصی بدهد یا مشتری حواله داده باشد که بیع ثمن را از کسی بگیرد و بعد بطلان بیع معلوم گردد حواله باطل میشود و اگر محتمل ثمن را اخذ کرده باشد باید مسترد دارد ولی اگر بیع بواسطه فسخ یا اقاله منفسخ شود حواله باطل نبوده لیکن محال علیه بری و با بیع یا مشتری میتواند بیکدیگر رجوع کند .  
مقاد این ماده در مورد سایر تعهدات نیز جاری خواهد بود ،

### فصل شانزدهم - در کفالت

**ماده ۷۳۴** - کفالت عقدی است که بموجب آن احد طرفین در مقابل طرف دیگر احضار شخص ثالثی را تعهد میکند .

متعهد را کفیل ، شخص ثالث را مکفول و طرف دیگر را مکفول له میگویند .

**ماده ۷۳۵** - کفالت برضای کفیل و مکفول له واقع میشود .

قانونی ندارد مگر با اجازه مخصوص از طرف دولت است .

**ماده ۱۰۶۱** - دولت میتواند ازدواج بعضی از مستخدمین و مأمورین رسمی و محصلین دولتی را با زنی که تبعه خارجه باشد مگر با اجازه مخصوص نماید .

### فصل چهارم - شرایط صحت نکاح

✱ **ماده ۱۰۶۲** - نکاح واقع میشود بایجاب و قبول بالفاظیکه صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید .

- ماده ۷۳۶** - در صحت کفالت علم کفیل بشیوت حقی بر عهده مکفول شرط نیست بلکه دعوی حق از طرف مکفول له کافی است اگر چه مکفول متکرر آن باشد .
- ماده ۷۳۷** - کفالت ممکن است مطلق باشد یا موقت و در صورت موقت بودن باید مدت آن معلوم باشد .
- ماده ۷۳۸** - ممکن است شخص دیگری کفیل کفیل شود .
- ماده ۷۳۹** - در کفالت مطلق مکفول له هر وقت بخواهد میتواند احضار مکفول را تقاضا کند ولی در کفالت موقت قبل از رسیدن موعد حق مطالبه ندارد .
- ماده ۷۴۰** - کفیل باید مکفول را در زمان و مکانی که تعهد کرده است حاضر نماید والا باید از عهده حقی که بر عهده مکفول ثابت میشود بر آید .
- ماده ۷۴۱** - اگر کفیل ملتزم شده باشد که مالی در صورت عدم احضار مکفول بدهد باید بتجویه ملتزم شده عمل کند .
- ماده ۷۴۲** - اگر در کفالت محل تسلیم معین نشده باشد کفیل باید مکفول را در محل عقد تسلیم کند مگر اینکه عقد منصرف بمحل دیگر باشد .
- ماده ۷۴۳** - اگر مکفول غایب باشد بکفیل مهلتی که برای حاضر کردن مکفول کافی باشد داده میشود .
- ماده ۷۴۴** - اگر کفیل مکفول را در غیر زمان و مکان مقرر یا برخلاف شرایطی که کرده اند تسلیم کند قبول آن بر مکفول له لازم نیست لیکن اگر قبول کرد کفیل بری میشود و همچنین اگر مکفول له برخلاف مقرر بین طرفین تقاضای تسلیم نماید کفیل ملتزم بقبول نیست .
- ماده ۷۴۵** - هر کس شخصی را از تحت اقتدار ذبحق یا قائم مقام او بدون رضای او خارج کند در حکم کفیل است و باید آن شخص را حاضر کند والا باید از عهده حقی که بر او ثابت شود بر آید .

✱ مواد ۱۰۶۲-۱۱۱۹ در تاریخ ۱۷ فروردین ماه ۱۳۱۴ تصویب شده است .

**ماده ۱۰۶۳** - ایجاب و قبول ممکنست از طرف خود مرد وزن صادر شود و یا از طرف اشخاصیکه قانوناً حق عقد دارند .

**ماده ۱۰۶۴** - عاقد باید عاقل و بالغ و قاصد باشد .

**ماده ۱۰۶۵** - توالی عرفی ایجاب و قبول شرط صحت عقد است .

**ماده ۱۰۶۶** - هر گاه یکی از متعاقدين یا هر دو لال باشند عقد با اشاره از طرف

**ماده ۷۴۶** - در موارد ذیل کفیل بری میشود .

۱ ( در صورت حاضر کردن مکفول بنحویکه متعهد شده است .

۲ ( در صورتیکه مکفول در موقع مقرر شخصاً حاضر شود .

۳ ( در صورتیکه ذمه مکفول بنحوی از انحاء از حقی که مکفول له بر او دارد بری شود .

۴ ( در صورتیکه مکفول له کفیل را بری نماید .

۵ ( در صورتیکه حق مکفول له بنحوی از انحاء بدیگری منتقل شود .

۶ ( در صورت فوت مکفول .

**ماده ۷۴۷** - هر گاه کفیل مکفول را مطابق شرایط مقرر حاضر کند و مکفول له از تسلیم او امتناع نماید کفیل باشهاد یا مراجعہ بجا کم بری میشود .

**ماده ۷۴۸** - فوت مکفول له موجب برائت کفیل نمیشود .

**ماده ۷۴۹** - هر گاه یک نفر در مقابل چند نفر از شخصی کفالت نماید بتسلیم او بیکی از آنها در مقابل دیگران بری نمیشود .

**ماده ۷۵۰** - در صورتیکه شخصی کفیل کفیل باشد و دیگری کفیل او و هکذا هر کفیل باید مکفول خود را حاضر کند و هر کدام از آنها که مکفول اصلی را حاضر کرد او وسایرین بری میشوند و هر کدام که بیکی از جهات مزبوره در ماده ۷۴۶ بری شد کفیل های مابعد او هم بری میشوند .

**ماده ۷۵۱** - هر گاه کفالت باذن مکفول بوده و کفیل با عدم تمکن از احضار حقی را که بمهده او است ادا نماید و یا باذن او ادای حق کند میتواند بمکفول رجوع کرده آنچه را که داده اخذ کند و اگر هیچک باذن مکفول نباشد حق رجوع نخواهد داشت .

### فصل هفدهم - در صلح

**ماده ۷۵۲** - صلح ممکن است یا در مورد رفع تنازع موجود و یا جلوگیری از تنازع احتمالی



- لال نیز واقع میشود مشروط بر اینکه بطور وضوح حاکی از انشاء عقد باشد .
- ماده ۱۰۶۷** - تعیین زن و شوهر بنحوی که برای هیچیک از طرفین در شخص طرف دیگر شبهه نباشد شرط صحت نکاح است .
- ماده ۱۰۶۸** - تعلیق در عقد موجب بطلان است .
- ماده ۱۰۶۹** - شرط خیار فسخ نسبت بعقد نکاح باطل است ولی در نکاح دائم

در مورد معامله و غیر آن واقع شود .

- ماده ۷۵۳** - برای صحت صلح طرفین باید اهلیت معامله و تصرف در مورد صلح داشته باشند .
- ماده ۷۵۴** - هر صلح نافذ است جز صلح بر امری که غیر مشروع باشد .
- ماده ۷۵۵** - صلح با انکار دعوی نیز جائز است بنا بر این درخواست صلح اقرار محسوب نمیشود .
- ماده ۷۵۶** - حقوق خصوصی که از جرم تولید میشود ممکن است مورد صلح واقع شود .
- ماده ۷۵۷** - صلح بلاعوض نیز جائز است .
- ماده ۷۵۸** - صلح در مقام معاملات هر چند نتیجه معامله را که بجای آن واقع شده است میدهد لیکن شرایط و احکام خاصه آن معامله را ندارد بنا بر این اگر مورد صلح عین باشد در مقابل عوض نتیجه آن همان نتیجه بیع خواهد بود بدون اینکه شرایط و احکام خاصه بیع در آن مجری شود .
- ماده ۷۵۹** - حق شفعه در صلح نیست هر چند در مقام بیع باشد .
- ماده ۷۶۰** - صلح عقد لازمست اگر چه در مقام عقود جائزه واقع شده باشد و بر هم نمیخورد مگر در موارد فسخ بخیار یا اقاله .
- ماده ۷۶۱** - صلحی که در مورد تنازع یا مینی بر تسامح باشد قاطع بین طرفین است و هیچیک نمیتواند آنرا فسخ کند اگر چه با ادعای عین باشد مگر در صورت تغلف شرط با اشتراط خیار .
- ماده ۷۶۲** - اگر در طرف مصالحه و یا در مورد صلح اشتباهی واقع شده باشد صلح باطل است .
- ماده ۷۶۳** - صلح با کراه نافذ نیست .
- ماده ۷۶۴** - تدلیس در صلح موجب خیار فسخ است .
- ماده ۷۶۵** - صلح دعوی مبتنی بر معامله باطله باطل است ولی صلح دعوی ناشی از بطلان معامله صحیح است .
- ماده ۷۶۶** - اگر طرفین بطور کلی تمام دعاوی واقعیه و فرضیه خود را بصلح خاتمه داده باشند

شرط اختیار نسبت بصداق جایز است مشروط بر اینکه مدت آن معین باشد و بعد از فسخ مثل آنست که اصلا مهر ذکر نشده باشد.

**ماده ۱۰۷۰ -** رضای زوجین شرط نفوذ عقد است و هر گاه مکره بعد از زوال کرده عقد را اجازه کنند نافذ است مگر اینکه اکراه بدرجه بوده که عاقد فاقد قصد باشد.

کلیه دعاوی داخل در صلح محسوب است اگرچه منشاء دعوی در حین صلح معلوم نباشد مگر اینکه صلح بحسب قرائن شامل آن نگردد.

**ماده ۷۶۷ -** اگر بعد از صلح معلوم گردد که موضوع صلح منتفی بوده است صلح باطل است.

**ماده ۷۶۸ -** در عقد صلح ممکن است احد طرفین در عوض مال الصلحی که بگیرد متعهد شود که نفقه معینی هم ساله یا همه ماهه تا مدت معین تأدیه کند این تعهد ممکن است بنفع طرفین مصالحه یا بنفع شخص یا اشخاص ثالث واقع شود.

**ماده ۷۶۹ -** در تعهد مذکور در ماده قبل بنفع هر کس که واقع شده باشد ممکن است شرط نمود که بعد از فوت منتفع نفقه بوراث او داده شود.

**ماده ۷۷۰ -** صلحی که بر طبق دو ماده فوق واقع میشود بورشکستگی یا افلاس متعهد نفقه فسخ نمی شود مگر اینکه شرط شده باشد.

### فصل هیجدهم - در رهن

**ماده ۷۷۱ -** رهن عقدی است که بموجب آن مدیون مالی را برای وثیقه بدین میدهد. رهن دهنده را رهن و طرف دیگر را مرتهن میگویند.

**ماده ۷۷۲ -** مال مرهون باید بقبض مرتهن یا بتصرف کسیکه بین طرفین معین میگردد داده شود ولی استمرار قبض شرط صحت معامله نیست.

**ماده ۷۷۳ -** هر مالی که قابل نقل و انتقال قانونی نیست نمیتواند مورد رهن واقع شود.

**ماده ۷۷۴ -** مال مرهون باید عین معین باشد و رهن دین و منفعت باطل است.

**ماده ۷۷۵ -** برای هر مالی که در ذمه باشد ممکن است رهن داده شود ولو عقدی که موجب اشتغال ذمه است قابل فسخ باشد.

**ماده ۷۷۶ -** ممکن است بکنفر مالی را در مقابل دیوا چند دین که بدو یا چند نفر دارد رهن بدهد

## فصل پنجم - وکالت در نکاح

- ماده ۱۰۷۱ -** هر يك از مرد وزن ميتواند برای عقد نکاح وکالت بغير دهد.
- ماده ۱۰۷۲ -** در صورتیکه وکالت بطور اطلاق داده شود و کسيل نمیتواند موکله را برای خود تزويج کند مگر اینکه این اذن صریحاً باو داده شده باشد .
- ماده ۱۰۷۳ -** اگر وکيل از آنچه که موکل راجع بشخص یا مهر یا خصوصيات

در اینصورت مرتهنین باید بتراضی معین کنند که رهن در تصرف چه کسی باشد و همچنین ممکن است دونفر يك مال را بیک نفر در مقابل طلبی که از آنها دارد رهن بدهند .

**ماده ۷۷۷ -** در ضمن عقد رهن یا بموجب عقد علیحده ممکن است رهن مرتهن را وکيل کند که اگر در موهب مقرر رهن قرض خود را اداء ننموده مرتهن از عین مرهونه یا قیمت آن طلب خود را استیفاء کند و نیز ممکن است فرار دهد وکالت مزبور بعد از فوت مرتهن باورته او باشد و بالاخره ممکن است که وکالت بشخص ثالث داده شود .

**ماده ۷۷۸ -** اگر شرط شده باشد که مرتهن حق فروش عین مرهونه را ندارد باطل است .

**ماده ۷۷۹ -** هر گاه مرتهن برای فروش عین مرهونه وکالت نداشته باشد و رهن هم برای فروش آن و اداء دین حاضر نگردد مرتهن بحاکم رجوع مینماید تا اجبار بیع یا اداء دین بنحو دیگر بکند .

**ماده ۷۸۰ -** برای استیفاء طلب خود از قیمت رهن مرتهن بر هر طلبکار دیگری رجحان خواهد داشت .

**ماده ۷۸۱ -** اگر مال مرهون بقیمتی بیش از طلب مرتهن فروخته شود مازاد مال مالك آن است و اگر برعکس حاصل فروش کمتر باشد مرتهن باید برای نقیصه براهن رجوع کند .

**ماده ۷۸۲ -** در مورد قسمت اخیر ماده قبل اگر رهن مفلس شده باشد مرتهن باغرماء شريك میشود .

**ماده ۷۸۳ -** اگر رهن مقداری از دین را ادا کند حق ندارد مقداری از رهن را مطالبه نماید و مرتهن میتواند تمام آن را تا تأدیبه کامل دین نگاهدارد مگر اینکه بین رهن و مرتهن ترتیب دیگری مقرر شده باشد .

**ماده ۷۸۴ -** تبدیل رهن بمال دیگر بتراضی طرفین جائز است .

دیگر معین کرده تخلف کند صحت عقد متوقف بر تنفیذ موکل خواهد بود .

**ماده ۱۰۷۴ -** حکم ماده فوق در موردی نیز جاری است که وکالت بدون قید بوده و وکیل مراعات مصلحت موکل را نکرده باشد .

### فصل ششم - در نکاح منقطع

**ماده ۱۰۷۵ -** نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد .

**ماده ۱۰۷۶ -** مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین شود .

**ماده ۷۸۵ -** هر چیزی که در عقد بیع بدون قید صریح بعنوان متعلقات جزء مبیع محسوب میشود در رهن نیز داخل خواهد بود .

**ماده ۷۸۶ -** نمره رهن و زیادتیی که ممکن است در آن حاصل شود در صورتیکه متصل باشد جزء رهن خواهد بود و در صورتیکه منفصل باشد متعلق بر اهن است مگر اینکه ضمن عقد بین طرفین ترتیب دیگری مقرر شده باشد .

**ماده ۷۸۷ -** عقد رهن نسبت بمرتهن جایز و نسبت بر اهن لازم است و بنا بر این مرتهن می تواند هر وقت بخواهد آن را بر هم زند ولی رهن نمیتواند قبل از اینکه دین خود را ادا نماید و یا بنحوی از انحاء قانونی از آن بری شود رهن را مسترد دارد .

**ماده ۷۸۸ -** بموت رهن یا مرتهن رهن منفسخ نمی شود ولی در صورت فوت مرتهن رهن میتواند تقاضا نماید که رهن بتصرف شخص ثالثی که بتراضی او و ورثه معین میشود داده شود . در صورت عدم تراضی شخص مزبور از طرف حاکم معین میشود .

**ماده ۷۸۹ -** رهن درید مرتهن امانت محسوب است و بنا بر این مرتهن مسئول تلف یا ناقص شدن آن نخواهد بود مگر در صورت تقصیر .

**ماده ۷۹۰ -** بعد از برائت ذمه مدیون رهن درید مرتهن امانت است لیکن اگر با وجود مطالبه آن را رد ننماید ضامن آن خواهد بود اگر چه تقصیر نکرده باشد .

**ماده ۷۹۱ -** اگر عین مرهونه بواسطه عمل خود رهن یا شخص دیگری تلف شود باید تلف کننده بدل آن را بدهد و بدل مزبور رهن خواهد بود .

**ماده ۷۹۲ -** وکالت مذکور در ماده ۷۷۷ شامل بدل مزبور در ماده فوق نخواهد بود

**ماده ۱۰۷۷ -** در نکاح منقطع احکام راجع بوراثة زن و به مهر او همانست که در باب ارث و در فصل آنی مقرر شده است .

### فصل هفتم - در مهر

**ماده ۱۰۷۸ -** هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملك نیز باشد میتواند مهر قرار داد .

**ماده ۷۹۳ -** راهن نمیتواند در رهن تصرفی کند که منافعی حق مرتهن باشد مگر باذن مرتهن .  
**ماده ۷۹۴ -** راهن می تواند در رهن تغییراتی بدهد یا تصرفات دیگری که برای رهن نافع باشد و منافی حقوق مرتهن هم نباشد بعمل آورد بدون اینکه مرتهن بتواند او را منع کند ، در صورت منع اجازه باحاکم است .

### فصل نوزدهم - در هبه

**ماده ۷۹۵ -** هبه عقدی است که بموجب آن یک نفر مالی را مجاناً بکس دیگری تملك میکند تملك کننده و اهب طرف دیگر را متهب ، مالی را که مورد هبه است عین موهوبه میگویند .

**ماده ۷۹۶ -** و اهب باید برای معامنه و تصرف در مال خود اهلیت داشته باشد .

**ماده ۷۹۷ -** و اهب باید مالك مالی باشد که هبه می کند .

**ماده ۷۹۸ -** هبه واقع نمیشود مگر باقبول و قبض متهب اعم از اینکه مباشر قبض خود متهب باشد یا وکیل او و قبض بدون اذن و اهب اثری ندارد .

**ماده ۷۹۹ -** در هبه بصغیر یا بجنون یا سفیه قبض ولی معتبر است .

**ماده ۸۰۰ -** در صورتیکه عین موهوبه درید متهب باشد محتاج بقبض نیست .

**ماده ۸۰۱ -** هبه ممکن است معوض باشد و بنا بر این و اهب میتواند شرط کند که متهب مالی را باو هبه کند یا عمل مشروعی را مجاناً بجا آورد .

**ماده ۸۰۲ -** اگر قبل از قبض و اهب یا متهب فوت کند هبه باطل میشود .

**ماده ۸۰۳ -** بعد از قبض نیز و اهب میتواند بابقاء عین موهوبه از هبه رجوع کند مگر در موارد ذیل :

( ۱ ) در صورتیکه متهب پدر یا مادر یا اولاد و اهب باشد .

( ۲ ) در صورتی که هبه معوض بوده و عوض هم داده شده باشد .

**ماده ۱۰۷۹** - مهر نباید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آنها بشود معلوم باشد.

**ماده ۱۰۸۰** - تعیین مقدار مهر منوط بتراضی طرفین است.

**ماده ۱۰۸۱** - اگر در عقد نکاح شرط شود که در صورت عدم تأدیه مهر در مدت معین نکاح باطل خواهد بود نکاح و مهر صحیح ولی شرط باطل است.

**۳** ( در صورتیکه عین موهوبه از ملکیت متهب خارج شده یا متعلق حق غیر واقع شود خواه قهراً مثل اینکه عین موهوبه برهن داده شود.

**۴** ( در صورتیکه در عین موهوبه تغییری حاصل شود.

**ماده ۸۰۴** - در صورت رجوع واهب نما آت عین موهوبه اگر متصل باشد مال واهب و اگر منفصل باشد مال متهب خواهد بود.

**ماده ۸۰۵** - بعد از قوت واهب یا متهب رجوع ممکن نیست.

**ماده ۸۰۶** - هر گاه داین طلب خود را بمدیون ببخشد حق رجوع ندارد.

**ماده ۸۰۷** - اگر کسی مالی را بعنوان صدقه بدیگری بدهد حق رجوع ندارد.

### قسمت سوم - در اخذ شفعه

**ماده ۸۰۸** - هر گاه مال غیر منقول قابل تقسیمی بین دو نفر مشترك باشد یکی از دو شریک حصه خود را بقصد بیع بشخص ثالثی منتقل کند شریک دیگر حق دارد قیمتی را که مشتری داده است باو بدهد و حصه مبیعه را تملك کند.

این حق را حق شفعه و صاحب آن را شفیع میگویند.

**ماده ۸۰۹** - هر گاه بنا و درخت بدون زمین فروخته شود حق شفعه نخواهد بود.

**ماده ۸۱۰** - اگر ملك دو نفر در ممر یا مجری مشترك باشد یکی از آنها ملك خود را با حق ممر یا مجری بفروشد دیگری حق شفعه دارد اگر چه در خود ملك مشاعاً شریک نباشد ولی اگر ملك را بدون ممر یا مجری بفروشد دیگری حق شفعه ندارد.

**ماده ۸۱۱** - اگر حصه یکی از دو شریک وقف باشد متولی یا موقوف علیهم حق شفعه ندارد.

**ماده ۸۱۲** - اگر مبیع متعدد بوده و بعضی آن قابل شفعه و بعضی دیگر قابل شفعه نباشد حق شفعه را میتوان نسبت به بعضی که قابل شفعه است بقدر حصه آن بعضی از ثمن اجرا نمود.

**ماده ۸۱۳** - در بیع فاسد حق شفعه نیست.

**ماده ۱۰۸۲ -** بمجرد عقد زن مالک مهر میشود و میتواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید .

**ماده ۱۰۸۳ -** برای تأدیه تمام یا قسمتی از مهر میتوان مدت یا اقساطی قرارداد.

**ماده ۱۰۸۴ -** هر گاه مهر عین معین باشد و معلوم گردد قبل از عقد معیوب بوده و یا بعد از عقد و قبل از تسلیم معیوب و یا تلف شود شوهر ضامن عیب و تلف است .

**ماده ۸۱۴ -** خیاری بودن بیع مانع از اخذ بشفعه نیست .

**ماده ۸۱۵ -** حق شفعه را نمیتوان فقط نسبت بیک قسمت از مبیع اجرا نمود صاحب حق مزبور یا باید از آن صرف نظر کند یا نسبت بتمام مبیع اجرا نماید .

**ماده ۸۱۶ -** اخذ بشفعه هر معامله را که مشتری قبل از آن و بعد از عقد بیع نسبت بمورد شفعه نموده باشد باطل مینماید .

**ماده ۸۱۷ -** در مقابل شریکی که بحق شفعه تملك میکند مشتری ضامن درک است نه بایع لیکن اگر در موقع اخذ بشفعه مورد شفعه هنوز بتصرف مشتری داده نشده باشد شفیع حق رجوع بمشتری نخواهد داشت .

**ماده ۸۱۸ -** مشتری نسبت بعیب و خرابی و تلفی که قبل از اخذ بشفعه در ید او حادث شده باشد ضامن نیست و همچنین است بعد از اخذ بشفعه و مطالبه در صورتی که تعدی یا تفریط نکرده باشد .

**ماده ۸۱۹ -** نما آتی که قبل از اخذ بشفعه در مبیع حاصل میشود در صورتیکه منفصل باشد مال مشتری و در صورتی که متصل باشد مال شفیع است ولی مشتری میتواند بنائی را که کرده یا درختی را که کاشته قلع کند .

**ماده ۸۲۰ -** هر گاه معلوم شود که مبیع حین البیع معیوب بوده و مشتری ارش گرفته است شفیع در موقع اخذ بشفعه مقدار ارش را از ثمن کسر میگذارد .

حقوق مشتری در مقابل بایع راجع بدرک مبیع همان است که در ضمن عقد بیع مذکور شده است .  
**ماده ۸۲۱ -** حق شفعه فوری است .

**ماده ۸۲۲ -** حق شفعه قابل اسقاط است اسقاط بهر چیزی که دلالت بر صرف نظر کردن از حق مزبور نماید واقع میشود .

**ماده ۱۰۸۵ -** زن میتواند تا مهر باو تسلیم نشده از ایفاء وظائفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود .

**ماده ۱۰۸۶ -** اگر زن قبل از اخذ مهر با اختیار خود با ایفاء وظائفی که در مقابل شوهر دارد قیام نمود دیگر نمیتواند از حکم ماده قبل استفاده کند معذک حقی که برای مطالبه مهر دارد ساقط نخواهد شد .

**ماده ۸۲۳ -** حق شفعه بعد از موت شفیع به وارث یا وراث او منتقل میشود .

**ماده ۸۲۴ -** هر گاه يك یا چند نفر از وراث حق خود را اسقاط کنند باقی وراث نمی توانند آن را فقط نسبت به سهم خود اجرا نمایند و باید یا از آن صرف نظر کنند یا نسبت به تمام مبیع اجرا نمایند .

### قسمت چهارم - در وصایا و ارث

#### باب اول - در وصایا

#### فصل اول - در کلیات

**ماده ۸۲۵ -** وصیت بردو قسم است : تملیکی و عهدی .

**ماده ۸۲۶ -** وصیت تملیکی عبارت است از اینکه کسی عین یا منفعتی را از مال خود برای زمان بعد از فوتش بدیگری مجاناً تملیک کند .

وصیت عهدی عبارت است از اینکه شخصی يك یا چند نفر را برای انجام امر یا اموری یا تصرفات دیگری مأمور مینماید .

وصیت کننده موصی، کسی که وصیت تملیکی بنفع او شده است موصی له ، مورد وصیت موصی به و کسی که بموجب وصیت عهدی ولی بر مورد ثلث یا بر صغیر قرارداد می شود وصی نامیده میشود .

**ماده ۸۲۷ -** تملیک بموجب وصیت محقق نمیشود مگر با قبول موصی له پس از فوت موصی .

**ماده ۸۲۸ -** هر گاه موصی له غیر محصور باشد مثل اینکه وصیت برای فقرا یا امور عام المنفعه شود قبول شرط نیست .

**ماده ۸۲۹ -** قبول موصی له قبل از فوت موصی مؤثر نیست و موصی میتواند از وصیت خود رجوع کند حتی در صورتیکه موصی له موصی به را قبض کرده باشد .



**ماده ۱۰۸۷** - اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد نکاح صحیح است و طرفین میتوانند بعد از عقد مهر را بتراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین بین آنها نزدیکی واقع شود زوجه مستحق مهر المثل خواهد بود.

**ماده ۱۰۸۸** - در مورد ماده قبل اگر یکی از زوجین قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی بمیرد زن مستحق هیچگونه مهری نیست .

**ماده ۸۳۰** - نسبت به موصی له رد یا قبول وصیت بعد از فوت موصی معتبر است بنابراین اگر موصی له قبل از فوت موصی وصیت را رد کرده باشد بعد از فوت میتواند آن را قبول کند و اگر بعد از فوت آن را قبول و موصی به را قبض کرد دیگر نمیتواند آن را رد کند لیکن اگر قبل از فوت قبول کرده باشد بعد از فوت قبول ثانوی لازم نیست .

**ماده ۸۳۱** - اگر موصی له صغیر یا مجنون باشد رد یا قبول وصیت با ولی خواهد بود .

**ماده ۸۳۲** - موصی له میتواند وصیت را نسبت به قسمتی از موصی به قبول کند در این صورت وصیت نسبت به قسمتی که قبول شده صحیح و نسبت به قسمت دیگر باطل میشود .

**ماده ۸۳۳** - ورثه موصی نمیتواند در موصی به تصرف کند مادام که موصی له رد یا قبول خود را به آنها اعلام نکرده است .

اگر تأخیر این اعلام موجب تضرر ورثه باشد حاکم موصی له را مجبور میکند که تصمیم خود را معین نماید .

**ماده ۸۳۴** - در وصیت عهدی قبول شرط نیست لیکن وصی میتواند مادام که موصی زنده است وصایت را رد کند و اگر قبل از فوت موصی رد نکرد بعد از آن حق رد ندارد گرچه جاهل بر وصایت بوده باشد .

### فصل دوم - در موصی

**ماده ۸۳۵** - موصی باید نسبت به مورد وصیت جائز التصرف باشد .

**ماده ۸۳۶** - هر گاه کسی بقصد خود کشی خود را مجروح یا مسموم کند یا اعمال دیگر از این قبیل که موجب هلاکت است مرتکب گردد و پس از آن وصیت نماید آن وصیت در صورت هلاکت باطل است و هر گاه اتفاقاً منتهی بموت نشد وصیت نافذ خواهد بود .

**ماده ۸۳۷** - اگر کسی بموجب وصیت يك یا چند نفر از ورثه خود را از ارث محروم کند وصیت منور نافذ نیست .

**ماده ۱۰۸۹ -** ممکن است اختیار تعیین مهر بشوهر یا شخص ثالثی داده شود در این صورت شوهر یا شخص ثالث میتواند مهر را هر قدر بخواهد معین کند .

**ماده ۱۰۹۰ -** اگر اختیار تعیین مهر بزن داده شود زن نمیتواند بیشتر از مهر المثل معین نماید .

**ماده ۱۰۹۱ -** برای تعیین مهر المثل باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی

**ماده ۸۳۸ -** موصی میتواند از وصیت خود رجوع کند .

**ماده ۸۳۹ -** اگر موصی ثانیاً وصیتی برخلاف وصیت اول نماید وصیت دوم صحیح است .

### فصل سوم - در موصی به

**ماده ۸۴۰ -** وصیت بصرف مال در امر غیر مشروع باطل است .

**ماده ۸۴۱ -** موصی به باید ملك موصی باشد و وصیت بمال غیر ولو با اجازه مالك باطل است .

**ماده ۸۴۲ -** ممکن است مالی را که هنوز موجود نشده است وصیت نمود .

**ماده ۸۴۳ -** وصیت بزیاده بر ثلث تر که نافذ نیست مگر با اجازه وراثت و اگر بعضی از ورثه اجازه کند فقط نسبت بسهم او نافذ است .

**ماده ۸۴۴ -** هر گاه موصی به مال معینی باشد آن مال تقویم میشود اگر قیمت آن بیش از ثلث تر که باشد مازاد مال ورثه است مگر اینکه اجازه از ثلث کند .

**ماده ۸۴۵ -** میزان ثلث به اعتبار دارائی موصی در حین وفات معین میشود نه به اعتبار دارائی او در حین وصیت .

**ماده ۸۴۶ -** هر گاه موصی به منافع ملكی باشد دائماً یا در مدت معین بطریق ذیل از ثلث اخراج میشود :

بدو عین ملك با منافع آن تقویم میشود سپس ملك مزبور با ملاحظه مسلوب المنفعه بودن در مدت وصیت تقویم شده تفاوت بین دو قیمت از ثلث حساب میشود .

اگر موصی به منافع دائمی ملك بوده و بدین جهت عین ملك قیمتی نداشته باشد قیمت ملك با ملاحظه منافع از ثلث محسوب میشود .

**ماده ۸۴۷ -** اگر موصی به کلی باشد تعیین فرد با ورثه است مگر اینکه در وصیت طور دیگر مقرر شده باشد .

وسایر صفات و وضعیت او نسبت به امانت و اقربان و اقارب و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود .

**ماده ۱۰۹۳ -** هر گاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد زن مستحق نصف مهر خواهد بود و اگر شوهر بیش از نصف مهر را قبلاً داده باشد حق دارد مازاد از نصف را عیناً یا مثلاً یا قیمتهً استرداد کند .

**ماده ۸۴۸ -** اگر موصی به جزء مشاع ترکه باشد مثل ربع یا ثلث موصی له باورته در همان مقدار از ترکه مشاعاً شریک خواهد بود .

**ماده ۸۴۹ -** اگر موصی زیاده بر ثلث بترتیب معینی وصیت باموری کرده باشد ورثه زیاده بر ثلث را اجازه نکنند بهمان ترتیبی که وصیت کرده است از ترکه خارج میشود تا میزان ثلث و زاید بر ثلث باطل خواهد شد و اگر وصیت به تمام یکدفعه باشد زیاده از همه کسر میشود .

### فصل چهارم - در موصی له

**ماده ۸۵۰ -** موصی له باید موجود باشد و بتواند مالک چیزی بشود که برای او وصیت شده است .  
**ماده ۸۵۱ -** وصیت برای حمل صحیح است لیکن تملك او منوط است بر اینکه زنده متولد شود .  
**ماده ۸۵۲ -** اگر حمل در نتیجه جرمی سقط شود موصی له باورته او میرسد مگر اینکه جرم مانع ارث باشد .  
**ماده ۸۵۳ -** اگر موصی لهم متعدد و محصور باشند موصی له بین آنها بالسویه تقسیم میشود مگر اینکه موصی طور دیگر مقرر داشته باشد .

### فصل پنجم - در وصی

**ماده ۸۵۴ -** موصی میتواند يك یا چند نفر وصی معین نماید - در صورت تعدد اوصیاء باید مجتمعاً عمل بوصیت کنند مگر در صورت تصریح باستقلال هر يك .

**ماده ۸۵۵ -** موصی میتواند چند نفر را بنحو ترتیب وصی معین کند باین طریق که اگر اولی فوت کرد دومی وصی باشد و اگر دومی فوت کرد سومی باشد و هكذا .

**ماده ۸۵۶ -** صغیر را میتوان باتفاق يك نفر کبیر وصی قرار داد .

در این صورت اجراء وصایا با کبیر خواهد بود تا موقع بلوغ و رشد صغیر .

**ماده ۸۵۷ -** موصی میتواند یک نفر را برای نظارت در عملیات وصی معین نماید .

حدود اختیارات ناظر بطریقی خواهد بود که موصی مقرر داشته است یا از قرائن معلوم شود .

**ماده ۱۰۹۳** - هر گاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را طلاق دهد زن مستحق مهرالمتعه است و اگر بعد از آن طلاق دهد مستحق مهرالمثل خواهد بود .

**ماده ۱۰۹۴** - برای تعیین مهرالمتعه حال مرد از حیث غنا و فقر ملاحظه میشود .

**ماده ۱۰۹۵** - در نکاح منقطع عدم مهر در عقد موجب بطلان است .

**ماده ۸۵۸** - وصی نسبت به اموالی که بر حسب وصیت در ید او میباشد حکم امین را دارد و ضامن نمیشود مگر در صورت تعدی یا تفریط .

**ماده ۸۵۹** - وصی باید بر طبق وصایای موصی رفتار کند و الا ضامن و منعزل است .

**ماده ۸۶۰** - غیر از پدر و جد پدری کس دیگر حق ندارد بر صغیر وصی معین کند .

## باب دوم - در ارث

### فصل اول

#### در موجبات ارث و طبقات مختلفه وراث

**ماده ۸۶۱** - موجب ارث دو امر است :

نسب و سبب .

**ماده ۸۶۳** - اشخاصی که بموجب نسب ارث میبرند سه طبقه اند :

۱) پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد .

۲) اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها .

۳) اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آنها .

**ماده ۸۶۳** - وارثین طبقه بعد وقتی ارث میبرند که از وارثین طبقه قبل کسی نباشد .

**ماده ۸۶۴** - از جمله اشخاصیکه بموجب سبب ارث میبرند هر یک از زوجین است که در حین فوت دیگری زنده باشد .

**ماده ۸۶۵** - اگر در شخص واحد موجبات متعدده ارث جمع شود بجهت تمام آن موجبات ارث میرد

مگر اینکه بعضی از آنها مانع دیگری باشد که در این صورت فقط از جهت عنوان مانع میرد .

**ماده ۸۶۶** - در صورت نبودن وارث امر ترکه متوفی راجع بجاکم است .

**ماده ۱۰۹۶ -** در نکاح منقطع موت زن در اثناء مدت موجب سقوط مهر نمیشود و همچنین است اگر شوهر تا آخر مدت با او نزدیکی نکند.

**ماده ۱۰۹۷ -** در نکاح منقطع هر گاه شوهر قبل از نزدیکی تمام مدت نکاح را ببخشد باید نصف مهر را بدهد.

**ماده ۱۰۹۸ -** در صورتی که عقد نکاح اعم از دائم یا منقطع باطل بوده و

### فصل دوم - در حق ارث

**ماده ۸۶۷ -** ارث بموت حقیقی یا بموت فرضی مورث تحقق پیدا میکند.

**ماده ۸۶۸ -** مالکیت ورثه نسبت به ترکه متوفی مستقر نمیشود مگر پس از اداء حقوق و دیونی که بترکه میت تعلق گرفته.

**ماده ۸۶۹ -** حقوق و دیونی که به ترکه میت تعلق میگیرد و باید قبل از تقسیم آن اداء شود از قرار ذیل است:

۱) قیمت کفن میت و حقوقی که متعلق است باعیان ترکه مثل عینی که متعلق رهن است.

۲) دیون و واجبات مالی متوفی.

۳) وصایای میت تاثلث ترکه بدون اجازه ورثه و زیاده برثلث با اجازه آنها.

**ماده ۸۷۰ -** حقوق مزبوره در ماده قبل باید بترتیبی که در ماده مزبوره مقرر است تأدیه شود و مابقی اگر باشد بین وراثت تقسیم گردد.

**ماده ۸۷۱ -** هر گاه ورثه نسبت باعیان ترکه معاملاتی نمایند مادام که دیون متوفی تأدیه نشده است معاملات مزبوره نافذ نبوده و دیان میتوانند آنرا برهم زنند.

**ماده ۸۷۲ -** اموال غایب مفقود الاثر تقسیم نمیشود مگر بعد از ثبوت فوت او یا انقضاء مدتیکه عادتاً چنین شخصی زنده نیماند.

**ماده ۸۷۳ -** اگر تاریخ فوت اشخاصیکه از یکدیگر ارث میبرند مجهول و تقدم و تأخر هیچک معلوم نباشد اشخاص مزبور از یکدیگر ارث نمیبرند مگر آنکه موت بسبب غرق یا هدم واقع شود که در اینصورت از یکدیگر ارث میبرند.

**ماده ۸۷۴ -** اگر اشخاصیکه بین آنها توارث باشد میبرند و تاریخ فوت یکی از آنها معلوم و دیگری از حیث تقدم و تأخر مجهول باشد فقط آنکه تاریخ فوتش مجهول است از آن دیگری ارث میرد.

نزدیکی واقع نشده زن حق مهر ندارد و اگر مهر را گرفته شوهر میتواند آن را استرداد نماید .

**ماده ۱۰۹۹** - در صورت جهل زن بفساد نکاح و وقوع نزدیکی زن مستحق مهر المثل است .

**ماده ۱۱۰۰** - در صورتیکه مهر المسمی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد یا

### فصل سوم - در شرایط و جمله از موانع ارث

**ماده ۸۷۵** - شرط وراثت زنده بودن درحین فوت مورث است و اگر حملی باشد در صورتی ارث میبرد که نطفه او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود اگر چه فوراً پس از تولد بمیرد .

**ماده ۸۷۶** - باشك در حيوۀ حین ولادت حکم وراثت نمیشود .

**ماده ۸۷۷** - در صورت اختلاف در زمان انعقاد نطفه امارات قانونی که برای اثبات نسب مقرر است رعایت خواهد شد .

**ماده ۸۷۸** - هر گاه درحین موت مورث حملی باشد که اگر قابل وراثت متولد شود مانع از ارث تمام یا بعضی از وراث دیگر میگردد تقسیم ارث بعمل نیاید تا حال او معلوم شود و اگر حمل مانع از ارث هیچک از سایر وراث نباشد و آنها بخواهند تر که را تقسیم کنند باید برای حمل حصه‌ای که مساوی حصه دو پسر از همان طبقه باشد کنار گذارند و حصه هر يك از وارث مراعا است تا حال حمل معلوم شود .

**ماده ۸۷۹** - اگر بین وارث غایب مفقود الاثری باشد سهم او کنار گذارده میشود تا حال او معلوم شود در صورتی که محقق گردد قبل از مورث مرده است حصه او بسایر وراث بر میگردد والا بخود او یا بورثه او میرسد .

**ماده ۸۸۰** - قتل از موانع ارث است بنابراین کسی که مورث خود را عمداً بکشد از ارث او ممنوع میشود اعم از اینکه قتل بالمباشره باشد یا بالتسبیب و منفرداً باشد یا بشرکت دیگری .

**ماده ۸۸۱** - در صورتیکه قتل مورث غیر عمدی یا بحکم قانون یا برای دفاع باشد مقاد ماده فوق مجری نخواهد بود .

**ماده ۸۸۲** - بعد از امان زن و شوهر از یکدیگر ارث نمیبرند و همچنین فرزندی که بسبب انکار او لعان واقع شده از پدر و پسر از او ارث نمیبرد لیکن فرزند مبرور از مادر و خویشان مادری خود و همچنین مادر و خویشان مادری از او ارث میبرند .

ملک غیر باشد در صورت اول و دوم زن مستحق مهر المثل خواهد بود و در صورت سوم مستحق مثل یا قیمت آن خواهد بود مگر اینکه صاحب مال اجازه نماید.

**ماده ۱۱۰۱ -** هرگاه عقد نکاح قبل از نزدیکی بجهتی فسخ شود زن حق مهر ندارد مگر در صورتیکه موجب فسخ عنمن باشد که در این صورت با وجود فسخ نکاح زن مستحق نصف مهر است .

**ماده ۸۸۳ -** هرگاه پدر بعد از لعان رجوع کند پسر از او ارث میبرد لیکن از ارحام پدر و همچنین پدر و ارحام پدری از پسر ارث نمیبرند .

**ماده ۸۸۴ -** ولد الزنا از پدر و مادر و اقوام آنان ارث نمیبرد لیکن اگر حرمت رابطه که طفل نمره آنست نسبت بیکی از ابویین ثابت و نسبت بدیگری بواسطه اکراه یا شبهه زنا نباشد طفل فقط از این طرف و اقوام او ارث میبرد و بالعکس .

**ماده ۸۸۵ -** اولاد و اقوام کسانی که بموجب ماده ۸۸۰ از ارث ممنوع میشوند محروم از ارث نمیشوند بنابراین اولاد کسی که پدر خود را کشته باشد از جد مقتول خود ارث میبرد اگر وارث نزدیکتری باعث حرمان آنان نشود.

### فصل چهارم - در حجب

**ماده ۸۸۶ -** حجب حالت وراثی است که بواسطه بودن وارث دیگر از بردن ارث کلاً یا جزئاً محروم میشود .

**ماده ۸۸۷ -** حجب بر دو قسم است :

قسم اول آنست که وارث از اصل ارث محروم میگردد مثل برادر زاده که بواسطه بودن برادر یا خواهر متوفی از ارث محروم میشود یا برادرانی که با بودن برادر ابویینی از ارث محروم میگرددند .

قسم دوم آنست که فرض وارث از حداعلی بعد ادنی نازل میگردد مثل تنزل حصه شوهر از نصف به ربع در صورتیکه برای زوجه اولاد باشد و همچنین تنزل حصه زن از ربع به ثمن در صورتیکه برای زوج او اولاد باشد .

**ماده ۸۸۸ -** ضابطه حجب از اصل ارث رعایت افریت بابت است بنابراین هر طبقه از وراث طبقه بعد از ارث محروم مینمایند مگر در مورد ماده ۹۳۶ و موردیکه وارث دورتر بتواند بسمت قائم مقامی ارث برسد که در این صورت هر دو ارث میبرند .

### فصل هشتم - در حقوق و تکالیف زوجین نسبت بیکدیگر

**ماده ۱۱۰۲ -** همینکه نکاح بطور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار میشود .

**ماده ۱۱۰۳ -** زن و شوهر مکلف بحسن معاشرت بایکدیگرند .

**ماده ۱۱۰۴ -** زوجین باید در تشدید مبنای خانواده و تربیت اولاد خود بیکدیگر

**ماده ۸۸۹ -** در بین وراثت طبقه اولی اگر برای میت اولادی نباشد اولاد اولاد او هر قدر که پائین بروند قائم مقام پدر یا مادر خود بوده و با هر يك از ابویین متوفی که زنده باشد ارث میبرند ولی در بین اولاد اقرب بعیت ابعد را از ارث محروم مینماید .

**ماده ۸۹۰ -** در بین وراثت طبقه دوم اگر برای متوفی برادر یا خواهر نباشد اولاد اخوه هر قدر که پائین بروند قائم مقام پدر یا مادر خود بوده با هر يك از اجداد متوفی که زنده باشد ارث میبرند لیکن در بین اجداد یا اولاد اخوه اقرب بمتوفی ابعد را از ارث محروم میکند .

مقاد این ماده در مورد وارث طبقه سوم نیز مجری میباشد .

**ماده ۸۹۱ -** وراثت ذیل حاجب از ارث ندارد :

پدر - مادر - پسر - دختر - زوج و زوجه .

**ماده ۸۹۲ -** حجب از بعض فرض در موارد ذیل است :

**الف -** وقتیکه برای میت اولاد یا اولاد اولاد باشد در اینصورت ابویین میت از بردن بیش از يك ثلث محروم میشوند مگر در مورد ماده ۹۰۸ و ۹۰۹ که ممکن است هر يك از ابویین بعنوان قرابت یارد بیش از يك سدس ببرد و همچنین زوج از بردن بیش از يك ربع و زوجه از بردن بیش از يك ثمن محروم میشود .

**ب -** وقتیکه برای میت چند برادر یا خواهر باشد در اینصورت مادر میت از بردن بیش از یکسدس محروم میشود مشروط بر اینکه :

**اولا -** لااقل دو برادر یا يك برادر یا دو خواهر یا چهار خواهر باشند .

**ثانیا -** پدر آنها زنده باشد .

**ثالثا -** از ارث ممنوع نباشد مگر بسبب قتل .



معاضدت نمایند.

ماده ۱۱۰۵ - در روابط زوجین ریاست خانواده از خصائص شوهر است.

ماده ۱۱۰۶ - در عقد دائم نفقه زن بعهده شوهر است.

ماده ۱۱۰۷ - نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که بطور

متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن بداشتن خادم یا احتیاج

رابعاً - ابوینی یا ابی تنها باشند.

### فصل پنجم - در فرض وصاحبان فرض

ماده ۸۹۳ - وراث بعضی به فرض بعضی به قرابت و بعضی گاه به فرض و گاهی به قرابت ارث  
میبرند.

ماده ۸۹۴ - صاحبان فرض اشخاصی هستند که سهم آنان از ترکه معین است و صاحبان قرابت کسانی  
هستند که سهم آنها معین نیست.

ماده ۸۹۵ - سهام معینه که فرض نامیده میشود عبارت است از نصف، ربع، ثمن، دوثلث، ثلث و  
سدس ترکه.

ماده ۸۹۶ - اشخاصی که بفرض ارث میبرند عبارتند از مادر و زوج و زوجه.

ماده ۸۹۷ - اشخاصیکه گاهی بفرض و گاهی بقرابت ارث میبرند عبارتند از پدر، دختر و دخترها،  
خواهر و خواهرهای ابی یا ابوینی و کلاله امی.

ماده ۸۹۸ - وراث دیگر بغیر از مذکورین در دوماده فوق فقط بقرابت ارث میبرند.

ماده ۸۹۹ - فرض سه وارث نصف ترکه است.

۱) شوهر در صورت نبودن اولاد برای متوفایه اگر چه از شوهر دیگر باشد.

۲) دختر اگر فرزند منحصر باشد.

۳) خواهر ابوینی یا ابی تنها در صورتیکه منحصر بفرد باشد.

ماده ۹۰۰ - فرض دو وارث ربع ترکه است:

۱) شوهر در صورت فوت زن بداشتن اولاد.

۲) زوجه یا زوجه ها در صورت فوت شوهر بدون اولاد.

او بواسطه مرض یا نقصان اعضاء .

**ماده ۱۱۰۸** - هر گاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع

کند مستحق تفرقه نخواهد بود .

**ماده ۱۱۰۹** - نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده برعهده شوهر است مگر اینکه

طلاق در حال نشوز واقع شده باشد لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن

**ماده ۹۰۱** - ثمن فریضه زوجه یا زوجه ها است در صورت فوت شوهر با داشتن اولاد .

**ماده ۹۰۲** - فرض دو وارث دوثلث ترکه است :

۱) دو دختر و بیشتر در صورت نبودن اولاد ذکور .

۲) دو خواهر و بیشتر ابوینی یا ابی تنها با نبودن برادر .

**ماده ۹۰۳** - فرض دو وارث ثلث ترکه است :

۱) مادر متوفی در صورتیکه میت اولاد و اخوه نداشته باشد .

۲) کلاله امی در صورتیکه بیش از یکی باشد .

**ماده ۹۰۴** - فرض سه وارث سدس ترکه است پدر و مادر و کلاله امی اگر تنها باشد .

**ماده ۹۰۵** - از ترکه میت هر صاحب فرض حصه خود را میبرد و بقیه بصاحبان قرابت میرسد و اگر

صاحب قرابتی در آن طبقه مساوی با صاحب فرض در درجه نباشد باقی بصاحب فرض رد میشود مگر

در مورد زوج و زوجه که بآنها رد نمیشود لیکن اگر برای متوفی وارثی بغیر از زوج نباشد زائد از

فریضه باو رد میشود .

## فصل ششم - در سهم الارث طبقات مختلفه وراث

### مبحث اول - در سهم الارث طبقه اولی

**ماده ۹۰۶** - اگر برای متوفی اولاد یا اولاد اولاد از هر درجه که باشند موجود نباشد هر یک از

ابوین در صورت انفراد تمام ارث را میبرد و اگر پدر و مادرمیت هر دو زنده باشند مادریک ثلث و پدر

دو ثلث میبرد لیکن اگر مادر حاجب داشته باشد سدس از ترکه متعلق بمادر و بقیه مال پدر است .

**ماده ۹۰۷** - اگر متوفی ابوین نداشته و یک یا چند نفر اولاد داشته باشد ترکه بطریق ذیل

تقسیم میشود :

اگر فرزندان منحصر بیکمی باشد خواه پسر خواه دختر تمام ترکه باومیرسد .

اگر اولاد متعدد باشند ولی تمام پسر یا تمام دختر ترکه بین آنها بالسویه تقسیم میشود .

باشد زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از شوهر خود که در اینصورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت .

**ماده ۱۱۱۰** - در عده وفات زن حق نفقه ندارد .

**ماده ۱۱۱۱** - زن می تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه بمحکمه

اگر اولاد متمدن باشند و بعضی از آنها پسر و بعضی دختر پسر دوبرابر دختر میبرد .

**ماده ۹۰۸** - هر گاه پدر یا مادر متوفی یا هر دو ابویین او موجود باشند بایکدختر فرض هر يك از پدر و مادر سدس تر که و فرض دختر نصف آن خواهد بود و مابقی باید بین تمام وارث به نسبت فرض آنها تقسیم شود مگر اینکه مادر حاجب داشته باشد که در این صورت مادر از مابقی چیزی نمیبرد .

**ماده ۹۰۹** - هر گاه پدر یا مادر متوفی یا هر دو ابویین او موجود باشند یا چند دختر فرض تمام دخترها دوثلث تر که خواهد بود که بالسویه بین آنها تقسیم میشود و فرض هر يك از پدر و مادریك سدس و مابقی اگر باشد بین تمام ورثه به نسبت فرض آنها تقسیم میشود مگر اینکه مادر حاجب داشته باشد در این صورت مادر از باقی چیزی نمیبرد .

**ماده ۹۱۰** - هر گاه میت اولاد داشته باشد گرچه یکنفر اولاد اولاد او ارث نمیبرد .

**ماده ۹۱۱** - هر گاه میت اولاد بلاواسطه نداشته باشد اولاد اولاد او قائم مقام اولاد بوده و بدین طریق جزو وارث طبقه اول محسوب و با هر يك از ابویین که زنده باشد ارث میبرد .

تقسیم ارث بین اولاد اولاد بر حسب نسل بعمل میآید یعنی هر نسل حصه کسی را میبرد که بتوسط او بعیت میرسد بنا بر این اولاد پسر دوبرابر اولاد دختر میبرند .

در تقسیم بین افراد يك نسل پسر دوبرابر دختر میبرد .

**ماده ۹۱۲** - اولاد اولاد تا هر چه که پائین بروند بطریق مذکور در ماده فوق ارث میبرند با رعایت اینکه اقرب بعیت ابعاد را محروم میکند .

**ماده ۹۱۳** - در تمام صور مذکور در این مبحث هر يك از زوجین که زنده باشد فرض خود را میبرد و این فرض عبارت است از نصف تر که برای زوج و ربع آن برای زوجه در صورتیکه میت اولاد یا اولاد اولاد نداشته باشد و از ربع تر که برای زوج و ثمن آن برای زوجه در صورتیکه میت اولاد یا اولاد اولاد داشته باشد و مابقی تر که بر طبق مقررات مواد قبل مابین سایر وارث تقسیم میشود .

**ماده ۹۱۴** - اگر بواسطه بودن چندین نفر صاحبان فرض تر که میت کفایت نصیب تمام آنها را نکند

رجوع کند در اینصورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را بدادن آن محکوم خواهد کرد.

**ماده ۱۱۱۴** - اگر اجراء حکم مذکور در ماده قبل ممکن نباشد مطابق ماده ۱۱۲۹ رفتار خواهد شد.

**ماده ۱۱۱۳** - در عقد انقطاع زن حق نفقه ندارد مگر اینکه شرط شده یا آنکه عقد مبنی بر آن جاری شده باشد.

نقص برنت و بتقین وارد میشود و اگر پس از موضوع کردن نصیب صاحبان فرض زیادتی باشد و وارثی نباشد که زیاده را بعنوان قرابت ببرد این زیاده بین صاحبان فرض بر طبق مقررات مواد فوق تقسیم میشود لیکن زوج و زوجه مطلقاً و مادر اگر حاجب داشته باشد از زیادی چیزی نمیرد.

**ماده ۹۱۵** - انگشتی که میت معمولاً استعمال میکرده و همچنین قرآن و رختهای شخصی و شمشیر او به پسر بزرگ او میرسد بدون اینکه از حصه او از این حیث چیزی کسر شود مشروط بر اینکه ترکه میت منحصر باین اموال نباشد.

### مبحث دوم - در سهم الارث طبقه دوم

**ماده ۹۱۶** - هر گاه برای میت وارث طبقه اولی نباشد ترکه او بوارث طبقه ثانیه میرسد.

**ماده ۹۱۷** - هر یک از وراث طبقه دوم اگر تنها باشد تمام ارث را میبرد و اگر متعدد باشند ترکه بین آنها بر طبق مواد ذیل تقسیم میشود.

**ماده ۹۱۸** - اگر میت اخوه ابوینی داشته باشد اخوه ابی ارث نمیبرند در صورت نبودن اخوه ابوینی اخوه ابی حصه ارث آنها را میبرند.

اخوانه ابوینی و اخوه ابی هیچکدام اخوه امی را از ارث محروم نمیکنند.

**ماده ۹۱۹** - اگر وارث میت چند برادر ابوینی یا چند برادر ابی یا چند خواهر ابوینی و چند خواهر ابی باشند ترکه بین آنها بالسویه تقسیم میشود.

**ماده ۹۲۰** - اگر وارث میت چند برادر و خواهر ابوینی یا چند برادر و خواهر ابی باشند حصه ذکور دوبرابر اناث خواهد بود.

**ماده ۹۲۱** - اگر وراث چند برادر امی یا چند خواهر امی یا چند برادر و خواهر امی باشند ترکه بین آنها بالسویه تقسیم میشود.

**ماده ۱۱۱۴** - زن باید در منزلی که شوهر تعیین میکند سکنی نماید مگر آنکه اختیار تعیین منزل بزن داده شده باشد .

**ماده ۱۱۱۵** - اگر بودن زن باشوهر در يك منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن میتواند مسکن علیحده اختیار کند و در صورت

**ماده ۹۲۲** - هر گاه اخوه ابوینی و اخوه امی باهم باشند تقسیم بطریق ذیل میشود :  
اگر برادر یا خواهر امی یکی باشد سدس تر که رامیبرد و بقیه مال اخوه ابوینی یا ابی است که بطریق مذکور در فوق تقسیم مینمایند .

اگر کلاله امی متعدد باشد ثلث تر که بآنها تعلق گرفته و بین خود بالسویه تقسیم میکنند و بقیه مال اخوه ابوینی یا ابی است که مطابق مقررات مذکور در فوق تقسیم مینمایند .

**ماده ۹۲۳** - هر گاه ورثه اجداد یا جدات باشد تر که بطریق ذیل تقسیم میشود :

اگر جد یا جده تنها باشد اعم از ابی یا امی تمام تر که باو تعلق میگیرد .

اگر اجداد و جدات متعدد باشند در صورتیکه ابی باشند ذکور دو برابر اناث میبرد و اگر همه امی باشند بین آنها بالسویه تقسیم میگردد .

اگر جد یا جده ابی وجد یا جده امی باهم باشند ثلث تر که بجد یا جده امی میرسد و در صورت تعدد اجداد امی آن ثلث بین آنها بالسویه تقسیم میشود و دوثلث دیگر بجد یا جده ابی میرسد و در صورت تعدد حصه ذکور از آن دوثلث دو برابر حصه اناث خواهد بود .

**ماده ۹۲۴** - هر گاه میت اجداد و کلاله باهم داشته باشد دوثلث تر که بوراثی میرسد که از طرف پدر قرابت دارند و در تقسیم آن حصه ذکور دو برابر اناث خواهد بود و يك ثلث بوراثی میرسد که از طرف مادر قرابت دارند و بین خود بالسویه تقسیم مینمایند لیکن اگر خویش مادری فقط يك برادر یا يك خواهر امی باشد فقط سدس تر که باو تعلق خواهد گرفت .

**ماده ۹۲۵** - در تمام صور مذکوره در مواد فوق اگر برای میت نه برادر باشد و نه خواهر اولاد اخوه قائم مقام آنها شده و با اجداد ارث میبرند در این صورت تقسیم ارث نسبت به اولاد اخوه بر حسب نسل بعمل میآید یعنی هر نسل حصه کسی را میبرد که بواسطه او به میت میرسد بنا بر این اولاد اخوه ابوینی یا ابی حصه اخوه ابوینی یا ابی تنها و اولاد کلاله امی حصه کلاله امی را میبرند .

در تقسیم بین افراد يك نسل اگر اولاد اخوه ابوینی یا ابی تنها باشند ذکور دو برابر اناث میبرد و اگر از کلاله امی باشند بالسویه تقسیم میکنند .

ثبوت مظنه ضرر مزبور محکمه حکم بازگشت بمنزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن بمنزل مزبور معذور است نفقه برعهده شوهر خواهد بود.

**ماده ۱۱۱۶** - در مورد ماده فوق مادام که محاکمه بین زوجین خانمه نیافته محل سکنتای زن بتراضی طرفین معین میشود و در صورت عدم تراضی محکمه با جلب نظر اقربای نزدیک طرفین منزل زن را معین خواهد نمود و در صورتیکه اقربائی نباشد خود محکمه محل مورد اطمینانی را معین خواهد کرد.

**ماده ۱۱۱۷** - شوهر میتواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانواده کی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند.

**ماده ۱۱۱۸** - زن مستقلاً می تواند در دارائی خود هر تصرفی را که میخواهد بکند.

**ماده ۱۱۱۹** - طرفین عقد ازدواج میتوانند هر شرطی که مخالف بامقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند مثل اینکه شرط شود

**ماده ۹۲۶** - در صورت اجتماع کلالة ابوینی و ابی و امی کلالة ابی ارث نمیرد.

**ماده ۹۲۷** - در تمام مواد مذکوره در این مبحث هر يك از زوجین که باشد فرض خود را از اصل تر که میرد و این فرض عبارت است از نصف اصل تر که برای زوج و ربع آن برای زوجه.

متقریبین ب مادر هم اعم از اجداد یا کلالة فرض خود را از اصل تر که میرند.

هر گاه بواسطه ورود زوج یا زوجه نقصی موجود گردد نقص بر کلالة ابوینی یا ابی یا اجداد ابی وارد میشود.

### مبحث سوم - در سهم الارث وارث طبقه سوم

**ماده ۹۲۸** - هر گاه برای میت وراث طبقه دوم نباشد تر که او بوارث طبقه سوم میرسد.

**ماده ۹۲۹** - هر يك از وراث طبقه سوم اگر تنها باشد تمام ارث را میرد و اگر متعدد باشند تر که بین آنها بر طبق مواد ذیل تقسیم میشود.

**ماده ۹۳۰** - اگر میت اعمام یا احوال ابوینی داشته باشد اعمام یا احوال ابی ارث نمیرند در صورت نبودن اعمام یا احوال ابوینی اعمام یا احوال ابی حصه آنها را میرند.

هر گاه شوهر زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غائب شود یا ترك انفاق نماید یا بر علیه حیات زن سوء قصد کند یا سوء رفتاری نماید که زندگانی آنها با یکدیگر غیر قابل تحمل شود زن و کیل و و کیل در تو کیل باشد که از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهائی خود را مطلقه سازد .

### باب دوم - در انحلال عقد نکاح

✱ ماده ۱۱۳۰ - عقد نکاح به فسخ یا به طلاق یا به بذل مدت در عقد انقطاع منحل میشود .

### فصل اول

### در مورد امکان فسخ نکاح

ماده ۱۱۳۱ - جنون هر يك از زوجین بشرط استقرار اعم از اینکه مستمر یا

ماده ۹۳۱ - هر گاه وارث متوفی چند نفر عمو یا چند نفر عمه باشند تر که بین آنها بالسویه تقسیم میشود در صورتیکه همه آنها ابوینی یا همه ابی یا همه امی باشند .

هر گاه عمو و عمه باهم باشند در صورتیکه همه امی باشند تر که را بالسویه تقسیم مینمایند و در صورتیکه همه ابوینی یا ابی حصه ذکور دو برابر اناث خواهد بود .

ماده ۹۳۲ - در صورتیکه اعمام امی و اعمام ابوینی یا ابی باهم باشند عم یا عمه امی اگر تنها باشند سدس تر که باو تعلق میگردد و اگر متعدد باشند ثلث تر که و این ثلث را مابین خود بالسویه تقسیم میکنند و باقی تر که به اعمام ابوینی یا ابی میرسد که در تقسیم ذکور دو برابر اناث میرسد .

ماده ۹۳۳ - هر گاه وراث متوفی چند نفر دائی یا چند نفر خاله یا چند نفر دائی و چند نفر خاله باهم باشند تر که بین آنها بالسویه تقسیم میشود خواه همه ابوینی خواه همه ابی و خواه همه امی باشند .

ماده ۹۳۴ - اگر وراث میت دائی و خاله ابی یا ابوینی یا دائی و خاله امی باشند طرف امی اگر یکی باشد سدس تر که را میرسد و اگر متعدد باشند ثلث آنرا میرسد و بین خود بالسویه تقسیم میکنند و باقی مال دائی و خاله های ابوینی یا ابی است که آنها هم بین خود بالسویه تقسیم مینمایند .

(\*) مواد ۱۱۲۰-۱۱۵۷ در تاریخ ۲۰ فروردین ماه ۱۳۱۴ تصویب شده است .

ادواری باشد برای طرف مقابل موجب حق فسخ است.

**ماده ۱۱۴۲** - عیوب ذیل در مرد که مانع از ایفاء وظیفه زناشوئی باشد موجب

حق فسخ برای زن خواهد بود:

۱ - عنق بشرط اینکه بعد از گذشتن مدت یکسال از تاریخ رجوع زن بحاکم

رفع نشود.

۲ - خصی.

۳ - مقطوع بودن آلت تناسلی.

**ماده ۱۱۴۳** - عیوب ذیل در زن موجب حق فسخ برای مرد خواهد بود:

۱ - قرب.

۲ - جذام.

۳ - برص.

۴ - افضاء.

**ماده ۹۳۵** - اگر برای میت يك یا چند نفر اعمام یا يك یا چند نفر احوال باشد ثلث تر که باحوال

دوثلث آن باعمام تعلق میگیرد.

تقسیم ثلث بین احوال بالسویه بعمل میآید لیکن اگر بین احوال یک نفر امی باشد سدس حصه

احوال باو میرسد و اگر چند نفر امی باشند ثلث آن حصه بآنها داده میشود و در صورت اخیر تقسیم بین

آنها بالسویه بعمل میآید.

در تقسیم دوثلث بین اعمام حصه ذکور دو برابر اناث خواهد بود لیکن اگر بین اعمام یک نفر امی باشد

سدس حصه اعمام باو میرسد و اگر چند نفر امی باشند ثلث آن حصه بآنها میرسد و در صورت اخیر آن

ثلث را بالسویه تقسیم میکنند.

در تقسیم پنج سدس و یا دوثلث که از حصه اعمام باقی میماند بین اعمام ابوینی یا ابی حصه و ذکور دو برابر

اناث خواهد بود.

**ماده ۹۳۶** - باوجود اعمام یا احوال اولاد آنها ارث نمیبرند مگر در صورت انحصار وارث بیک پسر

عموی ابوینی یا یک عموی ابی تنها که فقط در این صورت پسرعمو عمورا از ارث محروم میکند لیکن

اگر با پسر عموی ابوینی خال یا خاله باشد یا اعمام متعدد باشند ولو ابی تنها پسرعمو ارث نمیبرد.



۵ - زمین‌گیری .

۶ - نابینائی از هر دو چشم .

**ماده ۱۱۲۴** - عیوب زن در صورتی موجب حق فسخ برای مرد است که عیب مزبور در حال عقد وجود داشته است .

**ماده ۱۱۲۵** - جنون و عنن در مرد هرگاه بعد از عقد هم حادث شود موجب حق فسخ برای زن خواهد بود .

**ماده ۱۱۲۶** - هر يك از زوجین که قبل از عقد عالم بامراض مذکوره در طرف دیگر بوده بعد از عقد فسخ نخواهد داشت .

**ماده ۱۱۲۷** - هر گاه شوهر بعد از عقد مبتلا بیکي از امراض مقاربتی گردد زن حق خواهد داشت که از نزدیکي با او امتناع نماید و امتناع بعلت مزبور مانع حق نفقه نخواهد بود .

**ماده ۱۱۲۸** - هر گاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد

يك پسر و يك دختر از طبقه خود را خواهد برد .

**ماده ۹۳۷** - هر گاه برای میت نه اعمام باشد و نه احوال اولاد آنها بجای آنها ارث میبرند و نصیب هر نسل نصیب کسی خواهد بود که بواسطه او بعیت متصل میشود .

**ماده ۹۳۸** - در تمام موارد مزبوره در این مبحث هر يك از زوجین که باشد فرض خود را از اصل تر که میرد و این فرض عبارت است از نصف اصل تر که برای زوج و ربع آن برای زوجه . متقرب بمادر هم نصیب خود را از اصل تر که میرد باقی تر که مال متقرب پیدر است و اگر تقصی هم باشد بر متقربین پیدر وارد میشود .

**ماده ۹۳۹** - در تمام موارد مذکوره در این مبحث و دو مبحث قبل اگر وارث خشی بوده و از جمله وراثی باشد که از ذکور آنها دو برابر اناث میبرند سهم الارث او بطریق ذیل معین میشود :  
اگر علائم رجولیت غالب باشد سهم الارث يك پسر از طبقه خود و اگر علائم انانیت غلبه داشته باشد سهم الارث يك دختر از طبقه خود را میبرد و اگر هیچیک از علائم غالب نباشد نصف مجموع سهم الارث

معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متبانیاً بر آن واقع شده باشد.

**ماده ۱۱۲۹** - در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجراء حکم محکمه و الزام او بدادن نفقه زن میتواند برای طلاق بها کم رجوع کند و حاکم شوهر او را اجبار بطلاق مینماید.

همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه.

**ماده ۱۱۳۰** - حکم ماده قبل در موارد ذیل نیز جاری است:

۱ - در موردیکه شوهر سایر حقوق واجبه زن را وفا نکند و اجبار او هم بر ایفاء ممکن نباشد.

۲ - سوء معاشرت شوهر بحدی که ادامه زندگانی زن را با او غیر قابل تحمل سازد.

۳ - در صورتیکه بواسطه امراض مسریه صعب‌العلاج دوام زناشویی برای زن

### مبحث چهارم - در میراث زوج و زوجه

**ماده ۹۴۰** - زوجین که زوجیت آنها دائمی بوده و ممنوع از ارث نباشند از یکدیگر ارث میبرند.

**ماده ۹۴۱** - سهم الارث زوج و زوجه از ترکه یکدیگر بطوری است که در مواد ۹۱۳ - ۹۲۷ و ۹۳۸ ذکر شده است.

**ماده ۹۴۲** - در صورت تعدد زوجات ربع یا ثمن ترکه که تعلق بزوجه دارد بین همه آنان بالسویه تقسیم میشود.

**ماده ۹۴۳** - اگر شوهر زن خود را بطلاق رجعی مطلقه کند هر يك از آنها که قبل از انقضاء عده بمیرد دیگری از او ارث میبرد لیکن اگر فوت یکی از آنها بعد از انقضاء عده بوده و یا طلاق بائن باشد از یکدیگر ارث نمیبرند.

**ماده ۹۴۴** - اگر شوهر در حال مرض زن خود را طلاق دهد و در ظرف یکسال از تاریخ طلاق بهمان مرض بمیرد زوجه او ارث میبرد اگر چه طلاق بائن باشد مشروط بر اینکه زن شوهر نکرده باشد.

موجب مخاطره باشد.

**ماده ۱۱۳۱ -** خیار فسخ فوری است و اگر طرفی که حق فسخ دارد بعد از اطلاع بعلت فسخ نکاح را فسخ نکند خیار او ساقط میشود بشرط اینکه علم بحق فسخ و فوریت آن داشته باشد تشخیص مدتی که برای امکان استفاده از خیار لازم بوده بنظر عرف و عادت است.

**ماده ۱۱۳۲ -** در فسخ نکاح رعایت ترتیبی که برای طلاق مقرر است شرط نیست.

## فصل دوم - در طلاق

### مبحث اول - در کلیات

**ماده ۱۱۳۳ -** مرد میتواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد.

**ماده ۱۱۳۴ -** طلاق باید بصیغه طلاق و در حضور لااقل دو نفر مرد عادل که طلاق

**ماده ۹۴۵ -** اگر مردی در حال مرض زنی را عقد کند و در همان مرض قبل از دخول بمیرد زن از او ارث نمیرد لیکن اگر بعد از دخول یا بعد از صحت یافتن از آن مرض بمیرد زن از او ارث نمیرد.

**ماده ۹۴۶ -** زوج از تمام اموال زوجه ارث میبرد لیکن زوجه از اموال ذیل :

۱) از اموال منقوله ازهر قبیل که باشد .

۲) از ائینه و اشجار .

**ماده ۹۴۷ -** زوجه از قیمت ائینه و اشجار ارث میبرد و نه از عین آنها و طریقه تقویم آنست که ائینه و اشجار با فرض استحقاق بقاء در زمین بدون اجرت تقدیم میگردد .

**ماده ۹۴۸ -** هر گاه در مورد ماده قبل ورثه از اداء قیمت ائینه و اشجار امتناع کنند زن میتواند حق خود را از عین آنها استیفاء نماید .

**ماده ۹۴۹ -** در صورت نبودن هیچ وارث دیگر بغیر از زوج یا زوجه شوهر تمام تر که زن متوفاه خود را میبرد لیکن زن فقط نصیب خود را و بقیه تر که شوهر در حکم مال اشخاص بلا وارث و تابع ماده ۸۶۶ خواهد بود .

را بشنوند واقع گردد.

ماده ۱۱۳۵ - طلاق باید منجز باشد و طلاق معلق بشرط باطل است .

ماده ۱۱۳۶ - طلاق دهنده باید بالغ و عادل و قاصد و مختار باشد .

ماده ۱۱۳۷ - ولی مجنون دائمی میتواند در صورت مصلحت مولی علیه زن او

را طلاق دهد .

ماده ۱۱۳۸ - ممکن است صیغه طلاق را بتوسط وکیل اجرا نمود .

ماده ۱۱۳۹ - طلاق مخصوص عقد دائم است و زن منقطعاً به انقضای مدت یا بذل آن

از طرف شوهر از زوجیت خارج میشود .

ماده ۱۱۴۰ - طلاق زن در مدت عادت زنانگی یا در حال نفاس صحیح نیست مگر

اینکه زن حامل باشد یا طلاق قبل از نزدیکی با زن واقع شود یا شوهر غائب باشد بطوری

که اطلاع از عادت زنانگی بودن زن نتواند حاصل کند .

ماده ۱۱۴۱ - طلاق در طهر واقع صحیح نیست مگر اینکه زن یائسه یا

حامل باشد .

### کتاب سوم - در مقررات مختلفه

ماده ۹۵۰ - مثلی که در این قانون ذکر شده عبارت از مالی است که اشیاء و نظائر آن نوعاً زیاد و شایع باشد مانند حیوانات و نجوآن و قیمتی مقابل آن است معذالك تشخیص این معنی با عرف میباشد .

ماده ۹۵۱ - تعدی تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری .

ماده ۹۵۲ - تفریط عبارت است از ترك عملی که بموجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است .

ماده ۹۵۳ - تقصیر اعم است از تفریط و تعدی .

ماده ۹۵۴ - کلیه عقود جائزه بهوت احد طرفین منفسخ میشود و همچنین به سفته در مواردی که رشد معتبر است .

ماده ۹۵۵ - مقررات این قانون در مورد کلیه اموریکه قبل از این قانون واقع شده معتبر است .

ماده ۱۱۴۲ - طلاق زنی که با وجود اقمضای سن عادت زنانگی نمیشود وقتی صحیح است که از تاریخ آخرین نزدیکی بازن سه ماه گذشته باشد .

### مبحث دوم - در اقسام طلاق

ماده ۱۱۴۳ - طلاق بردو قسم است : بائن و رجعی .

ماده ۱۱۴۴ - در طلاق بائن برای شوهر حق رجوع نیست .

ماده ۱۱۴۵ - در موارد ذیل طلاق بائن است :

۱ - طلاقیکه قبل از نزدیکی واقع شود .

۲ - طلاق بائسه .

۳ - طلاق خلع و مبارات مادام که زن رجوع بموض نکرده باشد .

۴ - سومین طلاق که بعد از سه وصلت متوالی بعمل آید اعم از اینکه وصلت در نتیجه رجوع باشد یا در نتیجه نکاح جدید .

ماده ۱۱۴۶ - طلاق خلع آنستکه زن بواسطه کراهتی که از شوهر خود دارد در مقابل مالیکه بشوهر میدهد طلاق بگیرد اعم از اینکه مال مزبور عین مهر یا معادل آن ویابیشتر و یا کمتر از مهر باشد .

ماده ۱۱۴۷ - طلاق مبارات آنستکه کراهت از طرفین باشد ولی در این صورت عوض باید زائد بر میزان مهر نباشد .

ماده ۱۱۴۸ - در طلاق رجعی برای شوهر در مدت عده حق رجوع است .

ماده ۱۱۴۹ - رجوع در طلاق بهر لفظ یا فعلی حاصل میشود که دلالت بر رجوع کند مشروط بر اینکه مقرون بقصد رجوع باشد .

### مبحث سوم - در عده

ماده ۱۱۵۰ - عده عبارت است از مدتیکه تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او

منحل شده است نمیتواند شوهر دیگر اختیار کند .

**ماده ۱۱۵۱ -** عده طلاق و عده فسخ نکاح سه طهر است مگر اینکه زن با اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت عده اوسه ماه است .

**ماده ۱۱۵۲ -** عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای آن در مورد نکاح منقطع در غیر حامل درو طهر است مگر اینکه زن با اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت چهل و پنج روز است .

**ماده ۱۱۵۳ -** عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای آن در مورد زن حامله تا وضع حمل است .

**ماده ۱۱۵۴ -** عده وفات چه در دائم و چه در منقطع در هر حال چهار ماه و ده روز است مگر اینکه زن حامل باشد که در این صورت عده وفات تا موقع وضع حمل است مشروط بر اینکه فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل از چهار ماه و ده روز بیشتر باشد و الامدت عده همان چهار ماه و ده روز خواهد بود .

**ماده ۱۱۵۵ -** زنی که بین او و شوهر خود نزدیکی واقع نشده و همچنین زن یا نسه نه عده طلاق دارد و نه عده فسخ نکاح ولی عده وفات در هر دو مورد باید رعایت شود .  
**ماده ۱۱۵۶ -** زنی که شوهر او غایب مفقود الاثر بوده و حاکم او را طلاق داده باشد باید از تاریخ طلاق عده وفات نگاهدارد .

**ماده ۱۱۵۷ -** زنی که به شبهه با کسی نزدیکی کند باید عده طلاق نگاهدارد .

کتاب هشتم - در اولاد

باب اول - در نسب

✠ **ماده ۱۱۵۸ -** طفل متولد در زمان زوجیت ملحق بشوهر است مشروط بر

اینکه از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از ششماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد .  
**ماده ۱۱۵۹** - هر طفلی که بعد از انحلال نکاح متولد شود ملحق بشوهر است  
 مشروط بر اینکه مادر هنوز شوهر نکرده و از تاریخ انحلال نکاح تا روز ولادت طفل  
 بیش از دو ماه نگذشته باشد مگر آنکه ثابت شود که از تاریخ نزدیکی تا زمان ولادت  
 کمتر از ششماه و یا بیش از ده ماه گذشته باشد .

**ماده ۱۱۶۰** - در صورتیکه عقد نکاح پس از نزدیکی منحل شود و زن  
 مجدداً شوهر کند و طفلی از او متولد گردد طفل بشوهری ملحق میشود که مطابق  
 مواد قبل الحاق او بآن شوهر ممکن است در صورتیکه مطابق مواد قبل الحاق طفل بهر  
 دوشوهر ممکن باشد طفل ملحق بشوهر دوم است مگر آنکه امارات قطعیه برخلاف  
 آن دلالت کند .

**ماده ۱۱۶۱** - در مورد مواد قبل هر گاه شوهر صریحاً یا ضمناً اقرار به ابوت  
 خود نموده باشد دعوی نفی ولد از او مسموع نخواهد بود .

**ماده ۱۱۶۲** - در مورد مواد قبل دعوی نفی ولد باید در مدتی که عادتاً پس از  
 تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل برای امکان اقامه دعوی کافی میباشد اقامه گردد  
 و در هر حال دعوی مزبور پس از انقضاء دو ماه از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل  
 مسموع نخواهد بود .

**ماده ۱۱۶۳** - در موردیکه شوهر مطلع از تاریخ حقیقی تولد طفل نبوده و تاریخ  
 تولد را بر او مشتبه نموده باشند نوعی که موجب الحاق طفل با او باشد و بعد ها شوهر از  
 تاریخ حقیقی تولد مطلع شود مدت مرور زمان دعوی نفی دو ماه از تاریخ کشف خدعه  
 خواهد بود .

**ماده ۱۱۶۴** - احکام مواد قبل در مورد طفل متولد از نزدیکی به شبهه نیز جاری

است اگرچه مادر طفل مشتمه نباشد .

**ماده ۱۱۶۵** - - طفل متولد از نزدیکی شبهه فقط ملحق بطرفی میشود که در اشتباه بوده و در صورتیکه هر دو در اشتباه بوده اند ملحق بهر دو خواهد بود .  
**ماده ۱۱۶۶** - هر گاه بواسطه وجود مانعی نکاح بین ابوین طفل باطل باشد نسبت طفل بهریک از ابوین که جاهل بر وجود مانع بوده مشروع و نسبت بدیگری نامشروع خواهد بود .

در صورت جهل هر دو نسب طفل نسبت بهر دو مشروع است .  
**ماده ۱۱۶۷** - - طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمیشود .

## باب دوم

### در نگاهداری و تربیت اطفال

**ماده ۱۱۶۸** - نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوین است .  
**ماده ۱۱۶۹** - برای نگاهداری طفل مادر تا دو سال از تاریخ ولادت او اولویت خواهد داشت پس از انقضاء اینمدت حضانت با پدر است مگر نسبت باطفال اناث که تا سال هفتم حضانت آنها با مادر خواهد بود .  
**ماده ۱۱۷۰** - اگر مادر در مدتی که حضانت طفل با اوست مبتلا بجنون شود یا بدیگری شوهر کند حق حضانت با پدر خواهد بود .  
**ماده ۱۱۷۱** - در صورت فوت یکی از ابوین حضانت طفل با آنکه زنده است خواهد بود هر چند متوفی پدر طفل بوده و برای او قیم مهین کرده باشد .  
**ماده ۱۱۷۲** - هیچیک از ابوین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل بعهد آنها است از نگاهداری او امتناع کنند در صورت امتناع یکی از ابوین حاکم باید بتقاضای دیگری یا بتقاضای قیم یا یکی از اقربا و یا بتقاضای مدعی العموم نگاهداری



طفل را بهر يك از ابوين كه حضانت بعهده اوست الزام كند و در صورتی كه الزام ممكن يا مؤثر نباشد حضانت را بخرج پدر و هر گاه پدر فوت شده باشد بخرج مادر تأمین كند.

**ماده ۱۱۷۳ -** هر گاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری كه طفل تحت حضانت اوست صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد محكمه میتواند بتقاضای اقربای طفل یا بتقاضای قیم او یا بتقاضای مدعی العموم هر تصمیمی را كه برای حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ كند.

**ماده ۱۱۷۴ -** در صورتی كه بعلت طلاق یا بهر جهت دیگر ابوين طفل در يك منزل سكونت نداشته باشند هر يك از ابوين كه طفل تحت حضانت او نمیشد حق ملاقات طفل خود را دارد تعیین زمان و مكان ملاقات و سایر جزئیات مربوطه بآن در صورت اختلاف بین ابوين با محكمه است.

**ماده ۱۱۷۵ -** طفل را نمیتوان از ابوين و یا از پدر و یا از مادری كه حضانت با اوست گرفت مگر در صورت وجود علت قانونی.

**ماده ۱۱۷۶ -** مادر مجبور نیست كه بطفل خود شیر بدهد مگر در صورتی كه تغذیه طفل بغير شیر مادر ممكن نباشد.

**ماده ۱۱۷۷ -** طفل باید مطیع ابوين خود بوده و در هر سنی كه باشد باید بآنها احترام كند.

**ماده ۱۱۷۸ -** ابوين مكلف هستند كه در حدود توانائی خود بتربیت اطفال خویش بر حسب مقتضای اقدام كنند و نباید آنها را مهمل بگذارند.

**ماده ۱۱۷۹ -** ابوين حق تنبیه طفل خود را دارند ولی باستناد این حق نمیتوانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب تنبیه نمایند.

## باب سوم

## در ولایت قهری پدر و جد پدری

**ماده ۱۱۸۰** - طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود میباشد و همچنین است طفل غیر رشید یا مجنون در صورتیکه عدم رشد یا جنون او متصل به صغر باشد.

**ماده ۱۱۸۱** - هر يك از پدر و جد پدری نسبت باولاد خود ولایت دارند.

**ماده ۱۱۸۲** - هر گاه طفل هم پدر و هم جد پدری داشته باشد و یکی از آن ها محجور یا بعلتی ممنوع از تصرف در اموال مولی علیه گردد ولایت قانونی او ساقط میشود.

**ماده ۱۱۸۳** - در کلیه امور مربوطه با اموال و حقوقی مالی مولی علیه ولی نماینده قانونی او میباشد.

**ماده ۱۱۸۴** - هر گاه ولی قهری طفل لیاقت اداره کردن اموال مولی علیه را نداشته باشد و پدر مورد اموال او مرتکب حیف و میل گردد بتقاضای اقربای طفل یا بتقاضای مدعی العموم بعد از ثبوت عدم لیاقت یا خیانت او در اموال مولی علیه بطرفیت مدعی العموم در محکمه حاکم يك نفر امین بولی منضم میکند همین حکم در موردی نیز جاری است که ولی طفل بواسطه کبر سن یا مرض یا امثال آن قادر بداره کردن اموال مولی علیه نباشد.

**ماده ۱۱۸۵** - هر گاه ولی قهری طفل محجور شود مدعی العموم مکلف است مطابق مقررات راجعه بتعیین قیم قیمی برای طفل معین کند.

**ماده ۱۱۸۶** - در مواردی که برای عدم امانت ولی قهری نسبت بدارائی طفل امارات قویه موجود باشد مدعی العموم مکلف است از محکمه ابتدائی رسیدگی بعملیات

اورا بخواهد محکمه در این مورد رسیدگی کرده در صورتیکه عدم امانت او معلوم شد مطابق ماده ۱۱۸۴ رفتار مینماید .

**ماده ۱۱۸۷** - هر گاه ولی قهری منحصر بواسطه غیبت یا حبس بهر علتی که نتواند بامور مولی علیه رسیدگی کند و کسی را هم از طرف خود معین نکرده باشد حاکم یکنفر امین به پیشنهاد مدعی العموم برای تصدی و اداره اموال مولی علیه و سایر امور راجعه با موقتاً معین خواهد کرد .

**ماده ۱۱۸۸** - هر يك از پدر و جد پدری بعد از وفات دیگری میتواند برای اولاد خود که تحت ولایت او میباشد وصی معین کند تا بعد از فوت خود در نگاهداری و تربیت آنها مواظبت کرده و اموال آنها را اداره نماید .

**ماده ۱۱۸۹** - هیچیک از پدر و جد پدری نمیتواند با حیات دیگری برای مولی علیه خود وصی معین کند .

**ماده ۱۱۹۰** - ممکن است پدر یا جد پدری بکسی که بسمت وصایت معین کرده اختیار تعیین وصی بعد فوت خود را برای مولی علیه بدهد .

**ماده ۱۱۹۱** - اگر وصی منصوب از طرف ولی قهری به نگاهداری یا تربیت مولی علیه و یا اداره امور او اقدام نکند یا امتناع از انجام وظایف خود نماید منعزل میشود .

**ماده ۱۱۹۲** - ولی مسلم نمی تواند برای امور مولی علیه خود وصی غیر مسلم معین کند .

**ماده ۱۱۹۳** - همینکه طفل کبیر ورشید شد از تحت ولایت خارج میشود و اگر بعداً سفیه یا مجنون شود قیمی برای او معین میشود .

**ماده ۱۱۹۴** - پدر و جد پدری و وصی منصوب از طرف یکی از آنان ولی خاص طفل نامیده میشود .

## کتاب نهم - در خانواده

### فصل اول - در التزام به انفاق

- ماده ۱۱۹۵ -** احکام نفقه زوجه همانست که بموجب فصل هشتم از باب اول از کتاب هفتم مقرر شده و برطبق همین فصل مقرر میشود.
- ماده ۱۱۹۶ -** در روابط بین اقارب فقط اقارب نسبی در خط عمودی اعم از صعودی یا نزولی ملزم به انفاق یکدیگرند.
- ماده ۱۱۹۷ -** کسی مستحق نفقه است که ندار بوده و نتواند بوسیله اشتغال بشغلی و سائل معیشت خود را فراهم سازد.
- ماده ۱۱۹۸ -** کسی ملزم به انفاق است که متمکن از دادن نفقه باشد یعنی بتواند نفقه بدهد بدون اینکه از این حیث در وضع معیشت خود دچار مضیقه گردد. برای تشخیص تمکن باید کلیه تعهدات و وضع زندگانی شخصی او در جامعه در نظر گرفته شود.
- ماده ۱۱۹۹ -** نفقه اولاد بر عهده پدر است پس از فوت پدر یا عدم قدرت او بانفاق بعهدہ اجداد پدری است بارعایت الاقرب فالاقرب در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آنها نفقه بر عهده مادر است.
- هر گاه مادر هم زنده و یا قادر بانفاق نباشد با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اجداد وجدات مادری و جدات پدری واجب النفقه است و اگر چند نفر از اجداد و جدات مزبور از حیث درجه اقرابت مساوی باشند نفقه را باید بخصه مساوی تأدیه کنند.
- ماده ۱۲۰۰ -** نفقه ابوین بارعایت الاقرب فالاقرب بعهدہ اولاد و اولاد اولاد است.

**ماده ۱۲۰۱ -** هر گاه یکنفر هم در خط عمودی صعودی وهم در خط عمودی نزولی اقارب داشته باشد که از حیث الزام به انفاق در درجه مساوی هستند نفقه او را باید اقارب مزبور بحصه متساوی تأدیه کنند بنابراین اگر مستحق نفقه پدر و مادر و اولاد بلافصل داشته باشد نفقه او را باید پدر و اولاد او متساویاً تأدیه کنند بدون اینکه مادر سهمی بدهد و همچنین اگر مستحق نفقه مادر و اولاد بلافصل داشته باشد نفقه او را باید مادر و اولاد متساویاً بدهند .

**ماده ۱۲۰۲ -** اگر اقارب واجب النفقه متعدد باشند و منفق نتواند نفقه همه آنها را بدهد اقارب در خط عمودی نزولی مقدم بر اقارب در خط عمودی صعودی خواهند بود .

**ماده ۱۲۰۳ -** در صورت بودن زوجه و يك یا چند نفر واجب النفقه دیگر زوجه مقدم بر سایرین خواهد بود .

**ماده ۱۲۰۴ -** نفقه اقارب عبارت است از مسکن و البسه و غذا و ائاث البیت بقدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق .

**ماده ۱۲۰۵ -** واجب النفقه اعم از زوجه و اقارب میتواند برای مطالبه نفقه خود بمحکمه رجوع کند .

**ماده ۱۲۰۶ -** زوجه در هر حال میتواند برای نفقه زمان گذشته خود اقامه دعوی نماید و طلب او از بابت نفقه مزبور طلب ممتاز بوده و در صورت افلاس یا ورشکستگی شوهر زن مقدم بر غیر ما خواهد بود ولی اقارب فقط نسبت بآتیه میتوانند مطالبه نفقه نمایند .

این قانون که مشتمل بر دویست و پنجاه و يك ماده است در جلسات بیست و هشتم بهمن ماه و بیست و یکم اسفند ماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی و هفدهم

## ۱۳۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

### قانون مدنی

مصوب اول و ۱۳ مهرماه و ۸ آبان ماه ۱۳۱۴ (\*)

### فصل اول - در کلیات

**ماده ۱۳۰۷** - اشخاص ذیل مجبور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند :

۱ - صغار .

۲ - اشخاص غیر رشید .

۳ - مجانین .

**ماده ۱۳۰۸** - غیر رشید کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلانی نباشد .

**ماده ۱۳۰۹** - هر کس که دارای هیجده سال تمام نباشد در حکم غیر رشید است معذک

در صورتیکه بعد از پانزده سال تمام رشد کسی در محکمه ثابت شود از تحت قیمومت خارج میشود .

**ماده ۱۳۱۰** - هیچ کس را نمیتوان بعد از رسیدن به هیجده سال تمام بعنوان جنون یا عدم

رشد مجبور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد .

**ماده ۱۳۱۱** - جنون به درجه که باشد موجب حجر است .

**ماده ۱۳۱۲** - اعمال و اقوال صغیر تاحدی که مربوط باموال و حقوق مالی او باشد باطل

و بلا اثر است معذک صغیر میز میتواند تملك بلاعوض کند مثل قبول هبه و صلح بلاعوض و حیازت مباحات .

**ماده ۱۳۱۳** - مجنون دائمی مطلقاً و مجنون ادواری در حال جنون نمیتواند هیچ تصرفی در

اموال و حقوق مالی خود بنماید ولو با اجازه ولی یا قیم خود لکن اعمال حقوقی که مجنون ادواری در

حال افاقه می نماید نافذ است مشروط بر آنکه افاقه او مسلم باشد .

**ماده ۱۳۱۴** - معاملات و تصرفات غیر رشید در اموال خود نافذ نیست مگر با اجازه ولی یا قیم

(\*) از ماده ۱۲۰۷ تا ماده ۱۲۰۶ در تاریخ اول مهرماه و از ماده ۱۲۰۷ تا ماده ۱۲۸۳

در تاریخ ۱۳ مهرماه و از ماده ۱۲۸۴ تا ماده ۱۳۳۰ در تاریخ ۸ آبان ماه ۱۳۱۴ ( دوره دهم )

بتصویب رسیده است .

## ۱۴۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

- او اعم از اینکه این اجازه قبلا داده شده باشد یا بعد از انجام عمل .  
 معذک تملکات بلاعوض ازهر قبیل که باشد بدون اجازه هم نافذ است .  
**ماده ۱۴۱۵** - هر گاه کسی مالی را بتصرف صغیر غیر ممیز و یا بجنون بدهد صغیر یا بجنون  
 مسئول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهد بود .  
**ماده ۱۴۱۶** - هر گاه صغیر یا بجنون یا غیر رشید باعث ضرر غیر شود ضامن است .  
**ماده ۱۴۱۷** - اداره اموال صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید بمعهده ولی یا قیم آنان است  
 بطوری که در باب سوم از کتاب هشتم و مواد بعد مقرر است .

### فصل دوم - درموارد نصب قیم و ترتیب آن

- ماده ۱۴۱۸** - برای اشخاص ذیل نصب قیم میشود :  
 ۱ - برای صغاری که ولی خاص ندارند .  
 ۲ - برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل بزمان صغر آنها بوده  
 و ولی خاص نداشته باشند .  
 ۳ - برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل بزمان صغر آنها نباشد .  
**ماده ۱۴۱۹** - هر یک از ابویین مکلف است درمواردیکه بموجب ماده قبل باید برای اولاد  
 آنها قیم معین شود مراتب را بمدعی العموم بدایت حوزه اقامت خود و یا بنماینده او اطلاع داده و از  
 او تقاضا نمایند که اقدام لازم برای نصب قیم بعمل آورد .  
**ماده ۱۴۲۰** - در صورت نبودن هیچیک از ابویین یا عدم اطلاع آنها انجام تکلیف مقرر در  
 ماده قبل بمعهده اقربائی است که باشخص محتاج بقیم دریکجا زندگی مینمایند .  
**ماده ۱۴۲۱** - اگر کسی بموجب ماده ۱۴۱۸ باید برای او نصب قیم شود زن یا شوهر داشته  
 باشد زوج یا زوجه نیز مکلف بانجام تکلیف مقرر در ماده ۱۴۱۹ خواهند بود .  
**ماده ۱۴۲۲** - در هر موردی که مدعی العموم بنحوی از انحاء بوجود شخصی که مطابق ماده

### ۱۴۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود مسبق گردید باید بمحکمه شرع رجوع و اشخاصی را که برای قیمومت مناسب میدانند بمحکمه مزبور معرفی کند .

محکمه شرع از میان اشخاص مزبور يك يا چند نفر را بسمت قیم معین و حکم نصب او را صادر میکند و نیز محکمه مزبور میتواند علاوه بر قیم يك يا چند نفر را بعنوان ناظر معین نماید . در این صورت محکمه باید حدود اختیارات ناظر را نیز معین کند اگر محکمه شرع اشخاصی را که معرفی شده اند معتمد ندید معرفی اشخاص دیگری را از یار که خواهد خواست .

**ماده ۱۲۳۳ -** در مورد مجازین مدعی العموم باید قبلا رجوع بخبره کرده نظریات خیره را

بمحکمه ابتدائی ارسال دارد .

در صورت اثبات جنون مدعی العموم بمحکمه شرع رجوع میکند تا نصب قیم شود در مورد اشخاص غیر رشید نیز مدعی العموم مکلف است که قبلا بوسیله مطلعین اطلاعات کافی در باب سفاقت او بدست آورده در صورتیکه سفاقت را مسلم دید در محکمه بدایت اقامه دعوی نماید و پس از صدور حکم عدم رشد برای نصب قیم بمحکمه شرع رجوع نماید .

**ماده ۱۲۳۴ -** حفظ و نظارت در اموال صغار و مجازین و اشخاص غیر رشید مادام که برای

آنها قیم معین نشده بمعهده مدعی العموم خواهد بود طرز حفظ و نظارت مدعی العموم بموجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد .

**ماده ۱۲۳۵ -** همین که حکم جنون یا عدم رشد یکنفر صادر و بتوسط محکمه شرع برای او

قیم معین گردید مدعی العموم میتواند حجر آنرا اعلان نماید انتشار حجر هر کسی که نظر بوضعیت دارائی او ممکن است طرف معاملات بالنسبه عمده واقع گردد الزامی است .

**ماده ۱۲۳۶ -** اسامی اشخاصی که بعد از کبر و رشد بعثت جنون یا سفه محجور میگرددند

باید در دفتر مخصوص ثبت شود . مراجعه بدفتر مزبور برای عموم آزاد است .

**ماده ۱۲۳۷ -** فقط کسی را محاکم و ادارات و دفاتر اسناد رسمی بقیمومت خواهند شناخت



### ۱۲۲۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

که نصب او مطابق قانون توسط محکمه شرع یا از طرف محضری بعمل آمده باشد که قانوناً قائم مقام محکمه شرع محسوب میشود .

**ماده ۱۲۲۸** - در خارج ایران مأمورین قنسولی ایران حق دارند نسبت بایرانیان که باید مطابق ماده ۱۲۱۸ برای آنها قیم نصب شود و درحوزه مأموریت آنها ساکن یا مقیم هستند موقتاً نصب قیم کنند و باید تا ده روز پس از نصب قیم مدارک عمل خود را بوسیله وزارت امور خارجه بوزارت عدلیه بفرستند نصب قیم مزبور وقتی قطعی میگردد که محکمه شرع طهران تصمیم مأمور قنسولی را تنفیذ کند .

**ماده ۱۲۲۹** - وظایف و اختیاراتی که بموجب قوانین و نظامات مربوطه در مورد دخالت مدعیان عمومی در امور صفار و مجانین و اشخاص غیررشید مقرر است در خارج ایران بعهد مأمورین قنسولی خواهد بود .

**ماده ۱۲۳۰** - اگر در عهود و قراردادهای منعقد بین دولت ایران و دولتی که مأمور قنسولی مأموریت خود را در مملکت آن دولت اجرا میکنند ترتیبی بر خلاف مقررات دو ماده فوق اتخاذ شده باشد مأمورین مذکور مفاد آن دو ماده را تاحدی که بامقررات عهدنامه یا قرارداد مخالف نباشد اجرا خواهند کرد .

**ماده ۱۲۳۱** - اشخاص ذیل نباید بسمت قیمومت معین شوند :

- ۱ - کسانی که خود تحت ولایت یا قیمومت هستند .
- ۲ - کسانی که بعلت از تکاب جنایت یا یکی از جنحه های ذیل بموجب حکم قطعی محکوم شده باشند :  
سرقه - خیانت در امانت - کلاهبرداری - اختلاس - هتک ناموس یا منافیات عفت - جنحه نسبت باطفال - ورشکستگی بتقصیر .
- ۳ - کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر و هنوز عمل ورشکستگی آنها تصفیه نشده است .
- ۴ - کسانی که معروف بفساد اخلاق باشند .

### ۱۳۳۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

- ه - کسیکه خود یا اقرباء طبقه اول او دعوائی بر محجور داشته باشد .  
**ماده ۱۳۳۲** - با داشتن صلاحیت برای قیمومت اقرباء محجور مقدم بر سایرین خواهند بود.  
**ماده ۱۳۳۳** - زن نمیتواند بدون رضایت شوهر خود سمت قیمومت را قبول کند .  
**ماده ۱۳۳۴** - در صورتیکه محکمه بیش از یک نفر را برای قیمومت معین کند میتواند وظایف آنها را تفکیک نماید .

### فصل سوم - در اختیارات و وظایف و مسئولیت قیم و حدود آن

- نظارت مدعی العموم در امور صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید**  
**ماده ۱۳۳۵** - مواظبت شخص مولی علیه و نمایندگان قانونی او در کلیه امور مربوطه با اموال و حقوق مالی او با قیم است .  
**ماده ۱۳۳۶** - قیم مکلف است قبل از مداخله در امور مالی مولی علیه صورت جامعی از کلیه دارائی او تهیه کرده يك نسخه از آن را با امضاء خود برای مدعی العموم بدایت که مولی علیه در حوزه آن سکونت دارد بفرستد و مدعی العموم یا نماینده او باید نسبت به میزان دارائی مولی علیه تحقیقات لازم بعمل آورد .  
**ماده ۱۳۳۷** - مدعی العموم یا نماینده او باید بعد از ملاحظه صورت دارائی مولی علیه مبلغی را که ممکن است مخارج سالیانه مولی علیه بالغ بر آن گردد و مبلغی را که برای اداره کردن دارائی مزبور ممکن است لازم شود معین نماید قیم نمیتواند بیش از مبالغ مزبور خرج کند مگر با تصویب مدعی العموم .  
**ماده ۱۳۳۸** - قیمی که تقصیر در حفظ مال مولی علیه بنماید مسئول ضرر و خسارتی است که از نقصان یا تلف آن مال حاصل شده اگرچه نقصان یا تلف مستند بتفریط یا تعدی قیم نباشد .  
**ماده ۱۳۳۹** - هر گاه معلوم شود که قیم عامداً مالی را که متعلق بمولی علیه بوده جزو صورت دارائی او قید نکرده و یا باعث شده است که آن مال در صورت مزبور قید نشود مسئول هر ضرر و خسارتی خواهد بود که از این حیث ممکن است بمولی علیه وارد شود بعلاوه در صورتیکه عمل مزبور از روی سوء نیت بوده قیم معزول خواهد شد .  
**ماده ۱۳۴۰** - قیم نمیتواند بسمت قیمومت از طرف مولی علیه با خود معامله کند اعم از

### ۱۳۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

اینکه مال مولی علیه را بخود منتقل کند یا مال خود را باو انتقال دهد .

**ماده ۱۳۴۱ -** قیم نمیتواند اموال غیر منقول مولی علیه را بفروشد و یا رهن گذارد یا معامله کند که در نتیجه آن خود مدیون مولی علیه شود مگر بالحاظ غبطه مولی علیه و تصویب مدعی العموم. در صورت اخیر شرط حتمی تصویب مدعی العموم ملائت قیم میباشد و نیز نمیتواند برای مولی علیه بدون ضرورت و احتیاج قرض کند مگر با تصویب مدعی العموم .

**ماده ۱۳۴۲ -** قیم نمیتواند دعوی مربوط بولی علیه را بصلح خاتمه دهد مگر با تصویب مدعی العموم .

**ماده ۱۳۴۳ -** در صورت وجود موجبات موجه مدعی العموم میتواند از محکمه ابتدائی تقاضا کند که از قیم تضمیناتی راجع باداره اموال مولی علیه بخواهد .

تعیین نوع تضمین بنظر محکمه است هر گاه قیم برای دادن تضمین حاضر نشد از قیمومت عزل میشود .

**ماده ۱۳۴۴ -** قیم باید لااقل سالی یک مرتبه حساب تصدی خود را بمدعی العموم یا نماینده او بدهد و هر گاه در ظرف یکماه از تاریخ مطالبه مدعی العموم حساب ندهد بتقاضای مدعی العموم معزول میشود .

**ماده ۱۳۴۵ -** قیم باید حساب زمان تصدی خود را پس از کبر و رشد یا رفع حجر بولی علیه سابق خود بدهد هر گاه قیمومت او قبل از رفع حجر خاتمه یابد حساب زمان تصدی باید بقیم بعدی داده شود .

**ماده ۱۳۴۶ -** قیم میتواند برای انجام امر قیمومت مطالبه اجرت کند میزان اجرت مزبور بارعایت کار قیم و مقدار اشتغالی که از امر قیمومت برای او حاصل میشود و محلی که قیم در آنجا اقامت دارد و میزان عایدی مولی علیه تعیین میگردد .

**ماده ۱۳۴۷ -** مدعی العموم میتواند اعمال نظارت در امور مولی علیه را کلا یا بعضاً باشخاص موثق یا هیئت یا مؤسسه واگذار نماید . شخص یا هیئت یا مؤسسه که برای اعمال نظارت تعیین شده در صورت تقصیر یا خیانت مسئول ضرر و خسارت وارده بولی علیه خواهند بود .

## ۱۴۹ ماده جزه آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

### فصل چهارم - در موارد عزل قیم

**ماده ۱۴۴۸ -** در موارد ذیل قیم معزول میشود :

- ۱ - اگر معلوم شود که قیم فاقد صفت امانت بوده و یا این صفت از او سلب شود .
- ۲ - اگر قیم مرتکب جنایت و یا مرتکب یکی از جنجه‌های ذیل شده و بموجب حکم قطعی محکوم گردد :
- سرقت - خیانت در امانت - کلاهبرداری - اختلاس - هتک ناموس - منافیات عفت - جنجه نسبت باطفال - ورشکستگی بتقصیر یا تقلب .
- ۳ - اگر قیم بعلمتی غیر از علل فوق محکوم بحبس شود و بدینجهت نتواند امور مالی مولی‌علیه را اداره کند .
- ۴ - اگر قیم ورشکسته اعلان شود .

۵ - اگر هدم لیاقت یا توانائی قیم در اداره اموال مولی‌علیه معلوم شود .

۶ - در مورد مواد ۱۲۳۹ و ۱۲۴۳ و ۱۲۴۴ با تقاضای مدعی‌العموم .

**ماده ۱۴۴۹ -** اگر قیم مجنون یا فاقد رشد گردد منزل میشود .

**ماده ۱۴۵۰ -** هرگاه قیم در امور مربوطه با اموال مولی‌علیه یا جنجه یا جنایت نسبت بشخصی او مورد تعقیب مدعی‌العموم واقع شود محکمه بتقاضای مدعی‌العموم موقتاً قیم دیگری برای اداره اموال مولی‌علیه معین خواهد کرد .

**ماده ۱۴۵۱ -** هرگاه زن بی‌شوهری ولو مادر مولی‌علیه که بسمت قیمومت معین شده است اختیار شوهر کند باید مراتب را در ظرف يك ماه از تاریخ انعقاد نکاح بمدعی‌العموم بدایت حوزه اقامت خود یا نماینده او اطلاع دهد در اینصورت مدعی‌العموم یا نماینده او میتواند با رعایت وضعیت جدید آن زن تقاضای تعیین قیم جدید و یا ضم ناظر کند .

**ماده ۱۴۵۲ -** در مورد ماده قبل اگر قیم ازدواج خود را در مدت مقرر بمدعی‌العموم یا نماینده او اطلاع ندهد مدعی‌العموم میتواند تقاضای عزل او را بکند .

### فصل پنجم - در خروج از تحت قیمومت

**ماده ۱۴۵۳ -** پس از زوال سببی که موجب تعیین قیم شده قیمومت مرتفع میشود .

### ۱۴۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

- ماده ۱۴۵۴** - خروج از تحت قیمومت را ممکن است خودمولی علیه یا هر شخص ذینفع دیگری تقاضا نماید تقاضا نامه ممکن است مستقیماً یا توسط مدعی العموم حوزه‌ای که مولی علیه در آنجا سکونت دارد یا نماینده او بمحکمه ابتدائی همان حوزه داده شود .
- ماده ۱۴۵۵** - در مورد ماده قبل مدعی العموم یا نماینده او مکلف است قبلاً نسبت برفع علت تحقیقات لازمه بعمل آورده مطابق نتیجه حاصله از تحقیقات در محکمه اظهار عقیده نماید .
- در مورد کسانی که حجر آنها مطابق ماده ۱۴۲۵ اعلان میشود رفع حجر نیز باید اعلان گردد .
- ماده ۱۴۵۶** - رفع حجر هر محجور باید در دفتر مذکور در ماده ۱۴۲۶ و در مقابل اسم آن محجور قید شود .

## جلد سوم

### در ادله اثبات دعوی

- ماده ۱۴۵۷** - هر کس مدعی حقی باشد باید آنرا اثبات کند و مدعی علیه هر گاه در مقام دفاع مدعی امری شود که محتاج بدلیل باشد اثبات امر بر عهده او است .
- ماده ۱۴۵۸** - دلایل اثبات دعوی از قرار ذیل است :
- ۱ - اقرار .
  - ۲ - اسناد کتبی .
  - ۳ - شهادت .
  - ۴ - امارات .
  - ۵ - قسم .

### کتاب اول - در اقرار

#### باب اول - در شرایط اقرار

- ماده ۱۴۵۹** - اقرار عبارت از اخبار بحقی است برای غیر بر ضرر خود .
- ماده ۱۴۶۰** - اقرار واقع میشود بهر لفظی که دلالت بر آن نماید .

## ۱۲۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

- ماده ۱۲۶۱ - اشاره شخص لال که صریحاً حاکی از اقرار باشد صحیح است .
- ماده ۱۲۶۲ - اقرارکننده باید بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد بنا بر این اقرار صغیر و مجنون در حال دیوانگی و غیر قاصد و مکره مؤثر نیست .
- ماده ۱۲۶۳ - اقرار سفیه در امور مالی مؤثر نیست .
- ماده ۱۲۶۴ - اقرار مفلس و ورشکسته نسبت باموال خود بر ضرر دیان نافذ نیست .
- ماده ۱۲۶۵ - اقرار مدعی افلاس و ورشکستگی در امور راجعه باموال خود بملاحظه حفظ حقوق دیگران منشاء اثر نمیشود تا افلاس یا عدم افلاس او معین گردد .
- ماده ۱۲۶۶ - در مقررله اهلیت شرط نیست لیکن بر حسب قانون باید بتواند دارای آنچه که بنفع او اقرار شده است بشود .
- ماده ۱۲۶۷ - اقرار بنفع متوفی درباره ورثه او مؤثر خواهد بود .
- ماده ۱۲۶۸ - اقرار معلق مؤثر نیست .
- ماده ۱۲۶۹ - اقرار با امریکه عقلاً یا عادتاً ممکن نباشد و یا بر حسب قانون صحیح نیست اثری ندارد .
- ماده ۱۲۷۰ - اقرار برای حمل در صورتی مؤثر است که زنده متولد شود .
- ماده ۱۲۷۱ - مقررله اگر بکللی مجهول باشد اقرار اثری ندارد و اگر فی الجمله معلوم باشد مثل اقرار برای یکی از دو نفر معین صحیح است .
- ماده ۱۲۷۲ - در صحت اقرار تصدیق مقررله شرط نیست لیکن اگر مفاد اقرار را تکذیب کند اقرار مزبور در حق او اثری نخواهد داشت .
- ماده ۱۲۷۳ - اقرار بنسبت در صورتی صحیح است که اولاً تحقق نسب بر حسب عادت و قانون ممکن باشد ثانیاً کسیکه بنسب او اقرار شده تصدیق کند مگر در مورد صغیری که اقرار بر فرزندی او شده بشرط آنکه منازعه در بین نباشد .
- ماده ۱۲۷۴ - اختلاف مقر و مقررله در سبب اقرار مانع صحت اقرار نیست .

## باب دوم - در آثار اقرار

- ماده ۱۲۷۵ - هر کس اقرار بعتی برای غیر کند ملزم به اقرار خود خواهد بود .
- ماده ۱۲۷۶ - اگر کذب اقرار نزد حاکم ثابت شود آن اقرار اثری نخواهد داشت .

### ۱۳۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

**ماده ۱۳۷۷** - انکار بعد از اقرار مسموع نیست لیکن اگر مراحدا کند که اقرار او فاسد یا مبنی بر اشتباه یا قلمط بوده شنیده میشود و همچنین است در صورتیکه برای اقرار خود عذری ذکر کند که قابل قبول باشد مثل اینکه بگوید اقرار بگرفتن وجه در مقابل سند یا حواله بوده که وصول نشده لیکن دعاوی مذکوره مادامی که اثبات نشده مضر باقرار نیست .

**ماده ۱۳۷۸** - اقرار هر کس فقط نسبت بخود آن شخص و قائم مقام او نافذ است و در حق دیگری نافذ نیست مگر در موردیکه قانون آنرا ملزم قرارداده باشد .

**ماده ۱۳۷۹** - اقرار شفاهی واقع در خارج از محکمه را در صورتی میتوان به شهادت شهود اثبات کرد که اصل دعوی به شهادت شهود قابل اثبات باشد و یا ادله و قرائنی بر وقوع اقرار موجود باشد .

**ماده ۱۳۸۰** - اقرار کتبی در حکم اقرار شفاهی است .

**ماده ۱۳۸۱** - قیدین در دفتر تجار بمنزله اقرار کتبی است .

**ماده ۱۳۸۲** - اگر موضوع اقرار در محکمه مقید بقید یا وصفی باشد مقررله نمیتواند آنرا تجزیه کرده از قسمتی از آن که بنفع او است بر ضرر مقرر استفاده نماید و از جزء دیگر آن صرف نظر کند.

**ماده ۱۳۸۳** - اگر اقرار دارای دو جزء مختلف الاثر باشد که ارتباط تامی با یکدیگر نداشته باشند مثل اینکه مدعی علیه اقرار باخذ وجه از مدعی نموده و مدعی رد شود مطابق ماده ۱۱۳۴ اقدام خواهد شد .

### کتاب دوم از جلد سوم - در اسناد

**ماده ۱۳۸۴** - سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد .

**ماده ۱۳۸۵** - شهادتنامه سند محسوب نمیشود و فقط اعتبار شهادت را خواهد داشت .

**ماده ۱۳۸۶** - سند بر دو نوع است رسمی و عادی .

**ماده ۱۳۸۷** - اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر

مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند رسمی است .

**ماده ۱۳۸۸** - مفاد سند در صورتی معتبر است که مخالف قوانین نباشد .

**ماده ۱۳۸۹** - غیر از اسناد مذکوره در ماده ۱۳۸۷ سایر اسناد عادی است .

### ۱۲۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

- ماده ۱۲۹۰** - اسناد رسمی درباره طرفین و وراث و قائم مقام آنان معتبر است و اعتبار آنها نسبت باشخاص ثالث در صورتی است که قانون تصریح کرده باشد .
- ماده ۱۲۹۱** - اسناد عادی در دو مورد اعتبار اسناد رسمی را داشته درباره طرفین و وراث و قائم مقام آنان معتبر است :
- ۱ - اگر طرفی که سند بر علیه او اقامه شده است صدور آنرا از منتسب الیه تصدیق نماید .
  - ۲ - هر گاه در محکمه ثابت شود که سند مزبور را طرفی که آنرا تکذیب یا تردید کرده فی الواقع امضاء یا مهر کرده است .
- ماده ۱۲۹۲** - در مقابل اسناد رسمی یا اسنادی که اعتبار اسناد رسمی را دارد انکار و تردید مسموع نیست و طرف میتواند ادعای جعلیت با اسناد مزبور کند یا ثابت نماید که اسناد مزبور بجهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است .
- ماده ۱۲۹۳** - هر گاه سند بوسیله یکی از مأمورین رسمی تنظیم اسناد تهیه شده لیکن مأمور صلاحیت تنظیم آن سند را نداشته و یا رعایت ترتیبات مقرر قانونی را در تنظیم سند نکرده باشد سند مزبور در صورتیکه دارای امضاء یا مهر طرف باشد عادی است .
- ماده ۱۲۹۴** - عدم رعایت مقررات راجعه بحق نمبر که با اسناد تعلق میگیرد سند را از رسمیت خارج نمیکند .
- ماده ۱۲۹۵** - محاکم ایران با اسناد تنظیم شده در کشور های خارجه همان اعتباری را خواهند داد که آن اسناد مطابق قوانین کشوری که در آنجا تنظیم شده دارا میباشد مشروط بر اینکه :
- اولاً - اسناد مزبوره بملتی از هلال قانونی از اعتبار نیفتاده باشد .
  - ثانیاً - مفاد آنها مخالف با قوانین مربوطه بنظم عمومی یا اخلاق حسنه ایران نباشد .
  - ثالثاً - کشوری که اسناد در آنجا تنظیم شده بموجب قوانین خود یا عهد اسناد تنظیم شده در ایران را نیز معتبر بشناسد .
- رابعاً - نماینده سیاسی یا قنصلی ایران در کشوری که سند در آنجا تنظیم شده یا نماینده سیاسی و با قنصلی کشور مزبور در ایران تصدیق کرده باشد که سند موافق قوانین محل تنظیم یافته است .
- ماده ۱۲۹۶** - هر گاه موافقت اسناد مزبور در ماده قبل با قوانین محل تنظیم خود بتوسط نماینده سیاسی یا قنصلی خارجه در ایران تصدیق شده باشد قبول شدن سند در محاکم ایران متوقف



### ۱۲۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

براین است که وزارت امور خارجه و یاددخارج طهران حکام ایالات و ولایات امضاء نماینده خارجه را تصدیق کرده باشند .

**ماده ۱۲۹۷** - دفاتر تجارتي در موارد دعوی تاجر بر تاجر دیگر در صورتی که دعوی از محاسبات و مطالبات تجارتي حاصل شده باشد دلیل محسوب میشود مشروط بر اینکه دفاتر مزبور مطابقت قانون تجارت تنظیم شده باشند .

**ماده ۱۲۹۸** - دفتر تاجر در مقابل غیر تاجر سندیت ندارد فقط ممکن است جزء قرائن و امارات قبول شود لیکن اگر کسی بدفتر تاجر استناد کرد نمیتواند تفکیک کرده آنچه را که بر نفع او است قبول و آنچه که بر ضرر او است رد کند مگر آنکه بی اعتباری آنچه را که بر ضرر اوست ثابت کند .

**ماده ۱۲۹۹** - دفتر تجارتي در موارد مفصله ذیل دلیل محسوب نمیشود :

- ۱ - در صورتیکه مدلل شود اوراق جدیدی بدفتر داخل کرده اند یا دفتر تراشیده کی دارد .
  - ۲ - وقتی که در دفتری ترتیبی و اغتشاشی کشف شود که بر نفع صاحب دفتر باشد .
  - ۳ - وقتی که بی اعتباری دفتر سابقاً بجهتی از جهات در محکمه مدلل شده باشد .
- ماده ۱۳۰۰** - در مواردی که دفتر تجارتي بر نفع صاحب آن دلیل نیست بر ضرر او سندیت دارد .
- ماده ۱۳۰۱** - امضائی که در روی نوشته یا سندی باشد بر ضرر امضاء کننده دلیل است .
- ماده ۱۳۰۲** - هر گاه در ذیل یا حاشیه یا ظهر سندی که در دست ابراز کننده بوده مندرجاتی باشد که حکایت از بی اعتباری یا از اعتبار افتادن تمام یا قسمتی از مفاد سند نماید مندرجات مزبور معتبر محسوب است اگرچه تاریخ و امضاء نداشته و یا بوسیله خط کشیدن و یا نحو دیگر باطل شده باشد .
- ماده ۱۳۰۳** - در صورتیکه بطلان مندرجات مذکوره در ماده قبل ممضی به امضاء طرف بوده و با طرف بطلان آن را قبول کند و یا آنکه بطلان آن در محکمه ثابت شود مندرجات مزبور بلا اثر خواهد بود .

**ماده ۱۳۰۴** - هر گاه امضای تعهدی در خود تعهد نامه نشده و در نوشته علیحده شده باشد آن تعهد نامه بر علیه امضاء کننده دلیل است در صورتیکه در نوشته مصرح باشد که بکدام تعهد یا معامله مربوط است .

**ماده ۱۳۰۵** - در اسناد رسمی تاریخ تنظیم معتبر است حتی بر علیه اشخاص ثالث ولی در

## ۱۳۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

اسناد عادی تاریخ فقط درباره اشخاصی که شرکت در تنظیم آنها داشته و ورثه آنان و کسی که بنفع او وصیت شده معتبر است .

### کتاب سوم - در شهادت

#### باب اول - در موارد شهادت

**ماده ۱۳۰۶ -** جز در مواردی که قانون استثناء کرده است هیچیک از عقود و ایقاعات و تعهدات را که موضوع آن عیناً یا قیمتاً بیش از پانصد ریال باشد نمیتوان فقط بوسیله شهادت شفاهی یا کتبی اثبات کرد ولی این حکم مانع از این نیست که محاکم برای مزید اطلاع و کشف حقیقت باظهارات شهود رسیدگی کنند .

**ماده ۱۳۰۷ -** در مورد عقود و ایقاعات و تعهدات مذکوره در ماده فوق کسی هم که مدعی است بتعهد خود عمل کرده یا بنحوی از انحاء قانونی بری شده است نمیتواند ادعای خود را فقط بوسیله شهادت ثابت کند .

**ماده ۱۳۰۸ -** دعوی سقوط حق از قبیل پرداخت دین - اقاله - فسخ - ابراء و امثال آنها در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده ولو آنکه موضوع سند کمتر از پانصد ریال باشد بشهادت قابل اثبات نیست .

**ماده ۱۳۰۹ -** در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده دعوی که مخالف با مفاد یا مندرجات آن باشد بشهادت اثبات نمیکرد .

**ماده ۱۳۱۰ -** اگر موضوع دعوی عقد یا ایقاع و یا تعهدی بیش از پانصد ریال باشد نمیتوان آنرا فقط بوسیله شهود اثبات کرد اگرچه مدعی دعوی خود را بیانصد ریال تقلیل داده یا از مازاد آن صرفنظر کند .

**ماده ۱۳۱۱ -** قیمت پانصد ریال در زمان عقد یا ایقاع و یا تعهد منوط است نه موقع مطالبه ولی نسبت به آنچه که قبل از اجرای این قانون واقع شده منوط قیمت روز مطالبه است .

**ماده ۱۳۱۲ -** احکام مذکور در فوق در موارد ذیل جاری نخواهد بود :

۱ - در مواردی که اقامه شاهد برای تقویت یا تکمیل دلیل باشد مثل اینکه دلیلی بر اصل دعوی موجود بوده ولی مقدار یا مبلغ مجهول باشد و شهادت بر تعیین مقدار یا مبلغ اقامه گردد .

### ۱۲۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

۲ - در مواردی که بواسطه حادثه گرفتن سند ممکن نیست از قبیل حریق و سیل و زلزله و فرق کشتی که کسی مال خود را بدیگری سپرده و تحصیل سند برای صاحب مال در آن موقع ممکن نیست .  
 ۳ - نسبت بکلیه تمهداتی که عادتاً تحصیل سند معمول نمیشد مثل اموالی که اشخاص در مهمانخانه‌ها و قهوه خانه‌ها و کاروانسراها و نمایشگاه‌ها میسپارند و مثل حق الزحمه اطباء و قابله همچنین انجام تمهداتی که برای آن عادتاً تحصیل سند معمول نیست مثل کارهائی که بمقاطع و ونحو آن تمهد شده اگر چه اصل تمهد بموجب سند باشد .

۴ - در صورتی که سند بواسطه حوادث غیرمنتظره مفقود یا تلف شده باشد .

۵ - در موارد ضمان قهری و امور دیگری که داخل در عقود و ایقاعات نباشد .

ماده ۱۳۱۳ - شهادت اشخاص ذیل پذیرفته نمیشود :

۱ - محکومین بمجازات جنائی .

۲ - محکومین باسر جنحه که محکمه در حکم خود آنها را از حق شهادت دادن در محاکم محروم کرده باشد .

۳ - اشخاص ولگرد و کسانیکه تکلیفی را شغل خود قرار دهند .

۴ - اشخاص معروف بفساد اخلاق .

۵ - کسی که نفع شخصی در دعوی داشته باشد .

۶ - شهادت دیوانه در حال دیوانگی .

ماده ۱۳۱۴ - شهادت اطفالی را که بسن پانزده سال تمام نرسیده اند فقط ممکن است برای

مزید اطلاع استعمال نمود مگر در مواردی که قانون شهادت این قبیل اطفال را معتبر شناخته باشد .

### باب دوم - در شرایط شهادت

ماده ۱۳۱۵ - شهادت باید از روی قطع و یقین باشد نه بطور شك و تردید .

ماده ۱۳۱۶ - شهادت باید مطابق با دعوی باشد ولی اگر در لفظ مخالف و در معنی موافق

یا کمتر از ادعا باشد ضرری ندارد .

ماده ۱۳۱۷ - شهادت شهود باید مفاداً متحد باشد بنابراین اگر شهود باختلاف شهادت دهند

قابل اثر نخواهد بود مگر در صورتیکه از مفاد اظهارات آنها قدمتی بدست آید .

ماده ۱۳۱۸ - اختلاف شهود در خصوصیات امر اگر موجب اختلاف در موضوع شهادت

ناشده اشکالی ندارد .

## ۱۳۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

**ماده ۱۳۱۹** - در صورتیکه شاهد از شهادت خود رجوع کند یا معلوم شود برخلاف واقع شهادت داده است شهادت او ترتیب اثر داده نمی‌شود.

**ماده ۱۳۲۰** - شهادت بر شهادت در صورتی مسموع است که شاهد اصل وقات یافته یا بواسطه مانع دیگری مثل بیماری و سفر و حبس و غیره نتواند حاضر شود.

### کتاب چهارم - در امارات

**ماده ۱۳۲۱** - اماره عبارت از اوضاع و احوالی است که بحکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می‌شود.

**ماده ۱۳۲۲** - امارات قانونی اماراتی است که قانون آنرا دلیل بر امری قرار داده مثل امارات مذکوره در این قانون از قبیل مواد ۳۵ و ۱۰۹ و ۱۱۰۰ و ۱۱۰۸ و ۱۱۰۹ و غیر آنها و سایر امارات مصرحه در قوانین دیگر.

**ماده ۱۳۲۳** - امارات قانونی در کلیه دعاوی اگرچه از دعاوی باشد که بشهادت شهود قابل اثبات نیست معتبر است مگر آنکه دلیل برخلاف آن موجود باشد.

**ماده ۱۳۲۴** - اماراتی که بنظر قاضی واگذار شده عبارت است از اوضاع و احوالی در خصوص مورد و در صورتی قابل استناد است که دعوی بشهادت شهود قابل اثبات باشد یا ادله دیگر را تکمیل کند.

### کتاب پنجم - در قسم

**ماده ۱۳۲۵** - در دعاوی که بشهادت شهود قابل اثبات است مدعی میتواند حکم بدعوی خود را که مورد انکار مدعی علیه است منوط بقسم او نماید.

**ماده ۱۳۲۶** - در موارد ماده فوق مدعی علیه نیز میتواند در صورتیکه مدعی سقوط دین یا تعهد یا نحو آن باشد حکم بدعوی را منوط بقسم مدعی کند.

**ماده ۱۳۲۷** - مدعی یا مدعی علیه در مورد دو ماده قبل در صورتی میتواند تقاضای قسم از طرف دیگر نماید که عمل یا موضوع دعوی منتسب بشخص آن طرف باشد. بنابراین در دعاوی بر صغیر و مجنون نمیتوان قسم را بر ولی یا وصی یا قیم متوجه کرد مگر نسبت باعمال صادره از شخص آنها آنهم مادامی که بولایت یا وصایت یا قیمومت باقی هستند و همچنین است در کلیه مواردی که امر منتسب بیک طرف باشد.

### ۱۴۹ ماده جزء آخر قانون مدنی مصوب دوره دهم

**ماده ۱۴۲۸** - کسی که قسم متوجه او شده است در صورتیکه نتواند بطلان دعوی طرف را اثبات کند یا باید قسم یاد نماید یا قسم را بطرف دیگر رد کند و اگر نه قسم یاد کند و نه آنرا بطرف دیگر رد نماید نسبت بادعائی که تقاضای قسم برای آن شده است محکوم میگردد .

**ماده ۱۴۲۹** - قسم یکسوی متوجه میگردد که اگر اقرار کند اقرارش نافذ باشد .

**ماده ۱۴۳۰** - تقاضای قسم قابل توکیل است و وکیل در دعوی میتواند طرف را قسم دهد لیکن قسم یاد کردن قابل توکیل نیست و وکیل نمیتواند بجای موکل قسم یاد کند .

**ماده ۱۴۳۱** - قسم قاطع دعوی است و هیچگونه اظهاری که منافی باقسم باشد از طرف پذیرفته نخواهد شد .

**ماده ۱۴۳۲** - قسم فقط نسبت باشخاصی که طرف دعوی بوده اند و قائم مقام آنها مؤثر است .

**ماده ۱۴۳۳** - در دعوی بر متوفی در صورتی که اصل حق ثابت شده بقاء آن در نظر حاکم ثابت نباشد حاکم میتواند ازمدعی بخواهد که ببقاء حق خود قسم یاد کند .

در این مورد کسی که از او مطالبه قسم شده است نمیتواند قسم را بمدعی علیه رد کند . حکم این ماده در موردیکه مدرک دعوی سند رسمی است جاری نخواهد بود .

**ماده ۱۴۳۴** - در مورد ماده ۱۲۸۳ کسی که اقرار کرده است میتواند نسبت بآنچه که مورد ادعای او است از طرف مقابل تقاضای قسم کند .

مگر اینکه مدرک دعوی مدعی سند رسمی یا سندی باشد که اعتبار آن در محکمه محرز شده است .

**ماده ۱۴۳۵** - در دعاوی ذیل قسم مورد ندارد :

- ۱ - دعاوی که يك طرف آن اشخاص حقوقی مثل ادارات دولت و شرکتهای هستند .
  - ۲ - دعاوی راجع بضرر و زیان ناشی از جرم و خسارت ناشی از محاکمه .
  - ۳ - دعاوی تصرف عدوانی .
  - ۴ - دعوی مزاحمت در صورتی که منتهی باختلاف درحقی که موجب مزاحمت شده است نباشد .
  - ۵ - دعوی راجع باصل امتیازاتی که از طرف دولت داده میشود .
  - ۶ - دعاوی راجعه بعلائم صنعتی واسم و علائم تجارתי و حق التصنیف و حق اختراع و امثال اینها .
- این قانون که مشتمل بر یکصد و بیست و نه ماده است در جلسات اول و سیزدهم مهرماه و هشتم آبان ماه یکهزار و سیصد و چهارده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری